

اینک و طایفه‌های عشایری کرد

ایران

مجموعه: آدو صنایع و تجارت، اقتصاد و

فرهنگ ملی

تألیف: سید علی میرزا



موسسه انتشاراتی و آموزشی نسل دانش

۴۵۰ تومان

بیتاویضهای مشایخ کرامت ایران

۱	۳۰
۲۲	۱۵

ایل و طایفه های عشایری کرد

ایران

شماره : اوضاع اجتماع اقتصادی

فرهنگ ملی

تألیف : سید علی میرزا

نام کتاب: ایل‌ها و طایفه‌های کرد ایران  
مؤلف: میرنیا، سیدعلی، مشهد، سجادشهر، صندوق پستی ۳۸۳۹

---

حروفچینی: فردوسی (۳۸۵۹۰۳۸)

لیتوگرافی: مهران

چاپ: هما

صحافی: دلشاد

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

ناشر: مؤسسه آموزشی و انتشاراتی نسل دانش-تهران،

ولی عصر، دکتر فاطمی، پلاک ۱۸، طبقه پنجم شماره ۱۰

حق چاپ محفوظ و مخصوص مؤلف است.

		عناوین مندرجات کتاب	
صفحه	عنوان		
۳۶	جان بیگلو و مدانلو در رستاق		
۳۶	عمرانلو و قلیچی، در رستاق		
۳۶	عبدالملکی، در نور	۷	مقدمه چاپ دوم
۳۷	کلبادی، در راغمرز	۸	مقدمه چاپ اول
۳۹	شهرفوند، در کجور		بخش اول - کرد - کردستان - گویش
۴۰	لک، در کلاردشت	۱۳	کردان
۴۰	غیاثوند، در رودبار و قاقزان	۱۵	زبان کردی
۴۱	ایرانلو، در ساری		بخش دوم - کردان گیلان
۴۱	حسنوند و کاکلونند، در کرد کوی	۲۱	عمارلو، در منطقه عمارلو
۴۲	زعفرانلو، در گنبد کاوس	۲۳	رشوندلو، در رودبار
۴۲	جهان بیگلو، در علی آباد	۲۳	طایفه های کرد، در شاندرمن
۴۳	طایفه های کرد، در شاهرود	۲۴	طایفه های کرد، در ماسوله
	طایفه های کرد، در دماوند	۲۴	طایفه های کرد، در دیلمان
۴۳	و خوار و ورامین	۲۵	عمرانلو، در گلوگاه
۴۴	کردبچه، در رودهن	۲۷	طایفه های کرد، در قزوین
۴۴	جابان در دماوند	۲۸	طایفه های کرد، در زنجان
۴۴	شادلو، در سرخه ده	۲۸	طایفه های کرد، در ملایر و همدان
۴۴	بوربور، در ورامین	۲۹	عمارلو، در رودبار
۴۴	قراچورلو، در خوار	۲۹	طایفه های کرد، در رحمت آباد
۴۴	پازوکی، در ورامین	۳۱	طایفه های رشوند، در الموت
۴۴	طایفه های کرد، در کرمان	۳۱	طایفه چمش گزک و کلهر، در طارم
	بخش چهارم - کردان خراسان	۳۲	طایفه کاکاوند، در قاقزان
۴۹	زعفرانلو، در قوچان و غیره	۳۲	طایفه باجلان و بهتویی، در رودبار
۵۰	سعدانلو (زیدانلو) در قوچان		بخش سوم - کردان مازندران
۵۱	کاوانلو، در رادکان	۳۵	طایفه های کرد، در ساری
۵۱	دوانلو، در مرزج و بجنورد	۳۵	طایفه های کرد، در بلوک رستاق
۵۱	عمارلو، در ماروسک نیشابور	۳۶	خواجه وند، در رستاق
۵۴	ایزانلو، در شیروان		

۷۰	ورانلو، در دوغایی	۵۴	شیخ امیرانلو، در شیرون
۷۱	طایفه‌های کرد، در بجنورد	۵۶	سودانلو، در شیروان
۷۱	شادلو، در بجنورد	۵۶	پیچرانلو، در شیروان
۷۲	قراچورلو، در بجنورد	۵۷	شاملو، در شیروان
۷۳	زعفرانلو، در بجنورد	۵۷	بادلانلو (بهادرانلو) در قوچان
۷۴	بادلو و خمرکانلو، در گلמگان	۵۸	پالکانلو، در جیرستان
۷۴	طایفه‌های کرد، در درگز	۵۸	پهلوانلو، در باجگیران
۷۵	شیخوانلو، در روستای شیخوانلو	۵۹	توپکانلو، در قوچان
۷۷	باچوانلو، در دهستان باچوانلو	۵۹	تیتکانلو، در قوچان
۷۷	قراچورلو، در دهستان باچوانلو	۵۹	حمزه کانلو، در قوچان و بجنورد
	زیندانلو و مادانلو، در	۶۰	رشوانلو، در قوچان و بجنورد
۷۸	روستای زیندانلو	۶۰	رود کانلو، در قوچان
۷۸	کیکانلو، در درومگر	۶۱	زیدانلو، در قوچان و درگز
۷۸	کیوانلو، در زنگانلو و کاهو	۶۱	سیفکانلو، در اوغاز
۷۹	پالکانلو در روستای پالکانلو	۶۲	کم کیلانلو، در باجگیران
۸۰	قراچورلو و شادلو در میان کوه	۶۲	سیل سپرانلو، در جیرستان
۸۰	زنگنه، در نوخندان	۶۳	شهرانلو، در دولت‌خانی
۸۱	تورانلو، در باچوانلو	۶۳	شیخکانلو، در اوغاز و چناران
۸۱	دوله شانلو، در باچوانلو	۶۴	قاجکانلو، در قوچان
۸۱	ارتکانلو، در اریتان	۶۵	قاسمانلو، در اسفراین
۸۳	زعفرانلو، در دوتانلو	۶۵	قرامانلو، در قوچان
۸۳	بریوانلو، در پسا کوه	۶۶	کاوانلو، در چناران و رادکان
۸۳	چگنی، در نوخندان	۶۶	گوران، در قوچان و شیروان
۸۴	صوفیانلو، در درونگر	۶۷	کیکانلو، در قوچان و بجنورد
۸۴	طایفه‌های کرد، در کلات	۶۷	کیوانلو، در رادکان و چناران
۸۵	اردلان، در کلات	۶۸	میانلو، در چناران و رادکان
۸۵	شادلو، در کلات	۶۸	مژدگانلو، در نیشابور
۸۵	گوه شانلو، در کلات	۶۹	میلانلو، در قوچان و اسفراین

۱۱۷	بهرام بیگی، در اورامانات	۸۵	ترسانلو، در کلات
۱۱۷	حسن خانی، در اورامانات	۸۶	بادللو، در قوچان و در گز
۱۱۸	فتحعلی بیگی، در اورامانات	۸۶	طایفه‌های دیگر کرد در در گز
۱۱۸	میران بیگی، در اورامانات	۸۷	کوچ‌نشینان کرد خراسان
۱۱۸	کردان منطقه سنندج	۸۹	جمعیت کردان خراسان
۱۱۸	کلماسی، در مریوان	۹۰	آمار چادرنشینان کرد خراسان
۱۱۹	زند، در مریوان	۹۳	آمار دام کوچ‌نشینان کرد خراسان
۱۱۹	کلاترزان، در مریوان		بخش پنجم - کردان مناطق دیگر ایران
۱۱۹	کردان منطقه کامیاران	۱۰۵	ایل‌ها و طایفه‌های کرد باختران
۱۲۰	کمانگر، در کامیاران	۱۰۶	سنجایی، در دهستان سنجایی
۱۲۰	لطف‌الله بیگی، در کامیاران	۱۰۷	کلههر، در سرپل ذهاب
۱۲۰	شهیدی، در کامیاران	۱۰۸	گوران، در گورانی
۱۲۰	احمدی، در کامیاران	۱۰۹	قبادی، در پی‌نهر
۱۲۱	کردان منطقه جوان رود	۱۱۰	چوپان کاره، در قلعه قاضی
۱۲۲	طایفه‌های کرد منطقه سقز	۱۱۰	باباخانی، در باختران
۱۲۳	ایل و طایفه‌های کرد آذربایجان غربی	۱۱۱	ولدییگی، در دولت آباد
۱۲۳	ایل شکاک، در سلماس	۱۱۱	قلخانی، در باختران
۱۲۴	بیگ‌زاده، در غرب ارومیه	۱۱۲	ترکاشوند، در باختران
۱۲۴	طایفه‌های کرد منطقه ماکو	۱۱۲	جمیر، در همدان
۱۲۵	ایل‌ها و طایفه‌های کرد منطقه خوی	۱۱۲	بالوند، در باختران
۱۲۶	ایل‌ها و طایفه‌های کرد منطقه نقده	۱۱۳	ایل‌ها و طایفه‌های کرد ایلام
۱۲۸	ایل‌ها و طایفه‌های کرد مهاباد	۱۱۳	مرادخانی، در زرین آباد
۱۲۹	کردان منطقه سردشت	۱۱۳	شکرییگی، در زرین آباد
۱۳۱	ایل‌ها و طایفه‌های کرد فارس	۱۱۴	سلیمان خانی، در آبدانان
۱۳۲	کردان منطقه بلوچستان	۱۱۴	کایدخورده، در دهلران
۱۳۳	ایل‌ها و طایفه‌های کرد لرستان	۱۱۶	ایل‌ها و طایفه‌های کردستان
	آمار ایل‌ها و طایفه‌های	۱۱۶	گلباغی، در کیله کرو
۱۳۴	عشایری و توزیع دام	۱۱۶	جاف، در جوان رود



۱۷۷	مراسم عروسی در ایل کلهر	۱۳۴	کوچ دامداران
۱۷۸	پاگشایی	۱۳۷	آمار خانوار و جمعیت عشایر
۱۷۹	ترانه‌های کردی	۱۳۸	آمار توزیع دام عشایر
۱۸۰	شعری از جعفر قلی بیچاره		بخش ششم - وضع اجتماعی
۱۸۲	ترانه کردی توگوری	۱۳۹	کردها
۱۸۴	مثال‌های کردی	۱۴۱	زبان
	بخش هشتم - وضع اقتصادی	۱۴۱	لباس
۱۸۷	وضع اقتصادی کردان	۱۴۱	دین
۱۸۸	صنایع دستی	۱۴۴	مسکن
	بخش نهم - آموزش و پرورش	۱۴۴	خوراک
۱۹۱	آموزش و پرورش	۱۴۵	لباس کردان مناطق غربی کشور
	بخش دهم - ورزش‌های سنتی	۱۴۹	بخش هفتم - فرهنگ مردم کرد
۱۹۵	کشتی چونا	۱۵۱	اعیاد مذهبی
۱۹۶	سوارکاری و اسب‌دوانی	۱۵۱	عزاداری و روضه‌خوانی
۲۰۵	فهرست اعلام	۱۵۲	عقاید و رسوم
		۱۵۵	معتقدات کردان توگور
		۱۵۶	رقص‌های کردی
		۱۵۶	جشن آب نو
		۱۵۷	رقص‌های کردان غرب ایران
		۱۶۰	آیین خواستگاری و عروسی
		۱۶۱	مراسم نام‌گذاری نوزاد
		۱۶۲	بازی‌های کودکان
		۱۶۴	پوشاک کردان غرب
		۱۶۸	مراسم عروسی در طایفه‌های لر
		۱۶۹	مراسم تدفین بین طایفه‌های لر
		۱۷۰	مراسم خواستگاری
		۱۷۲	نامزدی
		۱۷۲	مراسم عروسی

## مقدمه چاپ دوّم

### به نام خداوند یکتا

خدای را سپاس گزار است که: چاپ اول زیرا کسی کتاب «ایل ها و طایفه های کرد ایران» مورد توجه و استقبال و استفاده محققان ارجمند و دانشجویان گرامی و علاقمندان به شناخت ایل ها و طایفه های ایران قرار گرفت، و مؤلف را با ارسال نامه به سبب تألیف و انتشار این کتاب تشویق فرمودند. چون مرتباً محققان و علاقمندان این کتاب را درخواست می کردند. لذا به چاپ دوم آن اقدام گردید، در چاپ دوّم، با توجه به تغییرات حاصل در وضع کلی کوچندگان عشایری و دام داری، آمار مربوط به عشایر کرد کشور و تعداد دام هر منطقه بر اساس آخرین اطلاعات به دست آمده تهیه و چاپ شد تا مورد استفاده کامل محققان و دانشجویان قرار گیرد. امیدوارم نقائص احتمالی را بر بنده منت گذارند و اطلاع فرمایند.

مشهد - ۱۳۶۸

سید علی میرنیا

نشانی پستی صندوق ۳۸۳۹

تلفن ۷۱۴۰۹۹



## مقدمه مؤلف

### چاپ اول

### بسم الله الرحمن الرحيم

سالهاست برای شناخت ایل ها و طایفه های کرد، و ترک و ترکمن کشور مشغول مطالعه و پژوهش هستم. جمع آوری اطلاعات دقیق و جامع که در برگیرنده کلیه ایل ها و طایفه های کرد باشد مشکل است زیرا امروز کردن به سه گروه تقسیم می شوند:

۱- ایل ها و طایفه های کوچر و صحرانشین.

۲- ایل ها و طایفه های نیمه صحرا نشین.

۳- ایل ها و طایفه های یکجانشین «اسکان یافته»

اکثر کوچ نشینان پراکنده شده اند و با دیگر مردم شهرها و روستاها اختلاط و امتزاج یافته اند و به سبب تاثیر محیط خصوصیات ایلی و طایفه ای خود را از دست داده اند و حتی فرزندان آنها نیز از نام ایل و طایفه خود بی اطلاع اند و یا فهرست کامل و مطمئنی از نام و مسکن «توزیع جغرافیایی» این قبیل ایل ها و عشایر در دست نیست و یا ایل و تیره متمایز نیست. یکی ایلی را طایفه و دیگری طایفه ای را ایل عنوان نموده اند و مراجعه به اطلاعات و آمار سازمانهای اقتصادی

و سرشماری و یا آنچه در نشریات منتشر می‌گردد این مشکل را حل نمی‌کند و نظر محقق را تأمین نمی‌نماید. مع الوصف وجود منابع زیر بنائی اطلاعات در باره ایل‌ها و عشایر کشور مرجع راه‌گشایی است که می‌تواند تا حدی پژوهشگر را بسوی حقیقت رهنمون باشد.

نگارنده اطلاعاتی را که در باره ایل‌ها و طایفه‌ها کرد ایرانی جمع‌آوری نموده ام در این مجموعه بصورت کتابی بعنوان «ایل‌ها و طایفه‌های کرد ایران» تألیف کرده‌ام تا به محققین و علاقمندان به شناخت کرد تقدیم گردد. و ادعا ندارم کتاب تألیف و ارائه شده در تأمین منظور کافی است ولی اطمینان دارم مجموع اطلاعات ارائه شده در این کتاب شاید تا کنون در هیچ یک از نشریات مشابه در یکجا ارائه نشده است.

امیدوارم زحمات چند ساله ام در صرف وقت برای مطالعه و جمع‌آوری اطلاعات قابل قبول و مورد استفاده محققین گرامی و خوانندگان ارجمند واقع گردد.

مشهد - ۱۳۶۵

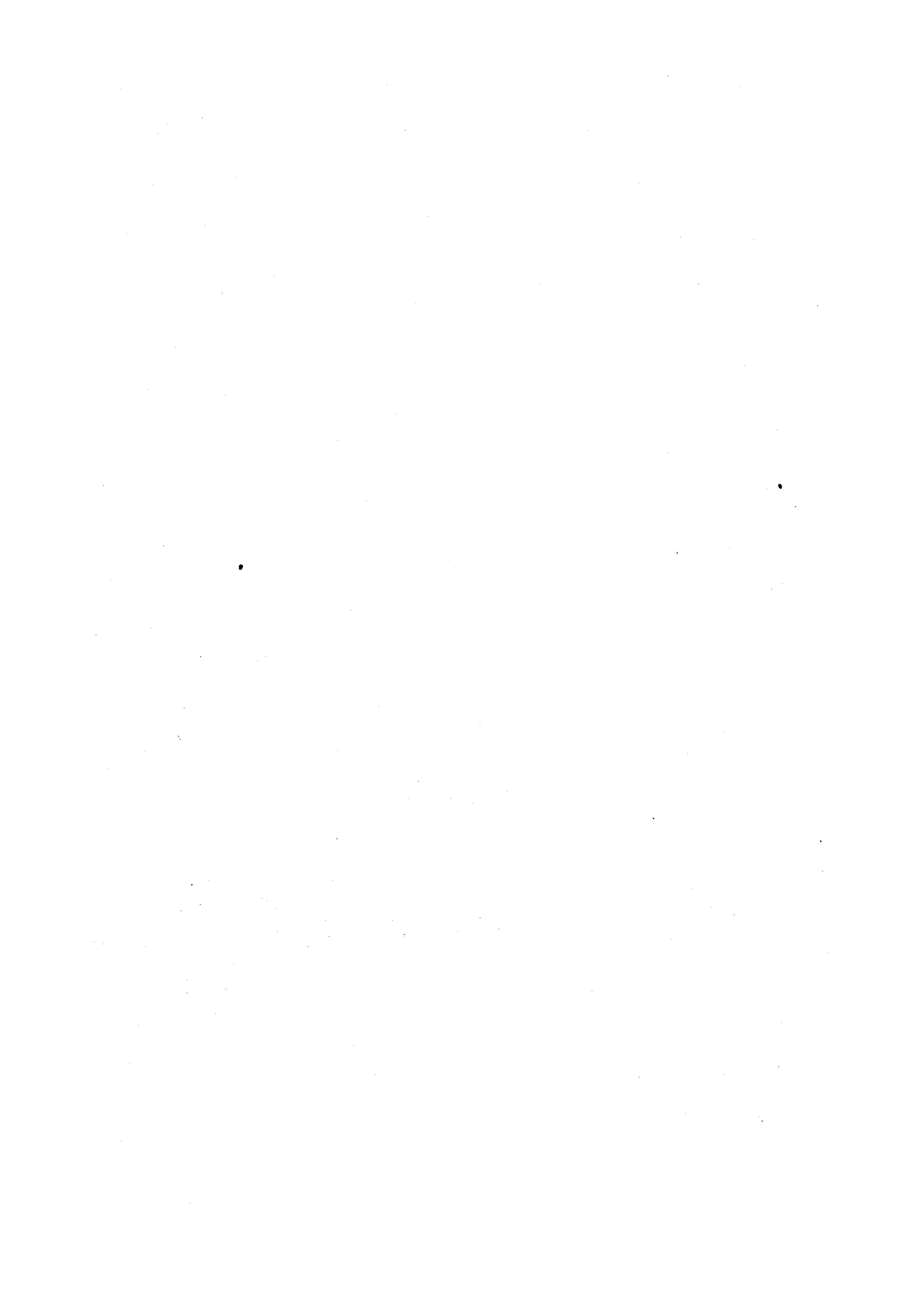
سید علی میرنیا

نشانی پستی صندوق ۳۸۳۹

تلفن ۷۱۴۰۹۹

بخش اوّل

کرد ، کردستان ، گویش



## بخش اول

### کرد، کردستان، گویش

کردان بزرگترین و قدیمی‌ترین قبایل بزرگ آریایی سرزمین ایران هستند که در محدوده ای از طرف شمال به ارمنستان و از طرف شرق به آذربایجان و عراق عجم و خوزستان که سلسله جبال زاگرس در این قسمت واقع است. و از طرف جنوب به عراق و از طرف مغرب به رود فرات و ولایات آسیای صغیر، در ایران و ترکیه و عراق سکونت دارند.\* کلمه کردستان از دوره سلجوقیان زمان سلطان سنجر (۱۱ - ۵۲۲ هجری) به دفاتر دیوان آمده. نخستین کتاب که از این ایالت نام می‌برد نزهه القلوب حمدالله مستوفی است که در سال ۷۴۰ هجری تحریر شده است. او کردستان و شانزده ولایت آنرا که حدودش به ولایت عراق عرب و خوزستان و عراق عجم و آذربایجان و دیار بکر پیوسته است چنین ذکر می‌کند:

«آلانی، الیشر، بهار، خفتیان، دربند تاج خاتون، دربند زنگی، زییل، دینور، سلطان آباد چمچال، شهر زور، کرمانشاه (قرمیسین)، کَرندوخوشان، کیگور، ماهیدشت، هرسین و سظام.»

\*- مردوخ کردستانی، تاریخ کردستان ج ۱، تهران ۱۳۳۵، ص ۵۱.



در وجه تسمیه شهر زور حمدالله مستوفی می نویسد: «آن شهر را زور بدان گویند که پیوسته حکامش اکراد بوده اند و هر کس را زور بیشتر بود حاکم می شده».

الشر فعلاً جزء پیشکوه لرستان است و در قرن چهارم هجری در دست امراء کرد (حسنویه) بوده است.\* در عالم آراء عباسی نام رؤسای ایل ها و طایفه های اکراد (الوار هم کرد هستند) که در عهد شاه عباس اول به رتبه ایالت و خانی و سلطانی رسیده اند به قرار ذیل ذکر شده است:

- ۱- خان احمد خان اردلان (ایل اردلان) ولد هلو خان، بیگریگی شهر زور
- ۲- سلمانخان سوباشی دنبلی (ایل دنبلی) حاکم چورس و سلماس
- ۳- امامقلی سلطان سیاه منصور (ایل سیاه منصور) حاکم اسفراین خراسان
- ۴- رضاقلی سلطان سیاه منصور، حاکم قلعه بست زمین راور
- ۵- عاشورخان چگنی (ایل چگنی) حاکم مرو شاهجان
- ۶- بیرامعلی سلطان صوفی (از عشایر اکراد) حاکم دیلمان گیلان
- ۷- علیمرادخان ولد گنجعلی زیگ (یکی از هفت دودمان قدیم عهد اشکانیان و ساسانیان) بیگریگی قندهار

- ۸- مقصود سلطان دنبلی (ایل دنبلی) حاکم بر کشاط
  - ۹- شجاع الدین سلطان سورله، از امراء شیروان
  - ۱۰- نفس سلطان گروس (ایل گروس) حاکم قلعه لک بغداد
  - ۱۱- گدای سلطان کولانی (ایل کولانی) حاکم زنجان
  - ۱۲- قلندر سلطان کله گیر، میر ایل مذکور از امراء آذربایجان
  - ۱۳- مصطفی سلطان جستانی، ملقب به ابدال علی حاکم جستان بغداد.
- ایل های بزرگ کردان ایران عبارتند از: عیاری، شبانکاره جاوانی، اتابکی، اردلان، بابان، سوران، برزیکانی یا (حسنویه) (حسنلو) چَمَش گَزَگ و ایوبیان دیار بکر عراق.

---

\*- یاسمی، رشید، کرد، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۳، ص ۱۹۴.

شاه اسماعیل اول در لشکر کشی به کردستان برای سرکوبی یاغیان کردستان و تسلیم یاغیان، ریاست ایل چمشگزگ را به حاج رستم بیک از امراء ایل، ارزانی داشت و در رکاب او بود. مؤلف شرفنامه، می نویسد: شاه طهماسب اول به ایل های

۱- سیاه منصور

۲- چگنی

۳- زنگنه که از ایل های عمده کردان ایران است در نواحی مختلف ایران امارت و انکا داد.

۱- سیاه منصور در، زنجان، سلطانیه، ابهر، زرین کمر سپس خراسان،

اسفراین، بست

۲- چگنی، در خراسان، قوچان، سروایت، نیشابور، مرو و غیره

۳- زنگنه، در زاوه، خواف خراسان\*

## زبان کردی

زبان کردی یکی از زبانهای اصیل و بزرگترین زبانهای ایرانی است. به احتمال قوی از بقایای مادی است و یا از ریشه زبانهای هند و ایرانی است. زبان کردی فعلی از بقایای آن است.

امیر شرفخان بدلیسی نویسنده (شرف نامه) در صفحه ۲۳ تاریخ کرد و کردستان که آنرا سال ۱۰۰۵ هجری نوشته است. زبان کردی را به چهار گویش بزرگ بخش بندی کرده است و می نویسد:

۱- کرمانج ۲- لُر ۳- کلهر ۴- گوران

---

\*- همو، همان کتاب، ص ۲۰۷

\*- بدلیسی، امیر شرفخان، شرفنامه، نشر علمی، تهران ۱۳۴۳.

۱ - کرمانجی شمالی - دارای گونه های بوتانی، باوی نانی، بایزیدی، شمینیانی، زازائی، قوچانی می باشد.

برخی از مردم ماکو، ارومیه، خوی، سلماس، شراینهای افشار، قوچان، بجنورد، درگز، شیروان، اسفراین، نیشابور، کلات و در گیلان عده ای از مردم، فاراب، رودبار، و در مازندران، کردان نور و در دماوند، کردان جاوان، با این گویش گفتگو می کنند.

واژه کرمانج Kirmanj که به این دسته از کردان اطلاق می شود از دو کلمه ترکیب یافته است: اولاً (ج) پسوندی است که باید آنرا جدا کرد، آنگاه بقیه کلمه دو قسمت می شود. نخست کر Kir که کوتاه شده کرد Kurd می باشد و دیگر مان Man که همان ماینانی Mana1 است که یکی از قبایل (ماد) بوده اند که در سده نهم از میلاد در (زاگرس) فرمانروائی کرده اند و در هنگام تشکیل دولت ماد به مادها پیوسته اند.

۲ - کرمانجی جنوبی - که دارای گونه های سورانی، مکریانی، بابائی، اردلانی می باشد. کردان مهاباد، بوکان، سردشت، میاندواب، بانه، سقز، مریوان، جوانرود، سنندج، شاهین دژ و افشار در ایران.

۳ - گورانی - که دارای گونه های اورمی تخت، ژاورویی، لهونی می باشد. کردان ژاور رود، اورامان تخت نوسود، پاوه در ایران و برخی از طایفه ها کرد مانند زنگنه، سیاه منصور و روژیانی با این گویش صحبت می کنند.

۴ - لسکی - که دارای گونه های کلهری، ئیلامی، کوهدشتی، شیروانی، کروی می باشد. کردان کرمانشاه، ماهیدشت، کلیائی، دینور، قصر شیرین، کرد، صحنه، گهواره، همدان، تبریز در ایران با آن تکلم می کنند.

۵- لری - که دارای گونه های فیلی، بختیاری، هفتگلی، سوسنگردی می باشد که مردم دزفول، شهر کرد، چهارمحال، پشتکوه، حرم آباد، الشتر، الیگودرز، با آن صحبت می کنند. لری یکی از طایفه ها کرد است و طوایفی که در کوهستانهای غربی ایران از حدود آسیای صغیر تا خاک فارس سکونت داشته اند در آغاز اسلام همگی این طایفه ها را بنام کرد می خواندند.\* اینک ایل ها و طایفه های کرد در استانهای گیلان، مازندران، گرگان، شاهرود، خراسان و مناطق دیگر ایران معرفی می شوند.

---

\* صفی زاده. صدیق، فرهنگ ماد، کردی بفارسی، عطایی، تهران ۱۳۶۱، ص ۲۱ -



بخش دّوم

کردان گیلان



## بخش دوم

### ایل‌ها و طایفه‌های کرد در گیلان

عمارلو: منطقه عمارلو که سابق «خرگام» نام داشت بر دو ساحل رودخانه شاهرود و در مشرق ملتقای این رودخانه با قزل اوزون قرار گرفته است. کوههای دیلمان در شمال و کوههای قزوین به قزوین و از شرق به رودبار محمد زمان خانی و از شمال شرقی به اشکور محدود می‌شود. عمارلو منتسب به (عمار یاسر از بزرگان صحابه رسول اکرم (ص) می‌باشد. نادرشاه افشار طوایفی از جلگه نیشابور به این ناحیه کوچانید.

### طایفه‌های عمارلو در قرن هیجدهم (م)

ملگونف، در سفرنامه خود طایفه‌ها کرد ایل عمارلو را در منطقه عمارلو در قرن هیجدهم میلادی ۱۸۵۸ - ۱۸۶۰ برابر با ۱۲۳۹ خورشیدی در روستاهای عمارلو و بابا منصور چنین ضبط کرده است:



- |   |                       |
|---|-----------------------|
| ۱- طایفه ولیخان                           | ۲- طایفه بی شانلو     |
| ۳- شاه قلاتلو                             | ۴- محمود لو           |
| ۵- چغلانلو                                | ۶- چاخملو             |
| ۷- تیتکانلو                               | ۸- میرزاخانلو         |
| ۹- طایفه کاظم خان،<br>نوروزخان، باقلی خان | ۱۰- قبه کرانلو        |
| ۱۱- منجیلیهای با در<br>(بهادرلو)          | ۱۲- شمکانلو (شمخانلو) |

این طایفه‌ها در روستاهای عمارلو و بابا منصور دارای ۲۱۰۰ خانه و ۳۱۵۰ رأس گوسفند و ۱۲۴۵ رأس گاو و گاومیش هستند. زبان اهالی عمارلو، کردی است و گیلکی و فارسی هم می‌دانند. قشلاق اینها مرز قزوین است و از ده برین زین ۲۸ میل و تا منجیل ۳۶ میل در سواحل شاهرود\* در سال ۱۳۳۱ قمری خانان پیر کوه و خانان جبرین ده، سران قوم بوده اند. نصرالله خان سرهنگ پسر عبدالله خان رئیس تیره (بیچانلو) در جبرین ده و محمد سلیم خان پسر محمد کاظم خان رئیس تیره (استاجانلو) در پیر کوه بوده اند. اینان می‌گویند که بازماندگان حسن و حسنلو هستند که به گیلان آمده اند. مرکز اصلی کردان عمارلو «منجیل» است بر ساحل راست سفید رود و از محل التقای شاهرود و سفیدرود دور نیست. این طایفه در زمان قاجاریه ۲۷۰ خانوار بودند.

### طایفه رشوندلو

کردان عمارلو از طایفه (رشوند) یا رشوندلو هستند که تیره ای از ایل (بیه) می‌باشند که در سلیمانیه (عراق) سکونت دارند. هشتاد خانوار از طایفه رشوند را،

\*- ملکونف، سفرنامه، تصحیح مسعود گلزاری، دادجو، تهران ۱۳۶۴، ص ۲۰۳.

شاه عباس به دهات رودبار کوچانده است. تیره ای از این طایفه نیز در دهستان قوشخانه (قوچان) و در شیروان خراسان سکونت دارند. رؤسای طایفه رشوند، محمد علیخان و پسرش جعفر رشوند است که بنام (رشوانلو) معروف هستند. موقعی که نادرشاه طایفه‌ها عمارلو را به این منطقه انتقال داد، کم کم کردن رشوند را از دهکده هائیکه ساکن بودند، بیرون راندند. کردن رشوند فعلا ساکن روستاهای کلیشم، لایه، کاکوستان، بهرام آباد، کیا کلایه، حسن آباد و دوشاب هستند و به دلمداری و کشاورزی اشتغال دارند. در زمان قاجاریه رئیس طایفه رشوند، حسین علی پسر محمد علی خان بود و پسرش محمد علی خان به ساعد نظام شهرت داشت. کلیه جمعیت رشوند لو در دهات رودبار ۸۰ خانوار است. می‌گویند این طایفه را از پیرامون هرات و از بلخ و بخارا کوچ داده‌اند.

### تیره رشوند لو در سیاهکل

تیره ای از کردن که وضع ایلی ندارند. در سیاهکل سکونت دارند که به طایفه رشوند بستگی دارند و معروفند به طایفه عین شیخ یا سیاهکلی، و بیشتر آنها به گله داری مشغولند. زبانشان کردی است. به فارسی هم صحبت می‌کنند. کردن سیاهکل از طایفه حسین علیخان رشوند لوئی است.\*

### طایفه‌های کرد در شاندرمن

دهکده‌های بخش معاف، از توابع شاندرمن کردنشین است، کردانی که یک روز از زنجان یا خلخال بدینجا آمده‌اند، می‌گویند که اینان به مذهب داودی پای

---

\* - راینو، گیلان، جعفر خمami زاده، تهران ۱۳۵۷، ص ۱۳۸.

بندند که همان علی‌اللهی است. مابقی ساکنان این بخش شیعی مذهبند جز پاره‌ای که اهل سنت و جماعت اند. کردان شاندرمن به کار دامداری و کشاورزی مشغولند. زبان اصلی کردان کردی است و بفارسی هم سخن می‌گویند.\*

## طایفه‌های کرد در ماسوله

۱- طایفه عالیوند - این طایفه از بازماندگان حاج حسن (حسنلو) است که در ماسوله از توابع شهرستان فومن زندگی می‌کنند و به کار کشاورزی اشتغال دارند. شیخ تاج‌الدین ابراهیم ملقب به زاهد گیلانی، مرشد شیخ صفی‌الدین اسحق اردبیلی جد سلاطین صفوی که در سال ۷۰۰ هجری قمری در گیلان در گذشته در (سیاه رود) از توابع بخش ماسوله به خاک سپرده شده از نژاد کرد است و اولاد و اعقاب او نیز کرداند.

۲- طایفه ایلبگی - این طایفه در دوره قاجاریه در ماسوله بودند و محمد رضا خان، فتح‌علی خان ریاست این طایفه را بهعهده داشته اند.\*

## طایفه‌های کرد در دیلمان

کردان دیلم در ناحیه کوهستانی مشرق سفید رود دشت دیلمان

---

\* - ص - ۱۰۷ جلد اول، از آستارا تا آستارا آباد، دکتر موچهر ستوده، انجمن آثار ملی، به نام طایفه و ایل کردان شاندرمن اشاره نشده است.  
\* - همو - همان کتاب، ص ۲۱۴.

زندگی می کنند.\*

## ایل عمرانلو در گلوگاه

اکثر گلوگاه جزء ایل عمرانلو بوده و طبق نوشته (ملگنوف) روسی در حدود ۱۷۸۰ میلادی آقا محمد خان قاجار این ایل را از (قرباغ) (جزء خاک شوروی است) و قراداغ (جزء خاک آذربایجان خاوری ایران) به اینجا کوچانید. ایل عمرانلو بمنظور سرحد داری و جلوگیری از تهاجم ترکمانها به منطقه مذکور انتقال یافته اند. از ایل عمرانلو حداقل یکصد سرباز همیشه حاضر بخدمت بوده و همواره وظیفه خود را تحت نظر سر کرده ایل عمرانلو (آقا محمد خان عمرانلو) جد اعلای خوانین فعلی گلوگاه انجام می دادند. بعد از آنکه ایل عمرانلو در محل کنونی سکونت اختیار کردند مردم (گلوخیل) که در مقابل ایل عمرانلو عده قلیلی بودند، ناچار در ناحیه امروزی (گلباد محله) مجاور محله عمرانلو ساکن شدند و نام گلوخیل به (گلوگاه) تبدیل یافت و حتی امروز طایفه ای در میان (گلبادی ها) بنام گلو خوانده می شود.

مهمترین جمعیت گلوگاه ایل عمرانلو و گلبادی می باشند. عمرانلوها به لهجه ترکی و گلبادی ها به لهجه مازندرانی تکلم می نمایند.

ایل عمرانلو به دوو شاخه مهم گوگچی و عمرانلو منقسم می گردد و طایفه های مهم گوگچی، عمرانلو و گلبادی بشرح زیر است:

## طایفه های کرد گوگچی

گوگچی یا گوگچه مشتق از نام دریاچه گوگچه در قفقاز است که طایفه های

---

\* - همو، همان کتاب، ص ۳۲۵.

طایفه‌های آن عبارتند از:

۱- اسفندیارلو یا عسگری.

۲- امیر خانلو.

۳- خادم‌لو.

۴- موجرلو یا مجاورلو.

هشتم صد خانوار از ایل عمرانلو در بلوک گلوگاه طریق قشلاق و ییلاق می‌پویند.

عمرانلو در تولید غلات و زیتون در نواحی منجیل فعالیت دارند و دارای گله‌های متعدد گوسفند هستند و از تولید مهم آنها جاجیم، پارچه‌های پشمی دیگر است.

تعداد کردان عمرانلو در گیلان و رودبار قزوین که بعضی چادرنشینند ۲۰۰۰ خانوار است\*.

وجه تسمیه عمرانلو چنین معروف است چون سر کرده و رئیس ایل «عمران بیک» نام داشته لذا طایفه‌های کرد این ایل عمرانلو نام گرفته‌اند اصولاً هر ایل و طایفه کرد باین نحو نام یافته‌اند. طایفه‌های کرد ایل عمرانلو عبارتست از:

۱- خوانین - رحیمی کریمی - قلعه سری.

۲- صیدانلو.

۳- عظیمی.

۴- فضلعلی.

۵- محمود جانلو.

۶- ملک محمودی.

---

\*- توحیدی، کلیم‌اله، حرکت تاریخی کرد خراسان، مشهد ۱۳۶۴، ص ۵۱۰.

## ایل‌ها و طایفه‌های کرد در قزوین

طایفه‌های کردان قزوین در مناطق زیر هستند  
طارم، قاقزان، رودبار، الموت و کوهپایه بشکلاره.  
این طایفه‌ها در دوران صفویان و افشاریان به آن مناطق انتقال یافته‌اند و  
عبارتند از:

- |           |            |            |              |
|-----------|------------|------------|--------------|
| ۱- باجلان | ۲- چاپلی   | ۳- چگنی    | ۴- جلیوند    |
| ۵- رشوند  | ۶- غیاثوند | ۷- کاکاوند | ۸- مافی      |
| ۹- بهتوئی | ۱۰- کرمانی | ۱۱- یمنی   | ۱۲- ولی‌یاری |

کردان این منطقه به دامداری و کشاورزی اشتغال دارند. دامداران این طایفه‌ها بین ناحیه بیلاق قاقزان و اطراف جاده قزوین، رشت، و در دامنه‌های البرز و قسمت قشلاق طارم قزوین و سواحل رودخانه شاهرود و خاک عمارلو در رفت و آمد هستند. خوانین این طایفه‌ها جز کاکاوند در شهر قزوین مقیم‌اند.\*

**طایفه چگنی** - این طایفه عبارتست از تیره‌های بهاریوند، پاپائی، پیرمردوند، کلوند، گودرزوند، مختاروند، نظامی‌وند، رشوند، میرخواند، پاچناری، خرکائی، پیرقلی‌وند، گوگیر، مال‌امیر که در روستاهای اقبال، قاقزان و طارم قزوین سکونت دارند. جمعیت چگنی‌ها در حدود نهمصد تا یکهزار خانوار می‌شوند.

**طایفه جلیوند** - این طایفه در دهستان قاقزان سکونت دارند. سرهنگ جلیوند افسر شهربانی از سرشناسان این طایفه است. جمعیت آنها ۱۵۰ تا ۲۰۰ خانوار است.

---

\* - همو، همان کتاب ص ۶۳. نقل از مردم قزوین - دکتر ورجاوند ۱۳۴۹ ص ۴۵۶.

طایفه مافی - این طایفه حدود ۲۰۰ الی ۲۵۰ خانوار است و در دهات دهستانهای بشاریات، میانکوه قزوین «فشگلدره» سکونت دارند. از این طایفه رجال کاردان و فاضل مانند حسین قلی خان نظام السلطنه مافی و محمد حسن خان سعد الملک بوده اند.

### طایفه‌های کرد در زنجان، تاکستان قزوین

شاه عباس کبیر سال ۱۰۰۷ ق، پنجاه هزار خانوار از کردان چَمَشْگَزَک (زعفرانلو)، ارامانلو، کاوانلو، «کیوانلو»، قراچورلو، عمارلو، شادلو، بچاوند، باوه نور، از آذربایجان و مهاباد به ری، ورامین انتقال داد. عده ای از این اکراد در مسیر خود، در اطراف زنجان، تاکستان قزوین بجا ماندند. کردان انتقال یافته به جلگه خوار و ورامین مدت دو سال در آن حدود اتراق کردند\* و نیز کردان شقاقی، در روستاهای شقاقی بالا و پایین دهستان طارم بخش سپردان زنجان سکونت دارند.

### طایفه‌های کرد در ملایر و همدان

۱- کردان، زنگنه، در روستاهای زنگنه علیا، و سفلا دهستان کماران ملایر

---

\*- توحدی، کلیم الله، همان کتاب ج ۱ ص ۴۶.

سکونت دارند و دارای ۱۴۰۴ نفر جمعیت هستند.\*

۲- کردان، زند و لک، در روستای پری ملایر زندگی می کنند.

۳- و طوایفی از کردان در درگزین، اسدآباد، همدان سکونت دارند.

## تیره های عمارلو در رودبار

عمارلو در رودبار و بابامنصور به تیره های زیر تقسیم می شوند:

۱- تیره قبه کرانلو، در دیارجان.

۲- تیره استاجانلو، در پیرکوه و خان پیرکوه محمد سلیم خان است.

۳- تیره بیچانلو، در، جرین ده، خان کنونی جرین ده نصرالله خان سرهنگ

از طایفه بیشانلو است.

۴- تیره شمخانلو، در خرگام و انبو.

۵- تیره بیشانلو.

در سال ۱۳۳۱ هجری قمری در حدود دو هزار چادر در غیاثوند و چگنی و رشوند، در فاصله میان لوشان و منجیل، برپا می شده است و خاک ایشان به دو ناحیه خرگام و فاراب تقسیم می شود. مذهب بیشتر اهالی شیعه اثنی عشری است و کردان بیشتر اهل حق اند و در ۱۳۳۱ قمری دو هزار و یکصد خانوار بوده اند.

## طایفه های کرد در رحمت آباد

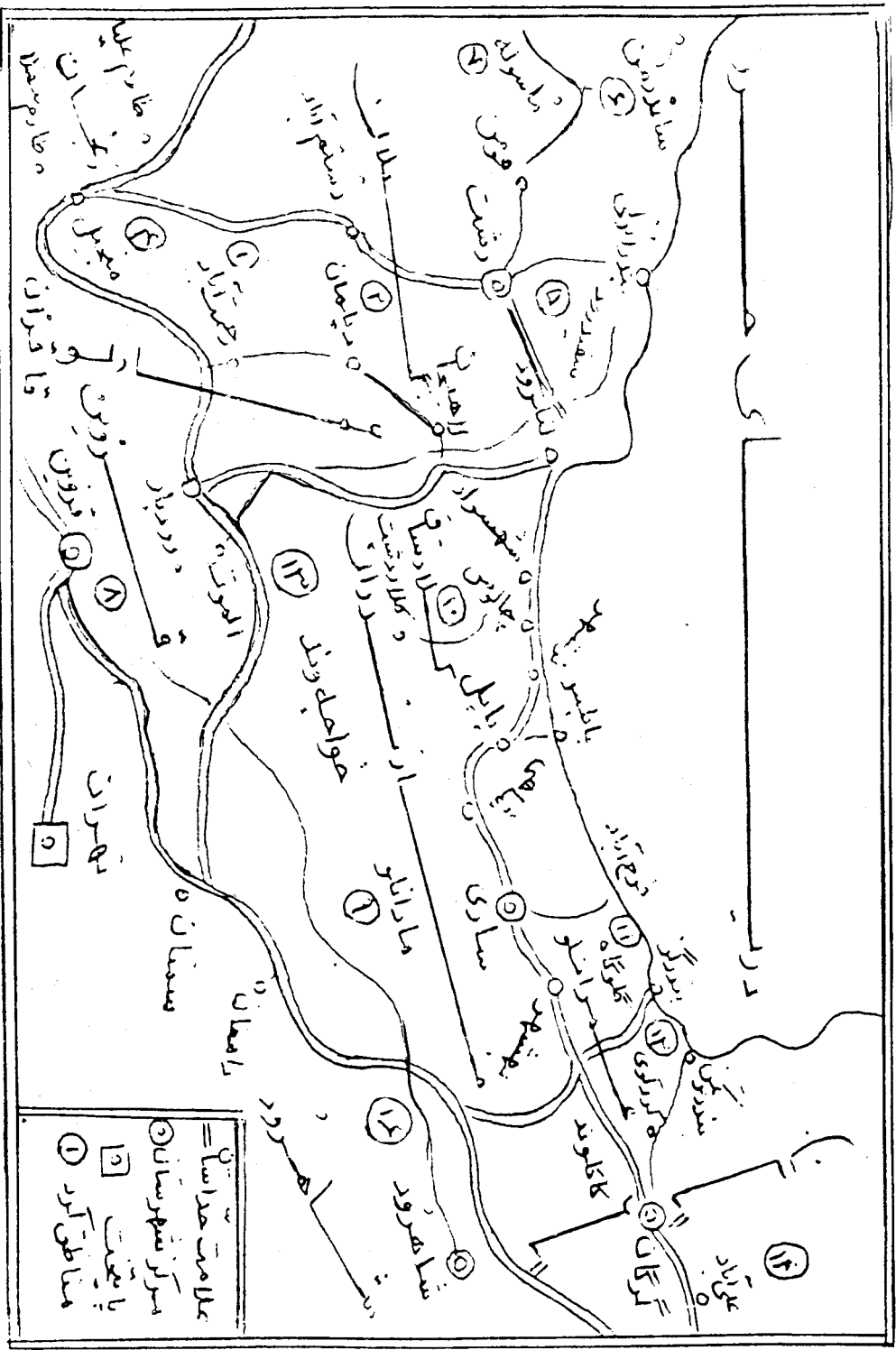
طایفه های دیگر کرد در رودبار و رحمت آباد در سال ۱۳۳۱ ق عبارت

بودند از:

---

\*- فرهنگ مصاحب ج ۱ ص ۱۱۹۰.





نقشه تقریبی مناطق زیست طوایف کرد - گلان - بازندران - کرگان - ترویس (برسیه میریسا)

۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶

۱- عمارلو «عمار یاسر» در پیله رودبار و سرخس.

۲- برامکه «از نسل برمک» در دهکده کبته.

۳- حاتمی «از نسل عبدبن حاتم»

این طایفه‌ها به کردی، تاتی و تالشی سخن می‌گویند. کردهای این ناحیه را شاه عباس بدین جا کوچانده است و شغل آنها کشاورزی و دامداری است.\*  
طوایف دیگر کرد در رحمت آباد طبق ضبط ملگونف (۱۲۷۶ ق.) عبارت است از:

۱- پیراصلو

۲- دوگانلو «دوغ گانلو»

۳- ولیلو

۴- جمع کانلو

۵- قرخ کانلو (کرخانلو)

که در روستاهای کلایه، علی آباد، سندس، دیورود، رحمت آباد سکونت دارند این طایفه‌ها یکصد خانوار و دارای ۲۵۰۰۰ گوسفند و ۱۵۰۰ گاو و گاو میش هستند و زبانشان کردی است.\*

طایفه رشوند - هانری فیلد در مردم شناسی ایران، می‌نویسد: یکصد و پنجاه خانوار رشوند در الموت و چهار صد خانوار در رودبار است و یک شعبه هم در خراسان و شیروان.

طایفه‌های چموش گزک و کلهر - طایفه چموش گزک در طارم، امیر آباد، انجیل و زرند هستند و دویست و پنجاه خانوارند. بیلاق آنها در تابستان کوههای امیر آباد و مرزعه یا مرتع شامدشت و کوههای زرند است و زمستان‌ها در دهات مذکور بسر می‌برند.

---

\* - رایینو، همان کتاب ص ۲۴۴.

\*- ملگونف، همان کتاب ص ۲۰۰.

طایفه بهتوئی - این طایفه در قریه میرک رودبار حدود ۲۰ تا ۳۰ خانوار است.

طایفه یمنی - این طایفه در قریه الن قیه Alenqaya سکونت دارند و جمعیت آنها یکصد خانوار است.

طایفه ولی یاری - این طایفه در قریه کلج طارم ساکن اند و عده آنها یکصد و ده خانوار است.

طایفه باجلان - این طایفه در اسماعیل آباد و نادرآباد (اقبال) سکونت دارند و بیلاق و قشلاق نمی کنند.

طایفه کرمانی - در قریه لوله جرد یا مالی آباد (بشاریات) ساکن است. جمعیت آنها ۴۰ تا ۴۵ خانوار است.\*

طایفه کاکاوند - طایفه کاکاوند در دهات دهستان قاقزان قزوین ساکن اند و جمعیت آنها چهارصد و پنجاه خانوار است، این طایفه از ایل (دلفان) لرستان است که به دو تیره مسیح خانی و نامدار خانی تقسیم می شوند. گویش آنها لکی است و به ترکی هم صحبت می کنند و به کشاورزی و دامداری اشتغال دارند.

---

\*- توحیدی، کلیم اله، همان کتاب ص ۴۵۶.

بخش سوّم

کردان مازندران



## بخش سوم

### ایل‌ها و طایفه‌های کرد در مازندران

#### طایفه‌های کرد در ساری

ملگونف طایفه‌های کرد را در ساری چنین ذکر میکند: جهان بیگلو، مدانلو، و غیره. پانصد نفر در ساری زندگی می‌کنند که در زمان محمد شاه قاجار کوچانیده شده‌اند. در روستاهای دیمتوران - حمید آباد هم ساکنند. جهان بیگلو، مدانلو در، اره ده، دو و نیم فرسخی ساری نزدیک به کوه ساکن‌اند.\*

#### طایفه‌های کرد در بلوک کلارستاق

در بلوک کلارستاق بیشتر خواجه‌وندانند و طایفه‌های کرد و جمعیت آنها چنین است:

---

\*- ملگونف، همان کتاب ص ۱۰۲ و ۲۰۰.

- ۱- خواجه وند، ۴۵۴ نفر.
- ۲- عمرانلو، ۱۰۰ نفر
- ۳- قلیچی، ۳۰ نفر
- ۴- عبدالملکی، ۲۰۰ نفر.
- ۵- کردهای جهان بیگلو و مدانلو (مادانلو) ، ۵۰ نفر\*

### طایفه‌های کرد جهان بیگلو و مدانلو

طایفه‌های کرد جهان بیگلو و مدانلو (مادانلو) در دهات شیرخواست و میانروز و فرح آباد مازندران سکونت دارند. مدانلوها در صد سال پیش مهمترین طایفه‌های کرد در مازندران بودند. جهان بیگلو در روستاهای اندرود، چیک رود، مشهد گنجروز سکونت دارند.

مدانلو در روستاهای مشک آباد، جویار، پنبه چوله، کرد کلا، لاریم ساکنند و به امور کشاورزی و دامداری مشغولند. زبان آنها کردی است. به زبان ترکی هم به میزان کمی صحبت می‌کنند.\*

### طایفه‌های کردی عبدالملکی و خواجهوند

طایفه‌های عمده کرد در منطقه نور، عبدالملکی و خواجهوند است. طایفه عبدالملکی اصلاً در گز سکونت داشته‌اند. از آنجا به عللی متوجه شیراز و سپس ناحیه شهریار می‌شوند و پس از سه سال آقامحمد خان قاجار ایشان را به نور

\*- همو، همان کتاب ص ۱۰۴

\*- رایینو، مازندران و استرآباد، وحید مازندرانی، نشر کتاب، تهران.

کوچاند. بعد از چهل سال میرزا آقا خان نوری صدراعظم ناصرالدین شاه ایشان را در حدود سال ۱۲۷۵ هـ. ق. به «زاغمرز» نزدیکی ساری فرستاد.

عبدالملکی ها به ترکی و کردی صحبت می کنند. رئیس آنها در دوره قاجاریه جعفر خان عبدالملکی بود. عبدالملکی ها از تیره ایمانلو و اصلاً از افشارهای ترک هستند.

طایفه خواجه وند - طایفه خواجه وند در کجور و نور سکونت دارند و مرکب اند از تیره های خواجه وند و شرفوند در کجور و خواجوی و خواجه نوری در نور است.\*

### تیره های کلبادی

تیره های طایفه کلبادی مشتق از نام (کلباد پسر ویسه پهلوان تورانی)

عبارتند از:

۱- اشکارگر

۲- خواجوی (خواجه وند)

۳- مسگر

در زمان ناصرالدین شاه رئیس طایفه های کردان کلبادی رضا قلی خان بوده که در سفر ناصرالدین شاه به مازندران باسواران کردی بحضور وی رسیده اند. این طایفه ها به امور کشاورزی و دامداری و مشاغل دیگر اشتغال دارند و عموماً پیرو مذهب شیعه اثنی عشری هستند و در امیرآباد راغمرز زندگی

---

\* مجتهد زاده، پرویز، شهرستان نور، تهران ۱۳۵۱ ص —.



می کند.\*

## ایل خواجه وند در کلارستاق

کردان خواجه وند در بخش کلاردشت (کلارستاق) مازندران سکونت دارند. در کتاب رجال ایران\* به نقل از منتخب التواریخ مظفری آمده، میرزا محمد ارومیه ای که خود را به مذهب علی الهی در آورده بود به بلوک کلارستاق مازندران رفته بود که ایل خواجه وند می نشستند و آنها علی الهی می باشند و بنای شرارت را گذاشت و بر سر (سبحانقلی خان) سر کرده سواران خواجه وند رفته او را مقتول نمود، و نیز اعتماد السلطنه در یادداشتهای روزانه خطی (۲۸ ربیع الاول ۱۳۰۹ هـ. ق.) می نویسد: \*\* «سید باقر نام از اهالی صحنه کرمانشاه از مرشدهای طایفه علل الهی به کلاردشت رفته خواجه وند هائی که علی الهی هستند ارشاد و تحریک نموده، جمعی را مرید خود کرده و یکنفر سرتیب خواجه وند را با نه نفر زن و دختر و مادر و یک برادرش کشته است و سوزانده است. این مقتولین برادر و کسان، صاحبت سلطان خواجه وند زن شاه می باشد.» \*\*\*

کردان خواجه وند از ایل بزرگ کلبادی است که طوایف آن ایل در بالا نامبرده شده است. زبانشان کردی و فارسی است.

---

\*- عسگری، علی بابا، بهشهر، تهران ۱۳۵۰، ص ۲۷۸ و ۳۸۳.

\*\* - بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، جلد ۱، زوار، تهران، ص ۳۰۴.

\*\* - همو، همان کتاب، ص ۳۰۴.

\*\* - منظور ناصرالدین شاه است.

## زمان انتقال خواجه وند\*

خواجهوندها اصلاً از خاک لرستان هستند. آغامحمد خان قاجار پنجاه خانوار آنها را از اردلان و گروس به مازندران آورد تا با کمک عبدالحکیم نامی تهران را از شورش و اغتشاش محفوظ نگه دارند. هم اکنون کردان خواجهوند در کلاردشت ساکنند. ساکنان را دو دسته اصلی گیل و خواجهوند تشکیل می دهند.

بقولی خواجهوندها در زمان نادرشاه و کریمخان زند به این صفحات کوچانده شده اند. ممکن است این طایفه در دو نوبت انتقال یافته اند. طایفه خواجهوند در کلارستاق مازندران مرکبند از تیره های یزدانی، دلفان آذری، مشعشی، لک، خواجهوند. معروفترین آنها خواجهوند است که اینها ششصد خانوارند. معمرین دشت کلارستاق که کلاردشت ییلاق آنها است. معتقدند آن روزها طایفه خواجهوند سیصد و بیست و شش سوار برای شاه می فرستاد. خواجهوند دو رئیس داشتند:

۱- جعفر قلیخان از طایفه لک با یکصد و پنجاه سوار و حقوقی سالیانه یکصد تومان.

۲- قلیخان از طایفه لک با همان تعداد سوار و همان حقوق سالیانه.

## طایفه شرفوند از ایل خواجهوند در کجور

طایفه شرفوند از ایل خواجهوند است که ششصد خانوار آنها در هزار خال باخت کجور مازندران سکونت دارند. این طایفه دو رئیس داشته یکی (خواجه خان) از طایفه شرفوند و سنی و افرادش همه کرد بوده و یکصد سوار داشته با

\*- ستوده، منوچهر، از استارا تا استراباد، انجمن آثار ملی ایران، جلد ۳، تهران، —،

حقوق سالیانه یکصد تومان و دیگری عیسی خان، از همان طایفه با همان حقوق و تعداد سوار.

### طایفه لک ازایل خواجهوند در کلاردشت

طایفه لک ازایل کرد خواجهوند است و بیشتر در کلاردشت ساکنند. این طایفه نیز با خواجهوندها به مازندران انتقال یافته اند. رؤسای خواجهوند بیشتر از این طایفه بوده است. طایفه لک به امور کشاورزی مشغول اند و زبانشان لکی است و به ترکی هم تکلم می کنند.

### طایفه های غیاثوند در مازندران

طایفه های کرد غیاثوند ۸۵۰ خانوار در زمان صفویه به دامنه های البرز اطراف جاده قزوین کوچ کرده اند و در دهستان های اقبال، رودباد، قاقزان ساکنند. آغامحمد خان قاجار چهارصد خانوار از آنها را از کرمانشاه و لرستان به مازندران انتقال داده است.\* حدود دویست خانوار غیاثوند و چگنی و رشوند میان لوشان و منجیل مستقرند. تیره های معروف غیاثوند در مازندران عبارتند از:

۱- درویشوند، کلماسی، سلخوری، محمد بیگی، غیاثی، زبانشان کردی و ترکی است. رئیس طایفه عزت الله غیاثوند است.

---

\* - رایینو، گیلان، ص ۳۰۶.

## طایفه اصانلو (ایزانلو)

طایفه اصانلو که در خراسان این طایفه را «ایزانلو» می‌نامند. بفرمان آقا محمد خان قاجار از جلگه خوار و رامین به مازندران کوچانده شده‌اند. اکنون یکمصد و پنجاه خانوار که در ساری و اطراف آن ساکن‌اند و به کار کشاورزی اشتغال دارند. زبانشان ترکی است و به فارسی هم صحبت می‌کنند.

## طایفه‌های کرد در گرگان

### طایفه‌های حسونند و کاکلونند

طایفه حسونند از ایل‌های بزرگ کرد است. مرکز اصلی این طایفه در الشتر است. در لرستان، طایفه کاکلونند از ایل حسونند است که تیره‌های حسونند و کاکلونند در میان منطقه الشتر پراکنده هستند. در میان سواران و تفنگچیان آنها در قدیم افرادی بودند که کارها و عملیاتشان حیرت‌آور بود. سران طایفه حسونند در گذشته با داشتن سواران ورزیده و کار آزموده همیشه طرف توجه حکام ولایت بوده‌اند. بطور کلی این طایفه عبارت از مردانی هستند که در سوار کاری و تیراندازی و شکار و سایر امور قهرمانی‌ها از خود نشان داده و هنگام کوچ ایل نقش حفاظت آنها را داشته‌اند. در گذشته جزء سواران تیزتک و متهور خوانین بشمار می‌آمدند. حال حاضر در روستاهای ایلوار و رنگلان کرد کوی ساکن‌اند. عموم افراد این طایفه این مردان را با نظر احترام‌مینگریسته‌اند و بوجود آنها در طایفه خویش افتخار می‌کردند و برای ایشان شخصیت و احترامی بسیار قائل بوده‌اند تا جائیکه اغلب ترانه‌های ایلی در باب حماسه‌های

قهرمانی این دلیران سروده شده.\*

## طایفه‌های کرد در کرد کوی

در دشت کرد کوی از توابع شهرستان گرگان طوایفی از اکراد زندگی می‌کنند عبارتند از:

۱- طایفه زعفرانلو - چند خانوار کرد زعفرانلو در حصارچه از توابع گنبد ساکن اند.

۲- طایفه کاکلونو به تیره‌های مختلف.

۳- طایفه جهان بیگلر، در علی آباد.

تقسیم می‌شوند که در روستاهای ایلوار زنگلان زندگی می‌نمایند و کوچ سالیانه آنها به بیلاق و قشلاق در حال حاضر تقریباً متوقف شده است. این طایفه‌ها در سال ۱۳۲۸ هـ. ق. زمان محمد علی شاه قاجار به این حدود آمده اند.

۴- طایفه‌های عمرانلو، دوانلو، سپانلو، منوچرلو، عرب خویشانلو، حسینلو در زمان صفویه و افشاریه به این دشت کوچانده شده یا آمده اند. اکنون بیلاق و قشلاق آنها متوقف شده و در روستاهای سرکلاته، خراب شهر (تمشه سابق) از توابع کرد کوی سکونت دارند و به امور کشاورزی و دامداری مشغول اند. زبان اصلی ایشان کردی است و به فارسی و ترکی هم صحبت می‌کنند.

۵- کردهای جهان بیگلر در زمان شاه عباس بزرگ در فرح آباد ساری متوطن بودند. سپس در گلوبی اقامت گزیدند. رئیس طایفه شکرخان بود که در فندرسک و کتول فرمانروای منطقه بود. حسین خان سلطان، یکی از اقوام شکرخان با عشیره خود به دامغان آمدند و عده‌ای در زمان فتحعلی شاه در کرد محله کرد کوی امروز و کرد آباد و کتول اسکان یافتند. زبانشان کرد و ترکی است،

---

\* تاریخ ادبیات مازندران - تألیف سید محمد کاظم مداح خطی

- بفارسی هم صحبت می کنند.\*
- ۶- طایفه‌های کردزیدی، بابا کردی در روستای خار کلاته زندگی می کنند که از بندر گز به آنجا رفته اند.\*
- ۷- کرد کتولی در علی آباد (مزرعه معززی) سنگدین به کشاورزی مشغولند.

### طایفه‌های کرد در شاهرود

- ۱- طایفه رشوند، در کناره‌های شاهرود و کناره راست سفید رود، طایفه‌های کرد رشوند زندگی می کنند. نخست هشتصد خانوار را شاه عباس اول از ارزنته الروم بدانجا آورده است.\* این کردان به زبان کردی و فارسی سخن می گویند و به امور کشاورزی و دامداری اشتغال دارند.
- ۲- چگنی - عده ای از چگنی ها در درّه شاهرود مستقراند و به کشت برنج و گندم و جو اشتغال دارند. رئیس آنها اخیراً محمد تقی چگنی و محمد رضا خان بوده.\*\*

### طایفه‌های کرد در دماوند و خوار و ورامین

به فرمان شاه عباس کبیر، در سال ۱۰۱۰ هـ. ق.، از کردان انتقال یافته از

- 
- \*- سعیدی، محمد علی، تاریخ رامیان و فندرسک، (بی نا) تهران ۱۳۶۴، ص ۱۴.
- \*- معینی، اسداله، گرگان و دشت، تهران ۱۳۴۴، ص ۱۶۷.
- \*\* - ستوده، منوچهر، همان کتاب ص ۶
- \*\* - کیهان، مسعود، جغرافیای مفصل ایران ص ۱۱۱ و توحدی همان کتاب و سفرنامه ناصرالدین شاه ص ۱۹-۲۳-۳۷

آذربایجان و مهاباد به جلگه خوار و ورامین، چهل و پنجهزار خانوار به منطقه مرزی آخال، ایبورد، درون، نسا (درگز) منتقل گردیدند که بعداً به قوچان و چناران و شیروان و اسفراین و درگز رفتند و در آن مناطق به دامداری و زندگی پرداختند. عده ای از این کردان، در زمان انتقال به خراسان در اطراف دماوند، خوار و ورامین باقی ماندند، بشرح زیر:

۱- طایفه کرد بچه، ۱۵۰ خانوار، در رودهن، دماوند.

۲- طایفه جاوان یا جابان (از ایل شادلو) در جاوان دماوند.

۳- طایفه شادلو، در سرخه ده و سربندان دماوند.

۴- طایفه های شادلو، زعفرانلو، در اطراف ورامین و گرمسار

۵- طایفه بوربور، در قنات و اقارین، ورامین.

۶- طایفه ایزانلو، در خوار،

۷- طایفه قراچورلو، ۱۲۰ خانوار در اطراف خوار\*.

۸- طایفه بازوکی، در ورامین.

### طایفه های کرد در کرمان

اصطخری، ابن حوقل و ابن بلخی از پنج رموم یا پنج ناحیه عشایری کردی در میان فارس، خوزستان، اصفهان و کرمان سخن گفته اند. از جمله رم زنجان یا رم شهریار است که در ناحیه کرمان و اردشیر خوره بوده است.

اصطخری می گوید: اهالی رموم، تابستان و زمستان چون اعراب بر چراخوارها می گشتند و اندک مایه مردم از ایشان به حدود سردسیر و گرمسیر می ماندند، دامداری ایشان همانند طایفه های عرب و ترک بود، در رموم شهرها و

\*- توحیدی، کلیم الله، همان کتاب ص

ده‌ها بودند.

سایر طایفه‌های کرد کرمان، عبارتند از:

۱- بامری در جبال بارز.

۲- لک، در شمال حدود پاریز

۳- لر

۴- خواجهویی (خواجوند) در ملک آباد سیرجان، این طایفه‌ها با سایر

ایل‌های ترک و عرب، در مناطق شرقی و جنوب غربی سیرجان و کوهستان

چارگنبد و بل درد سکونت دارند.





بخش چهارم

گردان خراسان



## بخش چهارم

### ایل‌ها و طایفه‌های کرد در خراسان

کردهای نواحی خراسان در دوره صفویه به شهرستان‌های شمالی خراسان انتقال یافته‌اند. در سال ۹۱۸ هجری قمری شاه اسماعیل صفوی یکی از امرای مقتدر خود بنام بیرام بیک کرد قرامانی (قهرمانلو) را به حکومت خراسان و بلخ منصوب نمود و از آن تاریخ به بعد به ویژه در زمان شاه طهماسب اول حکومت بیشتر نواحی خراسان با امراء و سپاهیان کرد بوده است. سرانجام در سال ۱۰۱۱ هجری قمری در زمان شاه عباس چهل و پنجهزار خانوار از کردانی که از مناطق ترکیه و سوریه و قفقاز در حدود آذربایجان غربی به هم رسیده بودند به خراسان منتقل و در شمال این استان پهناور اسکان داده شدند. علامه مردوخ در تاریخ کردستان\* می‌گوید: کردهائی که شاه عباس در سال ۱۰۱۱ به خراسان کوچانید در اصل هفت ایل هستند بنام‌های:

۱- زعفرانلو یا چمش گزک.\* چمش گزگ، سه شعبه اند، ممنکرد، پرتک،

سقمان\*\*

---

\*- مردوخ، همان کتاب ص ۱۱۳

\*- در صفحه ۲۰۷ کتاب کرد تألیف رشید یاسمی چاپ امیر کبیر ۱۳۶۳ آمده، شاه اسماعیل اول صفوی پس از سرکوبی یاغیان کردستان حاج رستم بیگ از امراء چمشگزک را به ریاست آن ایل مفتخر ساخت و در رکاب او بود.

\*\*- بدلیسی، شرفنامه، علمی، تهران - ۱۳۴۳

۲- ارامانلو

۳- کیوانلو

۴- عمارلو

۵- شادلو

۶- بچاوند

۷- باوه نور

که همه از ایل بزرگ (حسانلو) هستند.

کردان خراسان که در اینجا به آنها (کرمانج) می‌گویند در دوره‌های سلطنت صفوی برای جلوگیری از تاخت و تاز تر کمانان و ازبکان به مرزهای شمالی ایران (آخال) انتقال داده شدند. تحت عنوان چمش گزک که مرکب از سه ایل بزرگ زعفرانلو، شادلو، قراچورلو هستند و عظیمترین آنان ایل زعفرانلو است که از ایل‌های متعددی تشکیل شده و ریاست دیگر ایل‌های کرمانج خراسان را عهده دارند و مرکز اصلی آنها (قوچان) می‌باشد.

میرزا محمد حسین مستوفی (زمان فتحعلی شاه قاجار) در کتاب آمار مالی و نظامی ایران در سال ۱۱۲۸ قمری دوره شاه سلطان حسین صفوی کردهای خراسان را چهار طایفه بزرگ معرفی می‌کند:

۱- طایفه زعفرانلو - سردار آنها (ممش خان) نام دارد و قلعه (چناران) در تصرف آنها است. جمیع کوهستان (اخلومد) بیلاقات ایشان می‌باشد. بقدر یکصد و هشتاد هزار خانوار تخمین شده اند. جوانان خوشرو و بلند قد و قوی هیکل و دلیر و لشگر ایشان سواره می‌باشند. و یکصد کس از این سوار را با هزار سوار دیگر قوم برابر دانسته اند و در جنگها تفنگ بر نمی‌دارند و می‌گویند جنگ با تفنگ جنگ مردان نیست چرا که زنی می‌تواند که با صد سوار برابر باشد.

۲- طایفه سعدانلو (احتمالاً زیدانلو از ایل بزرگ زعفرانلو است) که حالا سردار ایشان (امیر گونه خان) است و خبوشان (قوچان) در تصرف اوست. جماعت بسیار در طایفه او مخلوط اند. بقدر یازده لک (هر لک یکصد هزار نفر

است) تخمین شده اند. ایل‌های ایشان از مجریک (مزرچ) تا شیروان و قریب بوج نرد (بجنورد) در صحرا و کوهستان ییلاق و قشلاق می‌نمایند. پدر همین امیر گونه خان (محمد حسینخان) بیگلربیگی بود که از نادرشاه یغی نمود و نادرشاه بدفع او می‌رفت که در راه کشته شد.

۳- طایفه سوم کرد را (کوانلو) یا (کاوانلو) گویند. سردار آنها حالا ابراهیم خان پسر شاهوردیخان از طایفه (شیخوانلو) است و قلعه آنها (رادکان) است و ایل مذکور از رادکان، کوههای (کلات) ییلاق و قشلاق می‌نمایند و جمعیت ایشان بقدر چهار لک خانوار تخمین شده اند.

۴- طایفه چهارم را (دوانلو) گویند. سردار آنها (اسکندرخان) نام دارد بقدر دو لک و بیست هزار خانوار آنها را تخمین نموده اند. قلعه مجریک (مزرچ) از روستاهای شمالی غربی قوچان در تصرف اسکندرخان است. ایل مذکور از مجریک (مزرچ) تا نواحی جاجرم، از بخشهای بجنورد ییلاق و قشلاق می‌نمایند. جمله قرق کرد را بقدر نوزده لک تخمین نموده اند. همه جوانان قوی هیکل و هژبر هستند. کردان خراسان در اواخر صفویه یک میلیون و نهصد هزار نفر بوده اند.\*

## ایل عمارلو در خراسان

نادرشاه افشار در حدود دو هزار خانواده از ایل عمارلو را که در کوههای شمالی قوچان و شیروان، ییلاق و در گرمسیر مراوه تپه قشلاق می‌نمایند به منطقه (خرگام) گیلان انتقال و اسکان داد تا جلوی تجاوزات نیروی روسیه تزاری را بگیرند. هنری فیلد Henri Fild در مورد کردان دلاور و رشید عمارلو منطقه ماروسک نیشابور آورده است که عمارلو متشکل از پانصد خانوار که در دشت

\*- توحدی، کلیم الله، همان کتاب، ص ۹ - ۱۰

(مروش) در شمال غربی نیشابور زندگی می‌کنند. شیعه هستند و زبان خود را حفظ کرده‌اند.\*

مؤلف مطلع الشمس می‌گوید: جلگه ماروس به درّه سفید مشهور است و چون طایفه کرد عمارلو در آن جلگه ساکنند آنرا خاک عمارلو و کردستان می‌نامند. این جلگه با اینکه کوچک است حاکم نشین می‌باشد و حکمران علیحده کرد دارد. این منطقه از طرف مغرب محدود است به جبال بار معدن و از سمت شمال به بلوک سر ولایت و از مشرق به کوه باز و از جانب جنوب به بلوک تحت جلگه، اکراد عمارلو را نادرشاه از کردستان اصلی به این جلگه کوچانیده و پانصد خانوار می‌باشند.

### طایفه‌های کرد عمارلو در نیشابور

ایل عمارلو در نیشابور به پنج طایفه به نام‌های ذیل منقسم می‌شوند:

۱- طایفه بگی آرلو.

۲- طایفه ارتکانلو

۳- طایفه عزلو

۴- طایفه پائی

۵- طایفه هفتاد دو ملت

و این طایفه‌ها در حال حاضر در روستاهای نامبرده زیر در شهرستان نیشابور سکنا دارند. زرندی، شیدقلی، کلاته ممش خان، مرجان، ماروس، کارچی (قارچی)، کلاته اسماعیل، تنگ پائین، تنگ بالا، کلاته ملا، برج، کلاته ملا

---

\*- همو، همان کتاب، ص ۵۱۱

جعفر علی، قلعه مستوفی، کلاته شامی، سینه اسب بالا، خون آورد\*  
روستاهای مسکن طایفه عمارلو و طایفه مژدگانلو علاوه بر دهات فوق در  
جلگه ماروسک، در فرهنگ جغرافیایی ایران، استان نهم تألیف رزم آراء چنین  
نامبرده شده است:

تلی، تیجان، چهارباغ، چهار گوشلی، حسین آبادلر، ماروسک، حصارنو،  
حیدر آباد، خانلق، خربزه، دامنجان، درخت جوز، زاونک، سرگوریک، فاضل  
آباد، فرخه سنگ، قالی باف بالا، قالی باف پائین، قه رونه، قه ره سول، کلاته  
اسداله خان، کلاته محمد جان، محمد آباد روسک، میرآباد خواجه جعفر از بخش  
حومه نیشابور، زیارت، از دهستان سر ولایت نیشابور کلیدر، از بخش سرولایت  
نیشابور، کوه سخت، از دهستان سر ولایت نیشابور طایفه‌های چگنی در قصبه  
چگنه در همین دهستان ساکنند. طایفه‌های توپکانلو در اطراف کوه سخت،  
قشلاق و ییلاق می نمایند. علاوه بر اینها سیان، گلستان سوزن ده، قزغنه، ترغاس،  
آبروان، احمد آباد، وزیریه، احمد جامی، گزاز، اندرآب، سید آباد ماروس،  
چاه قره، برمهان، بجنو، برکشاهی، بقیع، خایسک، عشق آباد سوله، گل گنبد و  
در پنج روستای زیر هم با فارسی‌ها مخلوط‌اند. همت آباد، احمدیه، دولت آباد،  
امان آباد، بزغان و طایفه‌های کیوانلو، قهرمانلو، ورانلو، توپکانلو در نواحی  
شمالی نیشابور هستند.\*

بطور کلی در ناحیه نیشابور هفتاد روستای کردنشین وجود دارد. دامداران  
عمارلو در کوه‌های شمالی قوچان، شیروان ییلاق و در گرمسیر مرآوده تپه قشلاق  
می شوند.

---

\*- ص ۵۱۰ کتاب حرکت تاریخی کرد، تألیف کلیم الله توحیدی چاپ مشهد (۱۳۵۹)  
به نقل از ص ۷۳ مطلع الشمس.  
\*- همو، همان کتاب، ص ۵۱۲.



## ایل ایزانلو در شیروان

نام این ایل را مورخین و جغرافی نویسان به صورت های گوناگون (اوستانلو) اوصانلو، واصانلو نوشته اند. تحریف شده آن امروز بصورت ایزانلو رایج است تعداد خانوار زیادی از این ایل در مراحل اولی کوچ تاریخی کرد به خراسان در اطراف خوار و رامین بجا ماندند که آقای مسعود کیهان آمار آنها را یکهزار و دویست خانوار ذکر کرده است.\*

مؤلف مطلع الشمس در دوره ناصرالدین شاه رؤسای ایل اوسانلو را (ایزانلو) در خوار، سیف اله خان و نیز جعفر قلیخان سرهنگ و رئیس کردان (قراچورلو) خوار را صفرعلیخان ذکر نموده است. قسمت مهمی از این ایل که به خراسان وارد شده اند در نواحی قوچان و خصوصا در شیروان در روستاهای باداملو، قزل حصار، شورک، زوارم، کلاته، اوده وه (عبدل آباد)، اسکان یافته اند زبانشان کردی است و به ترکی و فارسی هم سخن می گویند و بکار کشاورزی و دامداری اشتغال دارند.\*

## ایل شیخ امیرانلو در شیروان

وجه تسمیه این ایل از آنجا است که بزرگترین رؤسای ایل زعفرانلو مانند شجاع الدوله ها، حکمرانان قوچان و فرج اله خان ضیغمی، حاکم شیروان و روشنی ها خوانین اسفراین از مردم این ایل می باشند. کلمه شیخ عربی است بمعنای بزرگ و رهبر. بقیه مردم شیخ امیرانلو در شمال شهرستان (اسفراین) اسکان یافته اند و به کار کشاورزی و باغداری مشغول اند. روشنفکران متعددی از ایل شیخ

\*- کیهان، مسعود، جغرافیای مفصل ایران، تهران، ص ۱۱.

‡- بامداد، مهدی، همان کتاب، ج -، ص ۷۶ - ۹۱.



گلهای از کردان خراسان (عکس از اطلاعات)

امیرانلو خصوصاً در امر پزشکی در خدمت مردم خراسان می‌باشند. دیگر از طایفه‌های کرد شیروان، طایفه توپکانلو در روستای گلپان است.

### طایفه سویدانلو در شیروان

طایفه کرد سویدانلو از ایل بزرگ زعفرانلو در ده رزمقان از توابع شهرستان شیروان سکونت دارند و به امور دامداری و کشاورزی مشغول‌اند. زبانشان کردی است. به ترکی و فارسی هم سخن می‌گویند و پیرو مذهب شیعه اثنی عشری هستند.

### ایل بیچرانلو در شیروان

ایل بیچرانلو که مردمان فوق‌العاده سلحشور و جسور و بی‌باک دارد در منطقه دهستان بیچرانلو در میان کوهستانهای مرزی و دره‌های تنگ و عمیق رشته کوه معروف (گلیل) ساکن و به کار کشاورزی و دامداری مشغول هستند. و عده‌ای در روستای (هنامه) و شهر شیروان سکونت دارند. مرکز اصلی و خان نشین ایل بیچرانلو در تابستان (قلعه حسن) و در زمستان روستای (هنامه) می‌باشد تا پیش از آمدن (حسنخان عاشق) از سوریه و پیوستن به کردان بیچرانلو، ریاست این ایل با امرای (سیفکانلو) بوده است.

قبل از استقرار در نواحی مرزی با ایل سیفکانلو از توابع ایل کیکانلو بوده اند زبان کردان ایل بیچرانلو کردی است و به ترکی و فارسی هم سخن می‌گویند. گله داران بیچرانلو در کوههای گلیل بیلاق و دره جی قشلاق می‌نمایند.

## طایفه کرد شاملو در شیروان

بیچرانلوها آنچنان که خود معتقدند از کردان سلحشور (سوریّه) می‌باشند چون از منطقه شمالی سوریّه فعلی به خراسان کوچیده اند به شامی یا (شاملو) نیز معروف اند. کردان این ایل در بی رحمی و قساوت قلب و خونریزی مشهور و ضرب المثلند. در اواخر حکومت محمد شاه قاجار حسن نامی از مردم بیچرانلو بر اثر درگیریهائی که در سوریّه پیش آورده بود و مجبور به مهاجرت و جلای وطن شده و در مسیر خط سیر کردان به خراسان آمده و به ایل خود پیوند. این شخص که قبلاً گویا عاشق «نوازنده» بوده و بعداً بر اثر لیاقت و کفایت خود رهبری ایل بیچرانلو را در دست می‌گیرد و ریاست آنرا از دست (سعادتقلی خان) اول رئیس ایل (سیفکانلو) خارج و به ایل مذکور استقلال می‌بخشد. خوانین بعدی بیچرانلو که از اولاد همین حسنخان می‌باشند عبارتند از: مصرخان، کریمخان، فرج‌اله خان، علیخان، مردم ایل بیچرانلو علاوه بر دهستان بیچرانلو، در روستاهای گدوکانلو، بیواره (بی بهره) هنامه، کلاته بالی، دربند، قولان، لوجه‌لی از توابع شیروان ساکنند.\*

## ایل بادلانلو (بهادرانلو) در قوچان

ایل بهادرانلو در قوچان و روستاهای علاقه جنبان، کلاته گل اسکان دارند. رهبر آنان در سال‌های اخیر (ولیکان بهادرانلو) و پسرش (تاج محمد خان بهادری) معروف به سطوت‌الملک بوده اند امرای بهادرانلو همواره از قدرت نفوذ خاصی برخوردار بوده اند و خود را با فرمانروایان زعفرانلو برابر می‌دانسته اند. در زمان نادرشاه حکومت مناطق مهمّی مانند فارس، اصفهان، بعهده امرای بارلانلو

\*- همو، همان کتاب، ج ۱، ص ۴۹۰.

بهادرانلو بوده است و طایفه شیرزنلو در روستای شرزنلو و طایفه شاه رکی در روستای شاه رک و کرگرلو در مشکانلو و کورانلو در روستای شیرزنلو، مشکانلو کورانلو در اطراف قوچان زندگی می کنند.

### ایل بالکانلو در جیرستان

ایل معروف به پالکانلو در نوار مرزی ایران و شوروی در منطقه جیرستان قوچان اسکان دارند و به امور کشاورزی و دامداری مشغول اند. زبانشان کردی است و به ترکی و فارسی هم صحبت می کنند. دیگر طایفه های کرد در جیرستان عبارتند از: سه رکانلو، کالتمانلو.

### ایل پهلوانلو در باجگیران

ایل پهلوانلو یکی از ایل های معتبر زعفرانلو است که دچار پراکندگی و از هم پاشیدگی شده. برخی در بجنورد و عده ای در شیروان و بقیه در روستاهای دور بادام، و بردر، در نزدیکی باجگیران اسکان یافته اند و به کار دامداری و کشاورزی مشغول اند و عده ای از روشنفکران پهلوانلو هم به مقام استادی دانشگاهها نیز رسیده اند.

### ایل توپکانلو در قوچان

کردان توپکانلو در سراسر نواحی شمالی خراسان بویژه قوچان، شیروان،

اسفراین، و شمال نیشابور به کشاورزی و دامداری مشغول هستند. و بعضی در تابستان در منطقه اخلومد و کوه کلیدر جنوب شرقی قوچان ییلاق و در زمستان ضمن پیمودن جلگه کشف رود در منطقه قشلاقی سرخس اطراف مزدوران، کناره شاه لوله گاز به زندگی پرزحمت خود ادامه می دهند. رئیس ایل تویکانلو قبلاً فرهاد خان و سپس رضاخان بود. در حال حاضر (۱۳۵۹ ش.) گویا امان الله خان رهبری ایل را عهده دار است و طایفه اود کانلو در روستاهای قوشخانه و قره جقه، تود کانلو، خرق و اوو کانلو ساکن اند.

### ایل تیتکانلو در قوچان

تیتکانلوه‌ها در روستائی به همین نام در بیست و پنج کیلومتری شمال غربی قوچان مسکون هستند و از دیر زمان به کار کشاورزی و باغداری مشغول بوده اند. بهترین نوع انگور معروف قوچان حاصل دسترنج باغداران تیتکانلو است. روستای تیتکانلو است. روستای تیتکانلو در شش کیلومتری شمال شرقی (فاروج) قرار دارد که جاده شوسه شیروان، قوچان از آن عبور می کند. زبانشان کردی کرمانجی می باشد و به ترکی و فارسی هم صحبت می کنند. تیتکانلوه‌ها از ایل بادلو است و طایفه بورزلانلو در روستای برزلانلو دهستان قوشخانه و بورزل آباد قوچان ساکن اند.

### ایل حمزه کانلو در قوچان و بجنورد

قسمت مهم ایل حمزه کانلو در کردستان ترکیه بجا مانده و بقیه در روستای حمزه کانلو بالا و پائین در شمال قوچان و روستائی به همین نام در بجنورد و بقیه

در روستاهای (گُلْمَکَان) نزدیک مشهد و اطراف آن سکونت دارند. حاج خان حمزه کانلویبگلیبگی سلحشور نادر شاه و فاتح هندوستان و سردار گنجه داغستان و غرب کشور و سفیر نادرشاه در ترکیه از همین ایل حمزه کانلو بوده است. بیشتر حمزه کانلوها در قوچان و بجنورد در روستاهای مذکور بکار کشاورزی و باغداری و دامداری مشغول اند. زبانشان کردی کرمانجی و ترکی و فارسی است.

### ایل رشوانلو در قوچان و بجنورد

در دهستان مرزی (قوشخانه) از توابع قوچان و شمال شرقی بجنورد ساکن اند و اخیراً عده زیادی به شیروان مهاجرت کرده اند. حسنخان روشنی صاحب نیزه دوشاخ فرزند روشنخان از بزرگان این ایل در عهد فتحعلی شاه است. خان نشین و مرکز ایل رشوانلو روستای (حلواچشمه) در شمال شیروان بوده است. قسمتی از کردان ایل رشوانلو در دهستان (مایوان) قوچان سکونت دارند و عده ای از فرزندان ایل در اثر تحصیلات عالی با درجه مهندسی مشغول خدمتند. زبانشان کردی کرمانجی و ترکی و فارسی است و به کشاورزی و دامداری مشغول اند.

### ایل رود کانلو در قوچان

قسمتی از ایل (رود کانلو) در روستای اطراف قوچان اسکان یافته اند. بقیه ایل در حال قشلاق و ییلاق هستند و در تابستان در کوههای شمالی قوچان و کوه شاه جهان، کوه آرموتلی و زمستان در دشت کوران و ساحل رود سومار و مراوه

تپه قشلاق می کنند و به کار گله داری اشتغال دارند. رهبری ایل رود کانلو (روتان) در سالهای اخیر با دو برادر به نامهای میراب و زیراب (مهراب و سهراب) بوده است. رود کانلوهها بسیار شجاع و جسور هستند و زبانشان کرمانجی است. دیگر طایفه‌های کرد قوچان افشرانلو، پیران لو، سالان قوچ در مزرج و سالان قوچ است.

### ایل زیدانلو در قوچان و در گز

کردان زیدانلو مردمی دلیر و زحمتکش و صبورند و اکثراً در روستای زیدانلو در دوازده کیلومتری شمال غربی قوچان و اطراف آن و در در گز در درّه درونگر در روستای زیدانلو سکونت دارند و به باغداری و کشاورزی و گوسفند داری مشغول اند. زبانشان کردی کرمانجی است و به فارسی و ترکی هم سخن می گویند.

### ایل سیفکانلو در اوغاز قوچان

ایل سیفکانلو و ایل بیچرانلو هنگام ورود به خراسان و سکونت در نواحی بجنورد وابسته به ایل بزرگ کیکانلو بوده اند. خان نشین و مرکز ایل سیفکانلو روستای (اوغاز) از توابع بخش باجگیران قوچان است و محل استقرار ایل دهستان مرزی اوغاز و روستاهای امامقلی، شرکانلو، دوربادام قوچان و همچنین در شمال غربی شیروان، روستاهای زینل بیگ، قزل قان، چاربرج، قلعه جُق می باشد. دیگر طایفه‌های کرد در اوغاز عبارتند از طایفه‌های روتکانلو، مشکانلو، خراسکانلو، کافی مشکان، اولاشلو.



## طایفه کم کیلانو در باجگیران

بزرگترین طایفه ایل سیفکانلو طایفه (کم کیلانو) است که مرکز اصلی آن روستای (چپانلو) می باشد. این طایفه بنیانگزاران اصلی باجگیران هستند و بقیه در روستاهای قلعه صفا، قوش قلعه، تیتکانلو، قوچان، شیروان، مشهد اسکان دارند. طایفه های دیگر سیفکانلو عبارتند از:

۱- بوانلو

۲- اولاشلو

۳- شکرانلو

۴- زورتانلو

۵- کافی مشکان (کالمشکان)

۶- قزل قابلو

۷- شرکانلو

۸- صفکانلو

زبان اصلی ایل سیفکانلو و طایفه های آن کردی کرمانجی می باشد و به ترکی و فارسی هم صحبت می کنند و همگی به کشاورزی و دامداری مشغول هستند.

## ایل سیل سپرانلو در جیرستان قوچان

مردم ایل سیل سپرانلو که در دو روستا به همین نام در نواحی مرزی ایران و شوروی در دهستان جیرستان اسکان یافته اند بسیار رشید و دلیرند. سردار عوض و خانواده وی در وقایع، به وطن دوستی و لاوری معروفند از مردم جیرستان می باشند. وجه تسمیه این ایل همچنانکه در تاریخ عالم آرای عباسی مذکور است در یکی از جنگهای شاه عباس با رومیان مردم این ایل به تنهایی داوطلب نابود کردن سپاهیان روم شده با حمله سریع و قاطع چنان آتشی بر خرمن جان دشمن زدند که بسیاری را مقتول و عده زیادی را اسیر و بقیه را متواری ساختند. شاه

عباس که از بالای تپه ای ناظر میدان کارزار بود آنها را (سیل سپورانلو) خطاب کرد که ترکی است. یعنی (مثل سیل دشمن را جارو کردند) از میان برداشتند. امرای سیل سپورانلودر دوره صفویه و نادر شاه حتی تا زمان شاهرخ نایینا مصادر، خدمات ارزنده ای بوده و زمانی حکومت مشهد را بعهده داشته اند. زبانشان کرمانجی است.

### ایل شرانلو در دولتخانه قوچان

مرکز ایل شرانلو در کلاته شاه محمد در دهستان دولتخانه قوچان است. این ایل دارای زنان و مردان بسیار رشید و تنومند و خوش هیكل، هستند. شرانلوه با حفظ میراث فرهنگی بین قوچان و مراوه تپه به امور گله داری مشغول اند و مهمترین ایل های چادر نشین کرد را تشکیل می دهند. رمضان خان رهبر این ایل بزرگ و سلخشور است. زبانشان کرمانجی و ترکی است.

### ایل شیخکانلو در اوغاز و چناران

ایل شیخکانلو یا شیخوانلو مردمی دلیر و سلخشور و مشهور و بی باکند. شاهور دیخان شیخوانلو از مخالفین سرسخت نادرشاه از رجال برجسته و مشهور این ایل است. شکر بیک شیخوانلو و سلیمان بیگ نیز از جمله مردان سلخشور شیخکانلواند. که ابراهیم خان برادر نادر را در ایبورد (درگز) بسختی شکست داده و محصورش ساختند.

قوجه خان شیخوانلو از بزرگترین سرداران نادر شاه و فاتح بصره است. در روزگار قاجار امرای سلخشور شیخوانلو در منطقه چناران و رادکان از توابع

مشهد نقش حساسی داشتند.

ابراهیم خان پسر شاهوردیخان معاصر فتحعلی شاه حکومت ایل شیخکانلو و کاوانلو را در منطقه رادکان مشهد بعهدہ داشت.

محمد رضاخان پسر ابراهیم خان حاکم ایل های کیوانلو و کاوانلو و شیخوانلو منطقه رادکان و چناران در زمان ناصرالدین شاه است. حسن خان پهلوان و قهرمان نامی کشتی چوخه خراسان از مردم شیخکانلو چناران می باشد، ایل شیخکانلو در حال حاضر در روستاهای قوچان، رادکان، چناران، و در روستای شیخوانلوی در گز پراکنده و ساکن هستند و به گله داری و کشاورزی اشتغال دارند. تعداد زیادی هم در شهر مشهد ساکنند. شیخکانلو، ایل هایی که در حال نیم کوچند.

### ایل قاچکانلو در قوچان

در مورد وجه تسمیه ایل قاچکانلو که آیا در اصل قوچ قوینلو یا فاش قویونلو بوده یا تحریف واژه دیگری است که صنیع الدوله در مطلع الشمس نام قوچان را مشتق از نام این ایل که در حاشیه رودخانه (اترک) مشغول دامداری بوده اند می داند. در حال حاضر ایل قاچکانلو در اطراف قوچان به ویژه در فتح آباد و در روستای قاچکانلو از توابع دهستان دولتخانه و در روستاهای دهستان باچوانلوی در گز سکونت دارند و به کار کشاورزی و دامداری مشغول اند. زبانشان کردی کرمانجی و ترکی و فارسی است. دیگر طایفه های کرد قوچان حسنانلو، در حسن آباد، پیرگانلو در ایزی، جمالانلو در قلعه سفید، گله داران با جوانلو در کوه های عمارت هزار مسجد بیلاق و در دولتخانه قشلاق می نمایند.

## ایل قاسمانلو در اسفراین

ایل قاسمانلو از مهمترین ایل‌های کرد زعفرانلو است که در دامنه‌های کوه (شاه جهان) بین اسفراین و شیروان در کلاته (قاسمانلو) اسکان یافته و به کار کشاورزی و دامداری اشتغال دارند یکی از بزرگترین فرد ایل قاسمانلو در آرامگاه باستانی بابا لقمان سرخس مشهد مدفون و سنگ قبر جالبی بر روی مزارش نصب است. شاید قاسمانلو تحریف شده (قاسملو) باشد که اکنون در دره قاسملو مهاباد کردستان اسکان دارند. عده‌ای از ایل قاسمانلو در روستای (دیزآباد) قوچان ساکنند و به دامداری مشغولند. طایفه‌های شیخ امرلو، در اردغان، کلاته جات پائین جلگه و قره خانلو در الست و السک صفی آباد ساکن‌اند.

## ایل قرامانلو در قوچان

ایل قرامانلو که امروز به (قهرمانلو) مشهور است یکی از مهمترین ایل‌های کرد زعفرانلو می‌باشد. رؤسا و امرای این ایل از اوایل تشکیل دولت صفوی مصدر مشاغل مهمی بوده‌اند. بیرام بیگ قرامانی، یکی از بزرگترین امراه شاه اسماعیل صفوی پس از بیرون راندن ازبکان از خراسان به امر شاه اسماعیل به حکومت هرات منصوب گردید. فرهاد خان قرامانلو به بزرگترین مقام لشگری و سپهسالاری شاه عباس رسید. ایل قهرمانلو در خراسان اکثراً در دامنه شمالی کوه شاه جهان (اسفراین) و در اطراف کواکی مایوان فاروج از توابع قوچان اسکان دارند. بعضی نیز هنوز اسکان نیافته‌اند. ولی خان قهرمانلو یکی از سلحشورترین امرای کرد خراسان در سالهای اخیر می‌باشد. ایل‌های قهرمانلو و سیفکانلو و بادانلو از مهمترین ایل‌های هستند که زودتر با تحصیل و آموزش جدید آشنائی



سفید)

۵ - قورکان تحریف شده (گورک + آن) که گورک ایلی از طایفه‌های کرد منطقه سلدوز مهاباد می‌باشد. کوم بلکها اکنون در (چپورمه) جیرستان اسکان دارند. کوراینها پس از واگذاری فیروزه به روسیه به روستاهای منطقه قوچان، بجنورد، قلجق شیروان آمدند، در روستائی به نام فیروزه شیروان و کوران اوغاز بنا کردند و اسکان یافتند. طایفه بگان جلالان در شیروان و اطراف سکونت گزیدند. که به کار کشاورزی و دامداری مشغول اند. طایفه کردتورسانلو بیش از هزار خانوار در چناران سکونت دارند.

### ایل کیکانلو در قوچان و بجنورد

ایل کیکانلو از بزرگترین ایل‌های زعفرانلو است که در حال حاضر می‌توان آنرا به سه ایل بزرگ تقسیم نمود:

۱ - بیچرانلو      ۲ - سیفکانلو      ۳ - کیکانلو

ایل‌های بیچرانلو سیفکانلو در نواحی مرزی قوچان کیکانلو در بخش مانه سملقان بجنورد اسکان دارند. قسمتی نیز در شمال قوچان در روستان (اینچه کیکانلو) ساکنند و به کار دامداری و کشاورزی اشتغال دارند.

### ایل کیوانلو در رادکان چناران

مردم این ایل بزرگ در منطقه قوچان، رادکان، چناران اسکان یافته اند. مطلع الشمس در عهد ناصرالدین شاه رئیس ایل کیوانلو رادکان را (کاظم خان) ذکر کرده است. کیوانلوها از امور گله داری و چادر نشینی دست برداشته و به

باغداری و کشاورزی روی آورده اند. قسمتی از ایل کیکانلو در جوین، سبزوار سکونت دارند و به کار کشاورزی مشغول اند.

### ایل میانلو در چناران و رادکان

میانلو از بزرگترین ایل‌های کرد زعفرانلو است در دوره سلطنت نادرشاه و شاهرخ مصادر و خدمات ارزنده ای بوده اند. احمد شاه درآنی پادشاه افغانستان قادر به سرکوبی (جعفرخان میانلوئی) کرد و استیلای بر چناران نشد و دماغ سوخته به افغانستان برگشت. قسمت مهمی از جواهرات سلطنتی نادرشاه در دژ کلات بدست امرای میانلو افتاد در حال حاضر تمام کردان میانلو در منطقه چناران و رادکان اسکان یافته و بکار کشاورزی و باغداری اشتغال دارند. زبانشان کردی کرمانجی است و به ترکی و فارسی هم سخن می گویند.

### ایل مژدگانلو در نیشابور

ایل مژدگانلو همچون عمارلوها در روستاهای جلگه ماروسک نیشابور که هفتاد و دوروستای کردنشین وجود دارد (در بیوگرافی ایل عمارلو شرح داده شد) تفکیک مژدگانلو از عمارلوها به سبب آمیزشی که داشته اند مشکل می باشد. حسنخان کرد مژدگانلو یکی از سرداران نامی نادر شاه افشار از این ایل است. کردان مژدگانلو مردمی زحمتکش و فعال و جسور و متهورند و به امور کشاورزی و دامداری مشغول اند. زبانشان کردی کرمانجی است و به ترکی و فارسی هم صحبت می کنند. دیگر طایفه‌های کرد نیشابور کیوانلو، قهرمانلو، ورانلو، توپکانلو هستند که در نواحی شمالی بسر می برند.

## ایل میلانلو در قوچان و اسفراین

میلان و زیلان دو ایل معتبر کرد بوده اند. چنانکه مؤلف مطلع الشمس می نویسد ( ... دو هزار کس از اکراد زیلان و میلان شمسکی و تکوری اجتماع داده ... ) ایل میلانلو از ایل های پرجمعیتی است که در خراسان شمالی اسکان یافته اند، اما از وجود ایل زیلان اطلاعی بدست نیامد. لیکن کردها پس از استقرار در نواحی مرزی، نام زیلان را بر یکی از کوههای مرتفع و صعب العبور بین اوغاز و باجگیران نهادند. در حال حاضر عده ای از مردم میلانلو در دهستان مرزی جیرستان در دو روستا به همین نام اسکان دارند. اکثریت این ایل که در حدود بیست و چهار تیره می باشند، در نواحی کوهستانی بین شهرستانهای شیروان اسفراین اسکان یافته و به کار کشاورزی و دامداری و باغداری مشغولند. عده ای از تیره های این ایل، در روستاهای اسفراین و دامنه کوه شاه جهان از قبیل دولت آباد، قاسم آباد، پرتان، عباس آباد، نوشیروان، اردغان، بیدواز، از توابع شهرستان اسفراین سکونت دارند و به دامداری و کشاورزی اشتغال دارند. زبانشان کرمانجی و ترکی و فارسی است. طایفه های پرکانلو و باجیانلو حدود چهارصد خانوار در بابا چشمه، قره چاه منگلی نصرآباد، حصاری، دهنه شور و شیرین، دولیچاه اسفراین به دامداری و کشاورزی مشغول اند.

## ایل نامانلو در جیرستان

نامانلوه که مردمی بسیار رشید و تنومند و زحمتکش و سلحشورند در دهستان جیرستان در نوار مرزی بین ایران و شوروی اسکان یافته اند و به کار



دامداری و کشاورزی مشغولند. زبان نامانلوه‌ها کردی کرمانجی است و به ترکی و فارسی هم صحبت می‌کنند.

### ایل ورائلو در دوغائی

ورائلو یکی از بزرگترین ایل‌های زعفرانلو است که در حال حاضر یکهزار خانوار جمعیت دارد. بیش از پانصد خانوار آن در دهستان دوغائی قوچان در روستاهای شفیع، ابراهیم آباد، رضا آباد و... ساکن هستند و بکار کشاورزی مشغولند. در حدود پانصد خانوار نیز بین کوه کلیدراند. تابستان در اطراف آخلمد مشهد و منطقه سرخس ییلاق و زمستان در مراوه تپه و ساحل رودخانه اترک قشلاق می‌نمایند.

### ایل هودانلو در دوغائی

اکثر مردم این ایل از چادر نشینی دست برداشته و اسکان یافته‌اند و بیشتر آنها در دهستان دوغائی مستقر هستند. بعضی نیز به شهرهای قوچان و مشهد مهاجرت کرده‌اند. برخی در کوهستانهای بین قوچان و نیشابور ییلاق و در نواحی سرخس قشلاق می‌نمایند. حبیب‌الله خان ناصر لشگر قوچانی از بزرگان این ایل بوده است. دیگر طایفه سه کانلو است. در دوغائی، گله‌داران هودانلو در کوهستانهای بین قوچان و نیشابور ییلاق و در نواحی سرخس قشلاق می‌نمایند. ایل‌هایی که اسکان یافته‌اند، شادلو، کیوانلو، قراچورلو، صوفیانلو، شیخکانلو، ایل‌هایی که در حال نیم‌کوچند، سیرکانلو، بیچرانلو، قرمانلو، که کشاورزی هم دارند. ایل‌هایی که هنوز مرحله تمام کوچی دارند، ورائلو، رود

کانلو، هیز و لائلو، کاوانلو می باشند.\*

### ایل ها و طایفه های کرد در بجنورد

ایل های مهم کرد در شهرستان بجنورد عبارتند از:

۱- شادلو ۲- زعفرانلو ۳- قراچورلو

۴- کیکانلو ۵- گوران ۶- حمزه کانلو

۷- دوانلو ۸- رشوانو ۹- زیدانلو و طایفه های مربوطه .

این ایل ها از ایل بزرگ چَمَشگَزک است که در سال ۱۰۱۱ هجری به فرمان شاه عباس کبیر از جلگه ورامین به مناطق شمالی خراسان انتقال یافته اند. مرکز اصلی این ایل ها در حدود دریاچه (وان) ارومیه بوده است و ایل شادلو از جنوب قفقاز به آذربایجان و از آنجا به خوار ورامین و از آنجا به خراسان انتقال یافته اند.

ایل شادلو - ایلخان و رؤسای ایل های اکراد این شهرستان از قبیل:

۱- جعفر قلیخان سهام الدوله

۲- حیدر قلیخان سهام الدوله

۳- یار محمد خان سهام الدوله و عزیزاله خان سردار معظم معروف به سردار

معزز، و غیره از این ایل بوده اند. این ایل به طایفه های زیر تقسیم می شود:

۱- طایفه چمخان لو

۲- طایفه دیرانلو

۳- طایفه بُغانلو

۴- طایفه آمارلو (عمارلو)

۵- طایفه تاتکانلو

---

\*- همو، همان کتاب ج ۲، ص ۲۲۷

۶ - طایفه دیرقانلو

۷ - قوبرانلو

۸ - آلانلو

۹ - ایزانلو

۱۰ - گودانلو

۱۱ - جویانلو

۱۲ - مترانلو

۱۳ - قراباشلو

۱۴ - گریوانلو

۱۵ - طایفه قلیچانلو

۱۶ - طایفه هیبت زانلو

۱۷ - چاپانلو

۱۸ - کاغانلو

که در شهر و حومه بجنورد و روستاهای گریوان، نیستانه، فیروزه، مهتان و روستاهای بخشهای مانه و سملقان و جاجرم، سکونت دارند و به کار کشاورزی و باغداری و دامداری مشغول اند

ایل قراچورلو - از ایل های بزرگ ایل چَمَشگَزک است که افراد آن به شجاعت و بی باکی معروفند. در زمان صفویه از ساوجبلاغ انتقال یافته اند. و در شهر و روستاهای حومه و بخش گرمه و مانه سملقان ساکن اند و به کشاورزی و دامداری و باغداری اشتغال دارند. از فرزندان این ایل عده ای در اثر تحصیلات عالی در سازمانهای مختلف به خدمت مشغولند و بعضی نیز به مقام نمایندگی مردم در مجلس شورای ملی رسیده اند. در مطلع الشمس آمده، رئیس کردان قراچورلو در زمان ناصرالدین شاه (صفر علی خان) بوده است. قسمتی از ایل قراچورلو در روستاهای دهستان باچوانلو در گز اسکان یافته اند. رئیس آنها در زمان نادرشاه نجف قلی سلطان یکی از سرداران رشید ارتش نادری بوده که شرح

آن خواهد آمد.

اییل زعفرانلو - قسمتی از اییل بزرگ زعفرانلو و طایفه‌های تابعه در روستاهای شوغا، طَور، کوشقان (جوشقان) محمد آباد، چپه، حصار و

- ۱ - طایفه‌های بُرزانلو و بَدرانلو در روستاهائی به همین نام و حیدر آباد
- ۲ - طایفه‌های غم پَرانلو و ورانلو در روستاهای کریوان، نیستانه، فیروزه، مهتان، قلعه الله ویردی. با این توضیح که بیشتر طایفه غم پَرانلو در قلعه محمد خان و طایفه ورانلو در علی آباد ساکن اند.
- ۳ - طایفه بُغانلو - در روستای علی آباد، بجنورد سکونت دارند و به کار کشاورزی و دامداری و باغداری مشغول اند.

اییل‌ها و طایفه‌های دیگر اکراد بجنورد عبارتند قسمتی از اییل‌های:

- ۱ - کیکانلو - در روستاهای مانه و سملقان
- ۲ - کوران - در فیروزه بجنورد
- ۳ - شرانلو - در مراوه تپه
- ۴ - حمزه کانلو - در روستای حمزه کانلو
- ۵ - رود کانلو - در مراوه تپه
- ۶ - رشوانلو - در روستاهای شمال شرقی بجنورد
- ۷ - دوانلو - در جاجرم
- ۸ - قاشکانلو - (قاچکانلو)
- ۹ - زیدانلو
- ۱۰ - باچیانلو - در آسخانه

اییل‌های شرانلو و رود کانلو چنانکه شرح آن در قسمت مربوطه گذشت در میلاق و قشلاق به سر می‌برند و بقیه ساکنند و به کشاورزی اشتغال دارند.

## طایفه‌های بادلو و خرکانلو در گلمکان

طایفه‌های بادلو و خرکانلو از ایل بزرگ زعفرانلو در روستاهای سید آباد، چهچه، محمد آباد، شمس آباد، چهار برج، کلاته بادلو قهقه از توابع دهستان گلمکان مشهد سکونت و به امور کشاورزی و باغداری و دامداری اشتغال دارند. زبان ایل‌ها و طایفه‌های کرد خراسان عموماً کردی کرمانجی است و به ترکی و فارسی هم صحبت می‌کنند.\*.

## طایفه‌های کرد در درگز

ایل‌ها و طایفه‌های کرد در گز نیز مانند ایل‌های قوچان و شیروان و بجنورد و غیره قسمتی در زمان شاه اسماعیل اول در سال ۹۱۶ هجری منتقل شده اند، شاه اسماعیل صوفی در سال ۹۱۶ هجری به خراسان لشگر کشید و در نزدیک مرو محمد خان شیبانی پادشاه ازبک را شکست داد و تمام متصرفات آنها را در خراسان پس گرفت و به تقویت مناطق مرزی، مرو، سرخس، ایبورد، نسا پرداخت و بیرام بیگ قرامانی (قهرمانلو) سردار بزرگ کرد را بحکومت منطقه مرزی خراسان منصوب نمود و در آن زمان قسمتی از ایل‌های در منطقه مرزی درون و نسا و ایبورد (در گز) اسکان یافتند. نجفقلی سلطان قراچورلو سردار رشید نادر به هنگام بروز اختلاف فیما بین او و نادر شاه به او می‌گوید «از قدم‌ایام تا به حال قریب به سیصد سال است که طایفه اکراد در این سرزمین (روستاهای باچوانلو در

---

\*- در تهیه و تنظیم بیوگرافی ایل‌ها و طایفه‌های کرد خراسان، قوچان، رادکان، چناران، باجگیران، شیروان، اسفراین از کتاب حرکت تاریخی کرد تألیف کلیم الله توحیدی چاپ مشهد ۱۳۵۹ و بجنورد از کتاب فرهنگ عامه اداره کل فرهنگ خراسان چاپ ۱۳۴۱ و گلمکان مشهد از سفرنامه ناصرالدین شاه چاپ بابک تهران استفاده شده.

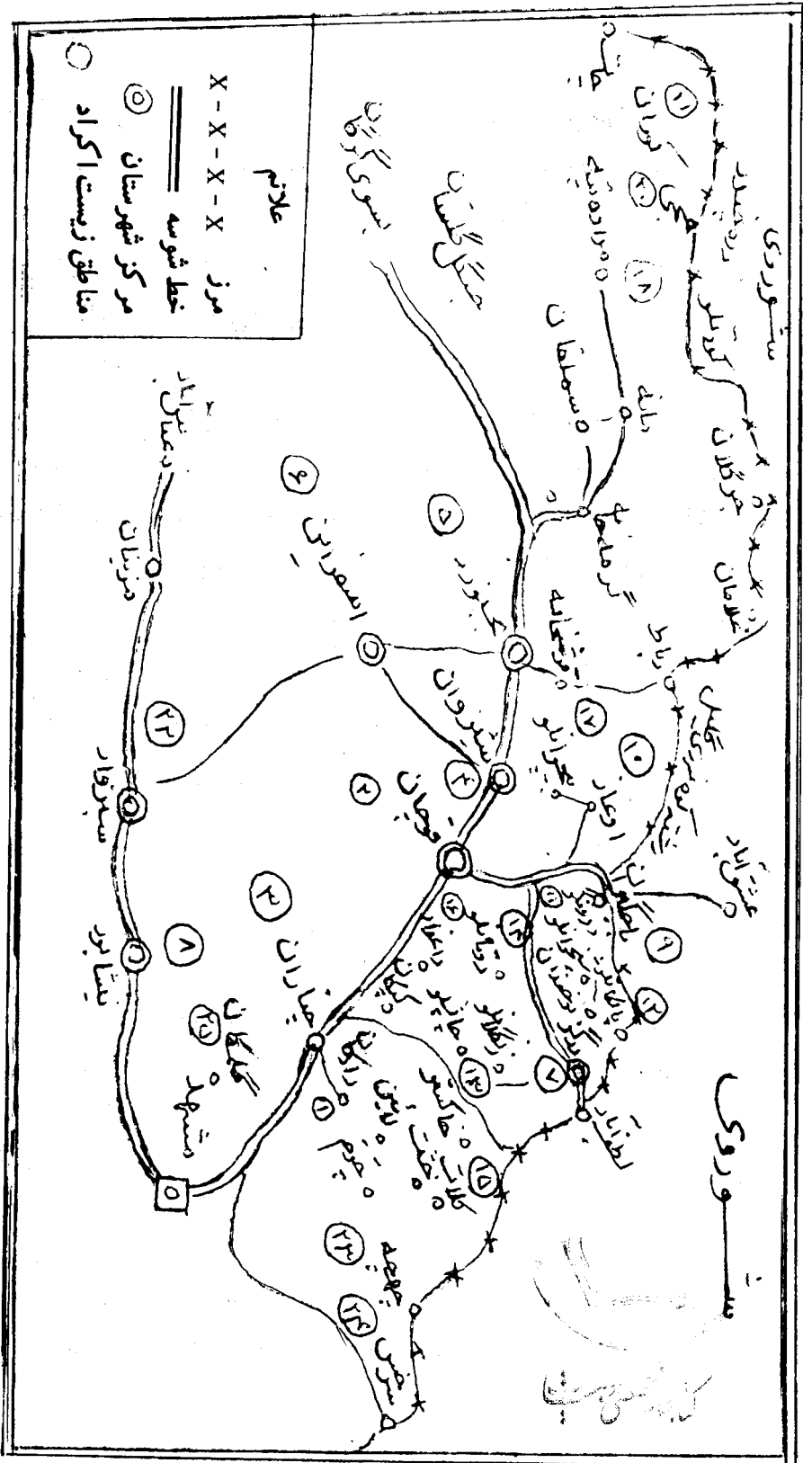
دره درونگر سکونت دارند و از ضرب شمشیر ما همه در این مرز در رعب و هراس بوده اند.\* این گفته اسکان کردان را در آن زمان در درگز تأیید می کند. قسمتی دیگر از ایل های کرد از ایل بزرگ چمشگزک در دوره سلطنت شاه عباس کبیر در سال ۱۰۱۱ هجری به مناطق مرزی درگز انتقال یافته اند. در این مورد در عالم آرای عباسی\* و همچنین در مطلع الشمس آمده: (شاه عباس اول سال ۱۰۱۱ هجری به خبوشان (قوچان) آمد و شاه قلی سلطان میر ایل چمشگزک را که همراهش بود به رتبه ایالت و خانی سربلند گردانید و حکومت الکای درون، نسا، ایبورد، (درگز) به او عنایت و مقرر فرمود چهارهزار خانوار از ایل چمشگزک را از ورامین که دو سه سالی بود از منطقه آذربایجان و مهاباد به جلگه خوار ورامین انتقال یافته بودند به ایبورد و خط آخال واتک و چهچه و نسا، مرز بین ایران و ترکستان انتقال دهند تا سدی در مقابل ازیکان باشند، در نتیجه ایل های چمشگزک در آن زمان به شهرستانهای شمالی خراسان منجمله مناطق مرزی درگز مذکور انتقال یافتند و به تدریج دهاتی را برای سکونت و زندگی خود ساختند و هر ده را بنام ایل خود نام گذاشتند.

### شیخوانلو در روستای شیخوانلو

قسمتی از ایل شیخکانلو که در درگز شیخوانلو می نامند در دره درون (درونگر) روستائی به همین نام اسکان یافته اند و به کار کشاورزی و دامداری و صنایع دستی و گلیم بافی، قالیچه بافی، پارچه بافی، اشتغال دارند. قشلاق دامداری شیخوانلوها یا ققول (زرین کوه) و بیلاق آنها جلگه آسلمه و گلیداغی است.

\* - ص ۱۲ کتاب ایل ها و طایفه های درگز تألیف سید علی میرنیا چاپ ۱۳۶۱ مشهد

\*- اسکندر منشی، عالم آرای عباسی، امیر کبیر، تهران ۱۳، ج ۲، ص ۶۳۱



مناطق زیست ایل ها و طایفه های کرد خراسان  
 ۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵  
 ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸

## باچوانلو در دهستان باچوانلو

قسمتی از ایل قاچکانلو که در درگز باچوانلو نامیده می‌شود و منقسم به طایفه‌های زیرند:

۱- باچوانلو ۲- توزانلو ۳- خلّانلو

در روستاهای خلّانلو، پالکانلو، جلفان، بُرج قلعه، توزانلو سکونت دارند که بنام دهستان باچوانلو نامیده می‌شود. این طایفه‌ها به کار کشاورزی و صنایع دستی و دامداری مشغولند و دامداران در یاققول زرین کوه و جلگه آسلمه و گلیداعی کوه هزار مسجد قشلاق و ییلاق دارند. زبانشان کردی کرمانجی به ترکی و فارسی هم سخن می‌گویند.

## قراچورلو در دهستان باچوانلو

قسمتی از ایل قراچورلو که از ایل‌های بزرگ کرد است توأم با باچوانلوها در دهستان باچوانلو در روستاهای پالکانلو، برج قلعه، میانکوه، جلفان، سکونت دارند. این ایل همچنانکه در مقدمه ذکر شد در زمان شاه اسماعیل صفوی از ساوجبلاغ به درگز منتقل شده‌اند و در دره درونگر اسکان یافته‌اند و روستاهای مذکور را ساخته و اقامت گزیده‌اند. مردان این ایل بسیار رشید و متهورند و در زمان نادرشاه عده‌ای از مردان و جوانان شجاع و دلیر این ایل به سرداری نجفقلی سلطان جزء ارتش نادرشاه بوده‌اند و در جنگها و فتوحات نادر سهم بسزائی داشته‌اند. مردم این ایل نیز به کار کشاورزی و دامداری و قالیچه‌بافی و گلیم‌بافی و پارچه‌بافی اشتغال دارند.



## زیدانلو و مادانلو در زیندانلو

طایفه‌های زیدانلو و مادانلو از ایل بزرگ چم‌شگزک در دوره قاجاریه، زمان حکمرانی سلیمانخان حاکم درگز (۱۲۶۲ - ۱۲۷۰ ه. ق.) از قوچان برای آباد ساختن محله‌های خالی از سکنه به درگز کوچانده شده‌اند و در دوازده کیلومتری ده (سنگ سوراخ) اسکان یافته‌اند و آنها قلعه‌ای بنام (زیندانلو) برای خود ساخته و در آنجا به زندگی پرداخته‌اند و قسمتی از طایفه زیدانلو در لطف آباد مسکن گزیده‌اند و به کار کشاورزی و دامداری مشغول گردیده‌اند. قشلاق دامداران، زرین کوه و بیلاق آنها جلگه‌های نوخندان در کوه هزار مسجد است. اسماعیل کرد معروف رئیس طایفه زیدانلو و زیندانلو بوده و بعد اولادش بوده‌اند.

## کیکانلو در درونگر

قسمتی از ایل کیکانلو از ایل بزرگ چم‌شگزک پس از انتقال به مناطق مرزی خراسان در دوره درونگر اسکان یافته‌اند که آنها دهی به همین نام در آنجا ساخته و اقامت گزیده‌اند. کیکانلوه‌ها به کار کشاورزی و دامداری اشتغال دارند. زبانشان کردی کرمانجی است و به ترکی و فارسی هم تکلم می‌نمایند.

## کیوانلو در زنگلانلو و کاهو

قسمتی از ایل کیوانلو که در منطقه قوچان و چناران مشهد سکونت دارند، در زمان قاجاریه بوسیله الله یارخان حاکم درگز به این شهرستان کوچانده شدند (۱۲۷۰ - ۱۲۸۱ ه. ق.) به یکصد و پنجاه خانوار آنها در سرآب شمسی خان جا

داده شده و آنها در آنجا قلعه‌ای برای خود ساخته‌اند و سکونت گزیده‌اند، این قلعه را زنگلانو نام گذارده‌اند. وجه تسمیه آن این است که چون اکثر آنها شتردار بوده‌اند و به گردن شتران خود زنگهای زیادی می‌آویخته‌اند بدین سبب ساکنین آن‌ده و نام آنرا زنگلانو نامیده‌اند و پنجاه خانوار آنها را بین شهرک چاپشلو و شهر محمد آباد مرکز شهرستان در کنار چشمه‌ای جا داده‌اند که آنها در آنجا قلعه (اسبیان) را ساخته‌اند و اقامت گزیده‌اند. به یکصد خانوار هم بین نوخندان و روستای جشن آباد در جلگه‌ای جا واگذار شده که در آنجا روستایی بنام (کاهو) بنا کرده‌اند و در آنجا مسکن گزیده‌اند. بعداً نیز عده‌ای از این طایفه بعلت بسگتی ایلی از قوچان به این حدود کوچ نموده‌اند و آنها نیز دهی بنام (تکو) یا تکاپ برای خود ساخته‌اند ساکن شده‌اند. این اکراد نیز به کار کشاورزی و دامداری مشغولند و در یاققول زرین کوه و جلگه‌های لطف آباد و تکاپ و میانکوه قشلاق و ییلاق دارند.

### پالکانلو در دهستان باچوانلو

پالکانلو از ایل بزرگ شکاک است که در زمان شاه اسماعیل صفوی پس از بازستاندن مناطق مرزی خراسان از ازبکها قسمتی از ایل را به دره درون (درونگر امروز) انتقال و اسکان داده‌اند تا در مقابل ازبکان سدی باشند. این ایل با ساختن دو روستا بنام پالکانلو بالا و پالکانلو پائین با ایل قراچورلو و باچوانلو در آنجاها که جزء دهستان باچوانلو از توابع بخش نوخندان در گز است اسکان یافته‌اند و به دامداری و کشاورزی و کارهای صنایع دستی، قالیچه بافی، برک بافی، گلیم بافی پرداخته‌اند. زبانشان کردی کرمانجی و ترکی است به فارسی هم سخن می‌گویند.

## قراچورلو و شادلو در میانکوه چاپشلو

در دوره حکمرانی الله یارخان حاکم در گز بین سالهای (۱۲۷۰ - ۱۲۸۱ هـ. ق.) قسمتی از ایل شادلو و قراچورلو برای آباد ساختن مناطق خالی در گز از بجنورد که مرکز این دو ایل است به در گز انتقال داده شده و به یکصد و پنجاه خانوار آنها در میان کوه (بخش چاپلشو) جا واگذار شده که آنها به تدریج روستاهای سیاب، خادمانلو، زرتانلو، دربندی کپی را ساخته و سکونت گزیده اند و تعداد دیگری هم در قراء (کبگان) و (دهشت) و (میاب) و قلعه حسن اسکان یافته داده شده اند و به یکصد و پنجاه خانوار دیگر هم در دهستان قراباشلو، از توابع بخش چاپشلو جا واگذار گردیده و آنها در روستاهای داغدار، قلعه مینا، حقوردی، قُلجق، ایلانجق، آقداش، سیتلی، گنداب، بشارت مستقر شده اند و به دامداری و کشاورزی مشغول گردیده اند دامداران این طایفه ها در دربند و کپکان و جلگه های کوه هزار مسجد قشلاق و بیلاق می نمایند.

## زنگنه در نوخندان

قسمتی از ایل کرد در زنگنه در دوره سلطنت نادرشاه سال ۱۱۴۶ هجری پس از سرکوب شورش و طغیان محمد خان بلوچ والی فارس به فرمان نادر به در گز تبعید و انتقال داده شدند که در دره درون، نوخندان، باچوانلو اسکان یافته اند و به کار کشاورزی و دامداری مشغول شده اند. زبان این طایفه کردی و فارسی است و به ترکی هم صحبت می کنند. خانواده های ابادی غفاری و حیدریگ جعفری از طایفه زنگنه هستند.

## توزانلو در باچوانلو

طایفه کرد توزانلو که به آن بوزانلو هم می گویند با ایل باچوانلو در دوره صفویه به درگز انتقال و در دره درون دهستان باچوانلو اسکان یافته اند و در آنجا روستائی بنام توزانلو ساخته و اقامت گزیده اند. شغل این طایفه دامداری و کشاورزی و صنایع دستی، قالیچه بافی، گلیم باقی برک بافی است.

## دوله شانلو در باچوانلو

طایفه کرد ده وله شانلو یا گوه شانلو از ایل بزرگ باچوانلو است که در همین دهستان در روستای دوله شانلو سکونت دارند و به کشاورزی (دیم کاری) و دامداری مشغولند. زبانشان کرمانجی است.

## ارتکانلو در ارتیان

طایفه ارتکانلو که در درگز ارتیانلو می گویند از ایل بزرگ عمارلو است که در دوره سلطنت نادرشاه افشار از جلگه ماروسک نیشابور به درگز انتقال و در اطراف دستگرد اسکان یافته اند و آنها در محل واگذاری روستائی بنام (ارتیان) ساخته و در آنجا مسکن گزیده اند و به کشاورزی و دامداری و باغداری پرداخته اند. این طایفه به فرمان نادرشاه برای تقویت مناطق مرزی به این محل کوچانده شده اند. روستای ارتیان از توابع بخش حومه درگز است. جمعیت آنها سیصد نفر است.



زنان تیره باچوانلو در لباس محلی در کنار چادرهای ییلاقی در جلگه‌های درگز  
(عکس از کتاب حرکت کرده‌های خراسان، تألیف کلیم‌اله توجدی، چاپ مشهد)

## زعفرانلو در دوتانلو

قسمتی از ایل بزرگ زعفرانلو در زمان حکمرانی الله یارخان حاکم درگز بین سالهای (۱۲۷۰ - ۱۲۸۱ هـ. ق.) از قوچان به درگز کوچانده شده و در کنار روستا اتانلو اسکان یافته اند و آنها در آنجا روستای (دوتانلو) را ساخته اند و سکونت گزیده اند و طایفه گنج بیک هم از همین ایل بین روستاهای خیرآباد و گلخندان در دربندی (مرز ایران و شوروی) جا گرفته و در آنجا روستای (صفرقلعه) را ساخته و در آن روستا اقامت کرده اند. منظور از انتقال قسمتی از اکراد زعفرانلو به درگز پُر کردن مناطق خالی از سکنه مرزی بوده است. کار این طایفه کشاورزی و دامداری است.

## بریوانلو در پساکوه

کردان بریوانلو در نواحی بین مشهد و پساکوه در گز و کلات بصورت عشایری قشلاق و بیلاق می نمایند و از مراتع و جنگلهای اطراف سرخس، چهچه، پساکوه در گز و کلات استفاده می نمایند. \*

## چگنی یا چگنه لو در نوخندان

حدود بیست خانوار از اکراد چگنی یا چگنه لو که مرکز اصلی این ایل در چگنه یا چگنی سر ولایت نیشابور است در زمان قاجاریه به نوخندان انتقال و در

---

\*- میرنیا، سیدعلی، ایلها و طایفه‌های درگز، ج ۱، مشهد ۱۳۶۱، ص ۱۲.

آنجا اسکان یافته اند و به کار باغداری و مالرداری پرداخته اند. چگنی ها مردان رشید و کارآمد و فعال هستند. احمد وفادار قهرمان کشتی کشور از فرزندان این طایفه در نوخندان می باشد. این طایفه هم به کردی کرمانجی و ترکی و فارسی سخن می گویند.

### صوفیانلو در درونگر

طایفه کرد صوفیانلو از ایل جمشگزرک است که در زمان شاه عباس کبیر به سال ۱۱۰۱ هجری به مناطق مرزی درگز و در دره درونگر (مرز ترکمنستان) اسکان یافته اند. آنها در جای واگذاری شده روستاهای محمد تقی بیگ، دوست محمد بیگ، عوض محمد و محمد ولی بیگ را ساخته و سکنا گزیده اند. شغل آن طایفه کشاورزی و باغداری و دامداری است. کدخدای این طایفه ها در زمان نادرشاه شاهرودی بیگ صوفیانلو بوده که فرمانی در مورد انتصاب او به کدخدائی طایفه صوفیانلو به تاریخ ۱۷ شهر جمادی الاول ۱۱۵۰ هجری از طرف نادرشاه صادر شده و کلیشه متن فرمان در صفحه ۴۶۹ نادر نامه قدوسی از انتشارات انجمن ملی خراسان چاپ شده است. از معاریف سران این طایفه، مراد خان صوفی بوده است. این طایفه هم به کردی کرمانجی و به ترکی و فارسی صحبت می کنند. قشلاق و دامداران آنها زرین کوه و بیلاقشان جلگه های کوه علی بلاغ در کوه هزار مسجد است.

### طایفه های کرد در کلات

۱- طایفه بریوانلو - این طایفه چنانکه در ماده بریوانلو نوشته شد، در نواحی

بین مشهد و درگز و کلات بصورت عشایری قشلاق و بیلاق می نمایند و بیشتر سال را با دامهای خود در روستاهای لاین و خاکستر کلات سکونت دارند و دامداری می کنند.

۲- طایفه اردلان - از ایل بزرگ اردلان که در زمان سلطنت نادرشاه از نواحی کرمانشاه به خراسان کوچانده شده اند و در روستای (ینگجه) کلات اسکان یافته اند و به کار دامداری و کشاورزی اشتغال دارند. زبانشان کردی است و به فارسی و ترکی هم سخن می گویند و دیگر طایفه های، عرب گرلو و برزانلو هستند.

۳- طایفه شادلو - بیش از صد خانوار از سکنه چرم از کردان شادلو هستند.  
۴- طایفه بورانلو - از اکراد ایل بزرگ چمشگزک است که در زمان شاه عباس کبیر به سال ۱۰۱۱ هجری به مناطق شمالی خراسان (قوچان، درگز) انتقال یافته اند. این طایفه در روستای (خشت) کلات سکونت یافته اند و به دامداری و کشاورزی پرداخته اند. دیگر طایفه های کرد کلات عبارتند از: رشوانلو در خاکستر و لاین، و زیدانلو و صوفیانلو و شیخوانلو در یکه باغ و کریم آباد و کهلات و رباط و پلگرد و لائین کهنه و باجخورانلو و حاج آباد، و بروانلو نزدیک کاخک، کیوانلو در روستای چناری پائین، به وان در چهچه، کوم کیلانلو و شادلو در خاکستر و جوخورانلو در رباط لائین نو و در روستاهای احمد آباد، آبگرم، چناری بالا از طایفه های کرد زندگی می کنند.

۵- طایفه گوه شانلو - از ایل بزرگ زعفرانلو است که همزمان با انتقال ایل چمشگزک در روستای (خشت) کلات اسکان یافته اند و به دامداری و کشاورزی پرداخته اند. به این طایفه هوفشانلو نیز می گویند. این طایفه در زمستان در درگز بسر می برند.

۶- ترسانلو - طایفه ای از کردان ترسانلو در روستای دربند کلات سکونت دارند.



## طایفه بادلو در قوچان و درگز

کردان طایفه بادلو از ایل بزرگ چمشگزک است که به فرمان شاه عباس به سال ۱۰۱۱ هـ. ق. از جلگه ورامین به مناطق شمالی خراسان انتقال یافته اند. قسمتی همانطوریکه در ماده گلمکان نوشته شد در روستای گلمکان مشهد و قسمتی هم در روستاهای یام و فاروج قوچان و قسمت دیگر در نوخندان درگز سکونت دارند و به کار کشاورزی و دامداری مشغولند. زبانشان کردی است و به ترکی و فارسی هم صحبت می کنند. در کتاب رجال ایران\* آمده «حاتم خان بادلو از امراء این ایل در سال ۱۱۵۷ ق. به فرمان نادرشاه والی فارس بوده است». ایل های بادلو سیفکانلو و تیتکانلو و بیچرانلو از ایل بزرگ (کیکانلو) هستند.

## طایفه های دیگر کرد در درگز

- ۱- طایفه تورانلو Toranlo. کردهای توران در روستای برج قلعه از توابع دهستان باچوانلو بخش نوخندان که تورانلو هم می گویند زندگی می نمایند.
- ۲- طایفه های توپکانلو و پهلوانلو در روستای حسن آباد و خاخیان و کله کنده از توابع دهستان قراباشلو بخش چاپشلو و ۲۵ خانوار در حضرتسلطان اند.
- ۳- طایفه های کرد بیچرانلو در روستای حقوردی از توابع دهستان قراباشلو بخش چاپشلو و روستای داغدار و عباس آباد ساکن اند.
- ۴- طایفه خاخیانلو - حدود پنجاه خانوار از کردان طایفه خاخیانلو در روستای خاخیان ساکن اند و به کشاورزی و دامداری مشغول اند. این روستا تابع بخش نوخندان است.

---

\* - بامداد، مهدی، همان کتاب، ج ۱، ص ۳۰۱.

- ۵- طایفه خلانلو یا خلکان لو- این طایفه در حدود پنجاه خانوار هستند که در روستای خلانلو از توابع دهستان باچوانلو بخش نوخندان و همچنین در شهر نوخندان ساکن اند.
- ۶- طایفه های حمزه کانلو و بوانلو - در روستای شیوه یاشوی از توابع دهستان باچوانلو بخش نوخندان ساکن اند.
- ۷- طایفه قرچانلو - در قلعه حسن کدخدا از توابع دهستان درونگر بخش نوخندان ساکن اند.
- ۸- طایفه کپکانلو - در کپکان زیر کوه الله اکبر در گز ساکنند و به دامداری و کشاورزی مشغول اند.
- ۹- کوم کیلانلو - این طایفه در قلعه رحمانقلی از توابع دهستان درونگر بخش نوخندان ساکن اند.
- ۱۰- مامیانلو - به این طایفه کرد مامه دانلونیز می گویند. هفتاد خانوارند. در قلعه بهادرخان از توابع دهستان درونگر بخش نوخندان ساکن اند.
- ۱۱- گوه شانلو - به این طایفه کرد هوفشانلو و گاوه سیتانلو هم می گویند. به دامداری اشتغال دارند. در زمستان در در گز و روستای دوله شانلو و در تابستان در درّه های قوچان بسر می برند.\*

### کوچ نشینان کرد خراسان

چنانکه شرح داده شد اکثر طایفه های کرد شهرستانهای شمالی خراسان، در گز، قوچان، بجنورد، شیروان، باجگیران ساکنند و یا در حال نیمه کوچند و معدودی از طایفه های کرد شمال خراسان هنوز کوچ می کنند.

---

\*- قسمتی از این طایفه ها با استفاده از تحقیق آقای توحیدی در جلد ۲ حرکت تاریخی کرد در خراسان چاپ ۱۳۶۴ ثبت شد.

آقای دکتر حسین پاپلی یزدی در مورد کردن کوچ نشین شمال خراسان در سال ۱۳۵۷ تحقیقی ارزنده بعمل آورده و نتیجه تحقیقات خود را چنین شرح داده است:

«... در تابلو زیر اسم طایفه‌هایی را که در سال ۱۳۵۷ کوچ می‌کرده‌اند می‌آوریم:

۱- توپکانلو (بخشی از توپکانلو) خارج از محدوده شمال خراسان هستند (بطرف سبزوار).

۲- بروانلو

۳- قهرمانلو

۴- ورانلو

۵- باژکانلو (باج کانلو، باجیانلو)

۶- ملانلو

۷- رودکانلو

۸- بریمانلو

۹- کاوانلو (کاوکانلو)

۱۰- قاجکانلو

۱۱- عمرانلو (عمارلو)

۱۲- بادلانلو

۱۳- هیزلانلو

۱۴- کردهشت مرخی

۱۵- شرانلو

۱۶- ملایان (منطقه اسفراین)

۱۷- رشوانلو (منطقه اسفراین)

به علاوه این ۱۷ گروه کرد (۱۵ گروه در خراسان شمالی و ۲ گروه در خارج از این محدوده) یک طایفه بلوچ عبارتست از ۲ محله و ۱۷ خانوار در شمال

خراسان می زیسته اند.

بعضی از طایفه‌ها، خود به گروه‌های (نیمه طایفه - ربع طایفه) چندی تقسیم می‌شود. مثلاً توپکانلوها به شاخه‌های زیر تقسیم می‌شوند.

۱- نوز

۲- کرکانلو

۳- سمکانلو

۴- آلو

۵- کنو

۶- موسی‌خانی و یا فرهادی

۷- عاشق

۸- آقا محمدی

۹- محمدی

قهرمانلو

۱- قهرمانلو

۲- گولوانلو\*

### جمعیت کردان شهرستان شمالی خراسان

تاکنون آمار دقیق و صحیح طایفه‌های کرد شهرستانهای شمالی خراسان به دست نیامده زیرا موقع سرشماری یا جزء ساکنین شهرها و روستاها با دیگران بحساب آمده یا در حال کوچ بوده‌اند و اصلاً سرشماری نشده‌اند و چنانچه ارقامی از جمعیت کردان خراسان در برخی منابع ذکر شده تقریبی و یا بر اساس

---

\*- پاپلی یزدی، محمد حسین، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی شماره مسلسل ۶۵

سال ۱۷- بهار سال ۱۳۶۳ (مقاله) ص ۷- ۸.

احتساب تبدیل شده خانواری است.

در اولین سرشماری آماری بعد از انقلاب مشروطیت در خراسان برای جمعیت ایلی این استان ارقام زیر ذکر شده است.

۴۷۶۰ نفر	ایل های کرد چناران
۱۶۲۰۰ نفر	ایل های کرد شیروان
۲۰۴۰ نفر	ایل های کرد جیلان
۱۱۷۰ نفر	ایل های کرد کام کانلو (قوچان)
۷۹۰ نفر	ایل های کرد بیجرانلو (قوچان)
۱۳۲۰ نفر	ایل های کرد صندوقلو (قوچان)
۵۷۹۰ نفر	سایر مناطق
۱۶۲۰ نفر	جیرستان
۴۱۶۰ نفر	قوشخانه
۵۵۰۰ نفر	گیفان
۴۳۳۵۰ نفر *	جمع

### آمار چادر نشینان کرد

دکتر محمد حسین پاپلی یزدی، در سال ۱۳۵۷ دست به یک آمارگیری نمونه ای زد، و نتیجه حاصل را حداقل  $\frac{1}{2}$  برابر آمار رسمی دانسته است. وی می نویسد:

«... کلیه محلات بهاره چادر نشینان را در سال ۱۳۵۷ دقیقاً شمارش کرده

\*- همو، همان مجله و مقاله ص ۹ - ۱۰ به نقل از—

است...»

تابلو زیر تعداد محلات بهاره هر طایفه ایل را در سال ۱۳۵۷ نشان می‌دهد.

شماره محلات بهاری - تابستانی	اسم ایل (طایفه) کرد
۸۳	۱- توپکانلو
۶۰	۲- بروانلو
۴۴	۳- قهرمانلو
۳۵	۴- ورانلو
۳۱	۵- باج کانلو
۲۸	۶- ملانلو (میلانلو)
۲۰	۷- زرد کانلو
۱۶	۸- بریمانلو
۱۰	۹- کاوانلو
۹	۱۰- قاچ کانلو
۵	۱۱- عمرانلو (عمارلو)
۴	۱۲- کرد - هشت مرخی
۴	۱۳- بادلانلو
۳	۱۴- هینرانلو
؟	۱۵- شرانلو
—	—
۳۵۲	جمع

در جمع، در بهار و تابستان ۱۳۵۷ در شمال خراسان ۳۵۲ محله کوچ نشین کرد وجود داشته است.

... محلات نیمه کوچ نشینان در اینجا بحساب نیامده است. وی اضافه می نماید:

« ۵۹ محله از ۳۵۲ محله کرد را از نظر تعداد خانوار بطور دقیق آمارگیری

نموده است. »

تابلو زیر نتایج بدست آمده را نشان می دهد.

تعداد محلات	تعداد خانوار	اسم طایفه
سرشماری شده		

۲۱	۳	۱- توپکانلو
۱۲۹	۳۰	۲- قهرمانلو
۵۹	۹	۳- باج کانلو
۸۶	۶	۴- کاوانلو
۲۳	۴	۵- هشت مرخی
۳۲	۳	۶- هینرلانلو
۳۱	۴	۷- بادلانلو

۳۹۱	۵۹	جمع
-----	----	-----

\* در ۵۹ محله بهاره ۳۹۱ خانوار زندگی می کرده اند. در حقیقت بطور

متوسط در هر محله ۶/۶ خانوار.

بر مبنای این متوسط در سال ۱۳۵۷ در مجموع ۲۳۲۳ خانوار کرد کوچ

نشین در شمال خراسان می زیسته اند.

\*- همو، همان مجله و مقاله ص ۱۵- ۱۶.

## آمار دام کوچ نشینان کرد خراسان و مراتع آنان (۱۳۶۷)

### ۱- ورنلو

تعداد گله گوسفند - ۱۴۰ گله

بیلاق - رشته کوه بینالود، آخلومد

قشلاق - سرخس (مزدوران) شورلق، گنبدلی، خان گیران

### ۲- زیدری ها «شادلو»

تعداد گوسفند - ۱۵ گله

بیلاق - دامنه کوه تلو

قشلاق - ۱- اطراف پالوازه

۲- کرانه کشف رود

۳- درگز

۴- پل مزدورانی سرخس

### ۳- قوشخانه ها «مختلف»

تعداد گله گوسفند - ۱۳ گله

بیلاق - کوهستان هایی مرزی قوشخانه

قشلاق - ۱- شمال مراوه تپه

۲- منطقه هجی

### ۴- جیرستانی ها «میلانلو و غیره»

تعداد گوسفند - ۱۲ گله

بیلاق - کوههای مرزی جیرستان

قشلاق - هفت چال بین مراوه تپه و نازلی



۵- بیچرانلویها «نامانلو، تورانلو، زیندانلو»

تعداد گله گوسفند - ۴۷ گله

بیلاق - کوه سنجر بگ - کوه گلیل

قشلاق - پالوزانه - داد قزوین - پاشایولی - نارلی آی تمور - قزل آقاج

۶- بردریها «بچرانلو»

تعداد گوسفند - ۸ گله

بیلاق - نواحی درگز

قشلاق - کوههای مرزی بردر

۷- کهنه اوغازی (سیوکانلو)

تعداد گله گوسفند - ۳ گله

بیلاق - کوه بالاخانه، دره باسز

قشلاق - جرگلان، آیری قایه، بچه دره

۸- اوغارتی «سیوکانلو»

تعداد گوسفند - ۴ گله

بیلاق - ۱- آرموتلی

۲- بیر

۳- قشمار

۴- چگینه، زیلان

قشلاق - دره جرگلان - بالوزانه - دادقزوین - بلان آب شیرین - نارلی

۹- اولاشلو (سیوکانلو)

تعداد گوسفند - ۲ گله

بیلاق - ۱- آرموتلی

۲- درّه اولاشلو

قشلاق - پایین تر از نارلی - آب شیرین قزلجه - ابوساری

۱۰- بوانلو «سیو کانلو»

تعداد گوسفند - ۱۶ گله

بیلاق - درّه بردر - پتله گاه - چه مه رقه

قشلاق - ۱- شمال مراوه تپه

۲- قره قواخ

۳- نارلی

۴- پلان

۵- قزلجه

۶- دو چنگ

۱۱- قاچکانلو «دویست خانوار کوچ نشین»

تعداد گله گوسفند - ۲۰ گله

بیلاق - ۱- کوههای شمال شرقی قوچان

بین محله های بچرانلو و بریوانلو در کوه هزار مسجد

قشلاق

۱- درگز

۲- لاین

۱۲- بریوانلو

تعداد گوسفند - ۱۵ گله

بیلاق - نواحی درگز و کلات (کوه های هزار مسجد)  
قشلاق - سرخس (چهچه) پسا کوه

### ۱۳- باچوانلو (اطراف قوچان)

تعداد گله گوسفند - ۱۴ گله

بیلاق - ۱- کوههای عمارت

۲- هزار مسجد

۳- شمال قوچان

۴- اطراف دولتخانه

قشلاق

۱- دشت کوران

۲- آق توقه در شمال شرقی گنبد کاووس

### ۱۴- توپکانلو

تعداد گوسفند - ۱۴۵ گله

بیلاق - کوه محمد بیگ قوچان، کلیدر، آخلومد، بینالود، عبدالله گیو،

کلیدر، آرموتلی (صفکانلو)

قشلاق - جنوب سبزوار و شاهرود، کانال شور، سودخر، کال ابریشم، آق

دربند، سرخس، چکودر، کال مانی، مانه.

### ۱۵- دوتان لو

تعداد گوسفند - ۱۲ گله

بیلاق - ۱- کوه آرموتلی

۲- اطراف روستای حمزه کانلو

قشلاق - ۱- دشت کوران

۲- ساحل رودخانه سومار (اترک)

۱۶- کاویانلو (معروف به کاروانلو)

تعداد گله گوسفند - ۲ گله

یلاق - ۱- کوههای آرموتلی

۲- کوه کیسمار

۳- اطراف اسپجیر

۴- آق توقه

۵- انوساری

قشلاق

۱- شمال شرقی گنبد کاووس

۲- نواحی کوران

۱۷- شرانلو

تعداد گله گوسفند - ۱۲ گله

یلاق - اطراف دولتخانه، شمال قوچان

قشلاق -

۱- نارلی

۲- کوران

۱۸- قرامانلو (مایوانلو، ئیکانلو، شاد کانلو، هشت مرخی)

تعداد گله گوسفند - ۴ گله

یلاق - شاه جهان (شرق اسفراین و جنوب شیروان) گلیان، هشت مرخ

قشلاق - ساری فمش، بالوزانه، نارلی، کوران، مراوه، چات، اینچه برون،

جنوب سبزوار، جوین، کال شور.

۱۹- ترانلو

تعداد گله گوسفند (با بیچرانلوهها مخلوط است)

بیلاق - ۱- کوه سنجریگ

۲- دره ترانلو

قشلاق - ۱- بسته لی

۲- خالق بنی

۳- شمال مراوه تپه

۴- قره آقاج

۲۰- تاوانلو (جیرستان)

تعداد گله گوسفند - ؟

بیلاق - گلیل

قشلاق - باشایولی، قره قواخ، نارلی.

۲۱- دوتانلو

تعداد گله؟

بیلاق - آرموتلی (حمزه کانلو)

قشلاق - نارلی، کوردن، ابوساری، یای دره

۲۲- باچیانلو

تعداد گله؟

بیلاق - رشته کوه های عمات قوچان - رشته کوه های شاه جهان

قشلاق - نالی، که وران، یای دره، ابوساری، کوران، شلمی، یکه چنار، نالی

ناران، مراوه، کرانه جنوبی رود اترک

۲۳ - میلیانلو

تعداد گله؟

بیلاق - رشته کوه شاه جهان، تخت میرزا

قشلاق - مراوه تپه، کرانه جنوبی رود اترک، اینچه برون

۲۴ - نامانلو

تعداد گله؟

بیلاق - گلیل

قشلاق - نارلی

۲۵ - عمارلو

تعداد گله؟

بیلاق - کوه کاربین اوغاز و سکه ( چشمه حاتم خان )

قشلاق - مراوه تپه ( کرانه رود اترک )

۲۶ - گووگانلو و بیواره

تعداد گله؟

بیلاق - گروگانلو، بیواره، خرسکانلو

قشلاق - بیکه چنار، نالی، ناران، مراوه تپه.

۲۷ - شیخکانلو

تعداد گله؟

بیلاق - هزارمسجد (اولنگ شاهی)، بینالود

قشلاق - لاین، سنگ دیوار، کلات.

۲۸- صوفیا نلووزیدانلو

تعداد گله گوسفند - ؟

بیلاق - هزار مسجد (اولنگ شاهی)

قشلاق - لاین، گرناوه، یلگرد

۲۹- ورانلو

تعداد گله گوسفند - ۱۴۰ گله

بیلاق -

۱- رشته کوه بینالود

۲- اطراف اخلومد

قشلاق - سرخس

۳۰- هیزولانلو (کوهستانلوها)

تعداد گله گوسفند - ۱۵ گله

بیلاق -

۱- آرموتلی ●

۲- کوه کیسمار

قشلاق -

۱- نارلی

۲- تاقری گر

۳- تائی که واران.

۳۱- گولیان لو

بیلاق - در اطراف بجنورد و رشته کوههای آلاداغ هستند.

قشلاق - مراوه تپه، ساحل رود اترک.\*

مؤلف شرفنامه، می نویسد:

شاه طهماسب اول به ایل های، سیاه منصور، چگنی، زنگنه، که از ایل های عمده کردان ایران است، در نواحی مختلف ایرانند (بشرح زیر) امارت و الکا داد.

۱- سیاه منصور، در زنجان (سلطانیه)، ابهر، زرین کمر، سپس خراسان،

اسفراین، بست

۲- چگنی در خراسان، قوچان، سرو لایت (نیشابور) مرو، غیره

۳- زنگنه، در زاده، خواف (خراسانی)\*

زعفرانلو یا چشم گزک (۲) سه شعبه اند، عملکرد، برتک، سقمان\*

کردان لر، از شعب بزرگ کرد محسوب شده و به چهار قسمت مهم تقسیم

می گردد:

۱- کو کیلویی (که کیلویی) ۲- ماماسانی ۳- بختیاری ۴- لک

۹- ایل حیدرانلو، در دودمانلو، زیوه، مسکن آباد.

۷- کردان، شاطرانلو، کلو کجانلو، از ایل شقاقی (شکاک) در خلخال

---

\*- نقل به اختصار، از توحیدی، حرکت تاریخی کرد، ج ۲ و ذخایر انقلاب شماره ۶

مقاله توحیدی «دگرگونی مراتع عشایر کرد خراسان...» ص ۹۷.

\*- بدلیسی، امیرشرفخان، شرفنامه، نشر علمی، تهران، ۱۳۴۳

\*- بدلیسی، شرفنامه، علمی، تهران - ۱۳۴۳





بخش پنجم

کردان مناطق دیگر ایران



## بخش پنجم

### طایفه‌های کرد مناطق دیگر ایران

مناطق عمده کردنشین ایران غیر از خراسان عبارت است از:

۱- ایل‌ها و طایفه‌های کرد باختران (کرمانشاهان)

۲- ایل‌ها و طایفه‌های کرد کردستان

۳- ایل‌ها و طایفه‌های کرد آذربایجان غربی

۴- ایل‌ها و طایفه‌های کرد ایلام (پشتکوه)

و در نقاط دیگر نیز گروه‌های کرد وجود دارند که از لحاظ تعداد زیاد

نیستند.

### ایل‌ها و طایفه‌های کرد باختران

ایل‌ها و طایفه‌های کرد باختران که از مناطق مهم کردنشین ایران است چنین

است:

## ۱- ایل سنجابی

۲- ایل جوانرودی - شامل طایفه رستم بیگی است و در دهستان جوانرودی سکونت دارند.

۳- ایل ثلاث - شامل طایفه های قبادی، ولد بیگی و باباخانی، ولد بیگی در روانسر جنوب غربی جوانرود و جنوب باینگان ساکن اند و قشلاق آنها در سر قلعه قرار دارد.

۴- باباخانی - در دهستانی به همین نام ساکن هستند و به کشاورزی و دامداری می پردازند.

۵- ایل کلهر،

۶- ایل گوران

۷- ایل قبادی

۸- ایل کزند

۹- ایل قلخانی

## ۱- ایل سنجابی

ایل سنجابی از ایل ها مهم باختران (کرمانشاهان) است، که بخشی از آنان که از طایفه های کرد و لر، فارس بوده اند، در زمان نادرشاه از حدود فارس به این منطقه کوچانده شده اند عبارتند از:

چاولاوی، برخوردار، خدامروت و الله یار خانی، در این کوچ تیره های: عباسوند، دولتمند، دستجه، مجریلان، دارخوار، رهبروند، بیوه جشنیان نیز همراه خوانین مذکور بوده اند.

عده ای نیز از حدود غربی = مرزهای کنونی ایران (کردستان عراق) به این ناحیه آمده اند. ایشان را دالیان گویند و عبارتند از: تیره های، صوفی خسرو، علی ولی، کل کل، کاکا و نظکه.

بخشی از این ایل نیز از نواحی مختلف لرستان مهاجرت کرده اند و عبارتند از تیره های:

سیمین وند، جلیل وند، سرخکی، سرخاوند، باخی و حیران وند، که مجموعاً به نام خرده دسته معروف شده اند\*

ایل سنجابی در جلگه حاصلخیز ماهی دشت و روستاهای دهستان سنجابی از توابع اسلام آباد (شاه آباد غرب) در غرب باختران زندگی می کنند. بیلاق، دامداران ایل سنجابی ذهاب و مرز ایران و عراق. قشلاق، از قصر شیرین تا نزدیکی خانقین و قزل رباط و نفت شاه. جمعیت ایل سنجابی - در سال ۱۳۴۲ خورشیدی - ۲۷۲۰ خانوار جمعیت طبق نوشته مردوخ - در سال ۱۳۵۱ خورشیدی - ۲۵۰۰ خانوار جمعیت طبق برآورد سازمان امور عشایری - در سال ۱۳۶۰ خورشیدی - ۴۷۲ خانوار صرفاً کوچرو. بیلاق ایل سنجابی ماهی دشت دهستان سنجابی و اسلام آباد و قشلاق آنها ناحیه قصر شیرین تا نزدیکی خانقین است.

### ایل کلهر

ایل کلهر از ایل های بزرگ غرب کشور است، قسمت اعظم این ایل در این استان ساکن شده اند: سرپل ذهاب و دهستانهای، قلعه شاهی و بشیوه زندگی می کنند و بیلاق و قشلاق می نمایند، تنها بخش کوچکی به منطقه مهران و دهلران در ایلام کوچ می کنند.

تیره های ایل کلهر عبارتند از:

خالدی، شیبانی، سیاسیا، کاظم خانی، تلش، خمان، کرگا، قوچمی، هارون آبادی، منصوری، کله جوب، الوندی، مامی دشتی، بداغ بیکی، زینل خانی،

---

\*- افشار سیستانی، ایرج، چادر نشینان و طایفه های عشایری ایران، مؤلف، تهران ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۶۳.

شاهینی، موش گیر، کمر.\*

دامداران کلهر، زمستان را در خانه ای روستائی و تابستان را در مراتع سبز و خرم پیرامون روستاهای خود زیر سیاه چادر به سر می‌برند.

جمعیت ایل کلهر طبق برآورد سازمان ملی یونسکو در سال ۱۳۴۲ خورشیدی، ۱۳۰۰ خانوار

جمعیت ایل کلهر طبق برآورد مردوخ در سال ۱۳۵۱ خورشیدی ۱۰۰۰۰ خانوار

جمعیت ایل کلهر طبق برآورد غلامرضا معصومی در سال ۱۳۵۴ خورشیدی، ۱۰۰۰۰۰ خانوار

جمعیت ایل کلهر طبق برآورد سازمان امور عشایر در سال ۱۳۶۰ خورشیدی ۱۲۶۴ خانوار صرفاً کوچرو

براساس گزارش سال ۱۳۶۲ سازمان امور عشایر، ایل کلهر داری ۳۱ تیره به شرح زیر است:

قوچه ای، چله ای، جلوگیر، مؤمنی، روتوند، علیرضاوند، پاپیران، کله پا، کرگاه، شیرزادی، عبدالمحمدی، سید تازه، برگه، چوپانکاره ساشمیدان، سید محمدی، سلمان، زینل خانی، رضائی، ریزه وند، کرم پناه آباد، میرعزیزی، سیاه سیاه یا غلامی، صالحه، صیادان، کریبان، رجب، مغیره، گله دار، فرخی.\*

مردم ایل کلهر به کشاورزی و دام داری اشتغال دارند. صنایع دستی آنان، فرش، جاجیم، دستکش و جوارب پشمی است.

### ۳- ایل گوران

ایل گوران، در دهستان گورانی اسلام آباد غرب (شاه آباد)، روستاهای

\*- کیهان، مسعود، جغرافیای مفصل ایران، جلد ۲، ص ۶۱-۶۲.

\*- افشار سیستانی، ایرج، چادرنشینان و طایفه‌های عشایری ایران، ج ۱، ص ۲۸۹.

اطراف آن زندگی می کنند، ایل گورانی دو قسمت اند:  
زنجاری، کزندی.

طایفه زنجاری در گاهواره سکونت دارند. ایل گوران، دارای چهار تیره  
است: حیدری، چوپانکاره، بیویچ (بیوهینچ) و تفنگچی.

جمعیت ایل گورانی طبق برآورد سازمان ملی یونسکو در سال ۱۳۴۲  
خورشیدی ۵۰۰ خانوار

جمعیت ایل گورانی طبق برآورد مردوخ در سال ۱۳۵۱ خورشیدی  
۶۰۰۰ خانوار

جمعیت ایل گورانی طبق برآورد سازمان امور عشایری در سال ۱۳۶۰  
خورشیدی ۵۴۴ خانوار کوچرو

بیلاق - مناطق گاهواره، قلعه قاضی، ذهاب، سیوانه و تفنگچی، ماشار  
قشلاق - تنگ حمام، ذهاب، و جیگران است.

#### ۴- ایل قبادی

این ایل از سرزمین عثمانی بوسیله امیر تیمور گورکانی به ایران انتقال یافته است،  
مردم آن به کشاورزی و دام داری اشتغال دارند.  
بیلاق آنها، بی نهر و قشلاقشان، از کله می باشد.



جمعیت در سال ۱۳۵۱ حدود ۸۰۰ خانوار بوده اند\*  
تیره های ایل قبادی عبارتند از:  
تنگ ازدها، بازانی، بیگ زاده، میرکی، تخته، زلانی\*

#### ۵- ایل چوپانکاره (شبانکاره)

ایل چوپانکاره بیشترشان در اطراف قلعه قاضی ساکن شده اند به طایفه های زیر تقسیم می شوند:

- ۱- حیدری - بین سیاوانه در شمال کردند و تنگ ذهاب
- ۲- تفنگچی - در شمال دهستان گوران تخته قاپو شده اند
- ۳- قلخانی - امروز به صورت ایل مستقل در آمده و در دهستانی به همین نام در شمال بخش کردند سکونت دارند.

#### ۶- ایل باباخانی

ایل ایل تخته قاپو شده اند  
ایل باباخانی دارای دو تیره است: بیگ زاده، زمکانی.  
مردم ایل باباخانی به کشاورزی و دامداری مشغولند. صنایع دستی آنها، قالی، جاجیم و گلیم می باشد.  
جمعیت آنها در سال ۱۳۴۲ خورشیدی دارای ۲۰۱۵ خانوار بوده اند و بر اساس گزارش سازمان امور عشایر در سال ۱۳۶۰ دارای ۶۰ خانوار (۳۴۳ نفر) صرفاً کوچرو بوده است.

---

\*- مجموعه اطلاعات و آمار ایل ها و طایفه های عشایری ایران، ص ۲۸.  
\*- ایران شهر، ج ۱، ص ۱۳۵.

## ۷- ایل ولد بیگی

مردم این ایل تخته قاپو شده اند. به زراعت و دام داری امر از معاش می نمایند. بیلاق آنها - دولت آباد و قشلاقشان پاووسی است. ایل ولد بیگی دارای تیره های ذیل است:

خلوان، کلکه، رشید، دله ژیری، دورویی، درویشی، علی آقایی.

## ۸- ایل گرند

این ایل در نواحی گرند (غرب باختران) سکونت دارند و دارای تیره های: شکر الله خانی، سیهانی، کلاه پهن، حبیب وند، باباخانی، جاف، تولابی، وجوزگه، هستند.

جمعیت ایل گرند در سال ۱۳۱۵ خورشیدی ۳۰۰۰ خانوار. بر اساس آمار سازمان امور عشایر در سال ۱۳۶۰ خورشیدی ۳۱۲ خانوار (۲۰۹۷ نفر) کوچرو داشته است.\*

## ۹- ایل قلخانی

ایل قلخانی دارای تیره های زیر است:

ملکی، بارولی، دیو که؛ سیر آواره، دنگی، پشت مال، نجفی، سبزه،

\* افشار سیستانی، ایرج، چادر نشینان و طایفه های عشایری ایران، ص ۳۰۷.

ویستعلی، رستم، بزیر آباد، بچه ها لی، آینه وند، قلعه زنجیر، قری، قرکه.  
جمعیت ایل در سال ۱۳۱۱ خورشیدی ۳۰۰۰ خانوار بوده اند و در سال ۱۳۶۰  
کوچرو ایل ۸۸۳ خانوار شامل ۶۷۶۴ نفر بوده است.

### ۱- ایل ذوله

این ایل دارای تیره های زیر است:  
خالوندی، کلونندی، سیاخ، کل کل (رحیمی)، شه نظری، باقری، زنگنه.  
جمعیت ایل در سال ۱۳۶۰ خورشیدی، ۱۷۳ خانوار (۱۰۳۸ نفر) کوچرو  
بوده است.

### ۲- ایل ترکاشوند

این ایل در سال ۱۳۶۰ خورشیدی دارای تیره های، ملیجانی و رحمتی بوده  
که ۱۸۲ خانوار (۱۲۸۲ نفر) کوچرو داشته اند.

### ۳- ایل جمیر

این ایل بین همدان و باختران سکونت دارند و شعبه ای از لک و نژاد لر هستند.  
در حال حاضر تیره های آن عبارتند از:  
برادی، گومه ای، عبداللهی، شاه ویسی.  
در سال ۱۳۶۰ خورشیدی دارای ۸۳ خانوار (۴۶۲ نفر) کوچرو داشته اند

### ۴- ایل بالوند (زردلان)

این ایل از هفت تیره، درویش ها، خفلوند، اولادها، کشوند، بالوند،  
پیراحمد وند و کلهر تشکیل شده است.

جمعیت آن در سال ۱۳۱۱ خورشیدی ۳۰۰ خانوار و در سال ۱۳۶۰ خورشیدی ۳۰۶ خانوار (۱۹۳۶ نفر) کوچرو بوده است.\*

#### ۵- ایل بان زرده

این ایل از هشت تیره زیر تشکیل شده است:

ژالکه، گوش کوری، قلقله، زرده، دارا، ابود وحانه، کانی کلوانی و سید

محمد.

جمعیت این ایل در سال ۱۳۶۰ دارای ۲۲۰ خانوار شامل ۱۶۸۵ نفر کوچرو

بوده است.

#### ایل‌ها و طایفه‌های کرد ایلام

ایلام یا پشتکوه از مناطق تمرکز ایل‌های کرد است. مناطق زیست ایل‌های این استان، آبدانان، زرین آباد، و قسمت‌هایی از دهلران و موسیان و مهران است.

طایفه‌های کرد ایلام عبارتند از:

۱- طایفه مراد خانی - این طایفه در بخش زرین آباد از توابع دهلران زندگی می‌کنند، برخی از تیره‌های آن عبارتند از، شهریاروند، جابره‌وند، ممسی‌وند، ناصرعلی، ایل بیگی («= عالی بیگی»)

۲- طایفه شکر بیگی - این طایفه نیز در زرین آباد و بخش‌های تابعه شهرستان دهلران سکونت دارند، عموماً تخته‌قاپو گردیده‌اند، به زراعت و دام‌داری مشغول‌اند. این طایفه از تعدادی تیره تشکیل گردیده که بعضی از آنها از

---

\*- جغرافیای کیهان، ج ۲، ص ۶۱ و مجموعه اطلاعات و آمار، ص ۲۸ و افشار

سیستانی ج ۱، ص ۳۰۸.

این قرارند، دستی، قیطولی، بازگیر، یاسی.

۳- طایفه سلیمان خانی - در بخش آبدانان، زرین آباد، زندگی می کنند، و از راه زراعت و فلاح، امرار معاش می نمایند و دارای تیره های زرگوش، ممسی وند، مال ملایی و غیره می باشد.

۴- طایفه دیناروند - این طایفه در حدود یکصد خانوار و بیشتر پراکنده اند، مرکز اصلی این طایفه دال سری و دینار کوه است.

#### ۵- کاید خورده - (= قاید خورده)

در حدود یکصد و پنجاه خانوار و بیشتر می باشند، محل سکونت آنان بخش حومه دهلران است. \*»

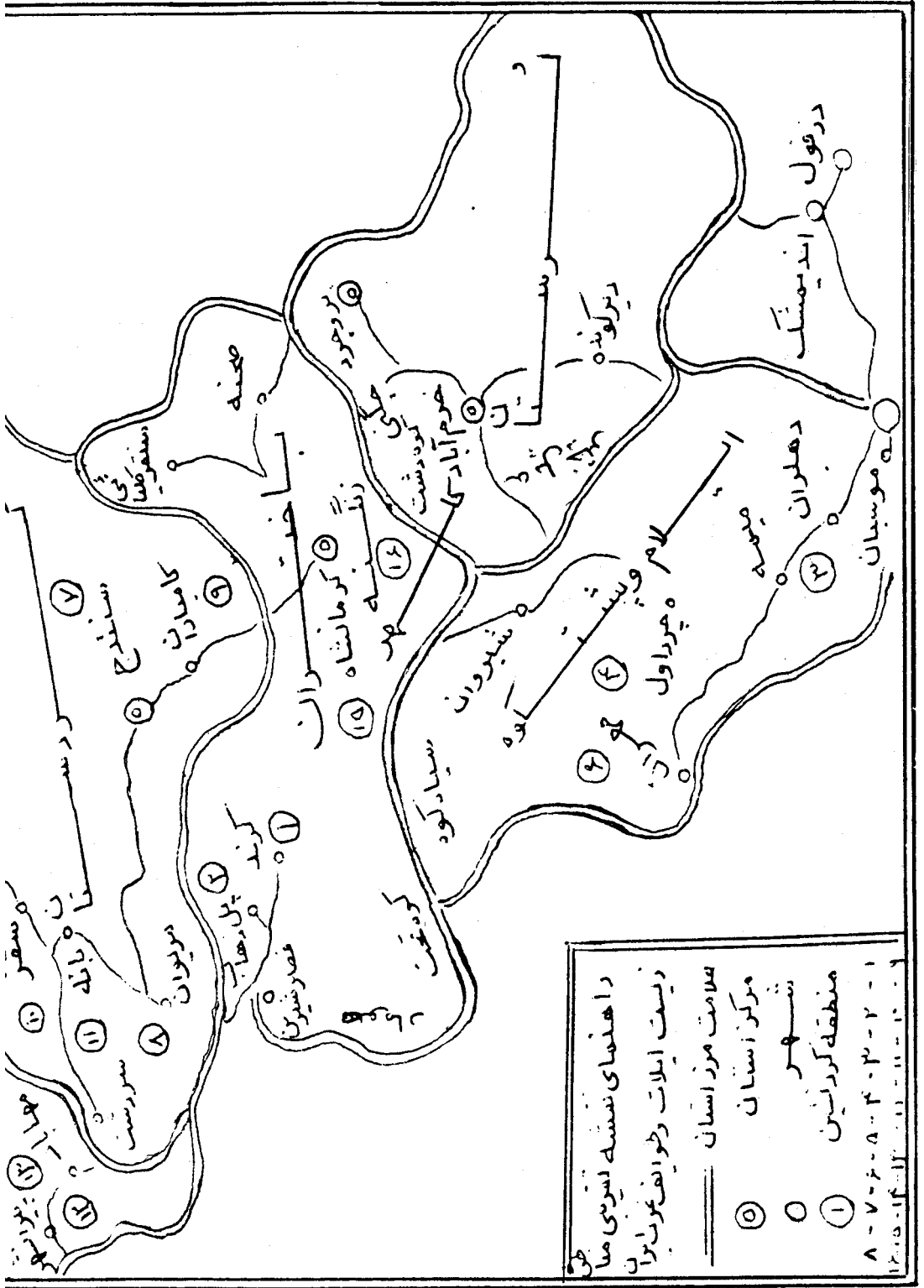
بنابر سرشماری ۱۳۶۴ مرکز آمار ایران، بیشترین دام کشور متعلق به «لرها» در مناطق لرنشین کشور می باشد. (لر بزرگ کهگیلویه یا بختیاری و لر کوچک، پیش کوه، پشتکوه، خرم آباد، ایلام).

جمعیت کل لُرهای کوچ رو ایران. بیش از یکصد و ده هزار خانوار است که نزدیک به پنجاه و نه درصد از کل عشایر کوچنده را تشکیل می دهند. این اقوام با حدود پانزده میلیون رأس دام تقریباً ۶۳ درصد کل دام کشور را در اختیار دارند.

حدّ متوسط دام خانوارهای کوچ رو لُر ایران یکصد و سی و شش رأس است. که یازده رأس از متوسط کل دام خانوارهای کوچ رو سراسر کشور

---

\*- افشار سیستانی، ایرج، نگاهی به ایلام، نشر هنر، تهران ۱۳۶۶، ص ۱۲۳.



راه‌نمای نقشه تهرینی مازندران  
 دست ایلات و طوایف مازندران  
 علامت مرکز استان  
 شهر  
 منطقه گردن  
 ۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱

## ایل‌ها و طایفه‌های کردستان

ایل‌ها و طایفه‌های مهم کردستان بشرح زیر است:

### ۱- ایل گلباغی،

مردم این ایل عموماً تخته‌قاپو شده‌اند و در پیرامون روستاهای: کیله کرو، گنل، مره در، چنجره، ابراهیم آباد، کرسی عمر، زرینه. زندگی می‌کنند و دامداران آنها در همین حدود بیلاق و قشلاق می‌نمایند. این ایل از طایفه‌های، قلقالی، جوجه رشی، کاملی، مراد گورانی، وسندولی تشکیل یافته و به کشاورزی و دامداری اشتغال دارند.

جمعیت ایل گلباغی طبق نوشته کیهان

در سال ۱۳۱۱ خورشیدن و احتساب آن در سال ۱۳۱۵ ۵۰۰ خانوار

جمعیت ایل طبق نوشته مردوخ کردستانی

در سال ۱۳۵۱ خورشیدی ۲۰۰۰ خانوار

جمعیت ایل بر اساس گزارش سازمان

امور عشایر در سال ۱۳۶۰ خورشیدی ۳۷۵ خانوار

(۱۸۶۷۹ نفر)

### ۲- ایل جاف

مردم این ایل در اطراف روستاهای محل سکونت خود، خرخره، سرشیو، جوانرود، اسفند آباد، فرخ‌لر و غیره زندگی و بیلاق و قشلاق می‌کنند.

---

\* - صفی نژاد، جواد، فصلنامه ذخایر انقلاب شماره ۲، سال ۶۷. مقاله اقتصاد

کشاورزی عشایر ص ۴.

طایفه‌های ایل جاف عبارتند از:

میکائیلی، شاکری، گلالی، رخ زادی، اسماعیل عزیزی، شیخ اسماعیلی، هارونی، کمالی، باشوگی، مندمی، قبادی، ولدییگی، ایناخی، کلاشی و ترخانی. مردم این ایل به کشاورزی و دامداری اشتغال دارند. جمعیت این ایل در سال ۱۳۲۴ خورشیدی ۶۳۸۰ خانوار و در سال ۱۳۵۱ خورشیدی ۱۲۰۰۰ خانوار بوده است.\*

## کردان منطقه اورامانات

### ۱- طایفه بهرام بیگی

این طایفه، در دزلی و چم شامان است و به بیلاق و قشلاق نمی‌روند و از طریق کشاورزی و دام پروری امرار معاش می‌نمایند. صنایع دستی آنها، گلیم و شال و جاجیم بافی است. جمعیت آن طایفه در سال ۱۳۴۲ خورشیدی حدود ۱۰۰۰ خانوار بوده است.

### ۲- طایفه حسن خانی

این طایفه جزو عشایر منطقه اورامان تخت می‌باشد و به دام داری اشتغال دارند، صنایع دستی آنها گلیم و شال و جاجیم بافی است و در سال ۱۳۴۲ خورشیدی ۸۰۰ خانوار جمعیت داشته است.

### ۳- طایفه مصطفی سلطانی

این طایفه در جنوب اورامان سکونت دارند و به کشاورزی و دام داری اشتغال دارند، صنایع دستی آنها، گلیم و جاجیم و شال بافی است و در سال ۱۳۴۲

---

\* - افشار سیستانی، ایرج، همان کتاب، ص ۲۴۸.



خورشیدی حدود ۱۲۰۰ خانوار جمعیت داشته است.

#### ۴- طایفه فتحعلی بیگی

این طایفه تخته قاپو شده و از راه کشاورزی امرار معاش می نمایند و جمعیت آنها در سال ۱۳۴۲ خورشیدی حدود ۳۸۰ خانوار بوده است.

#### ۵- طایفه میران بیگی

این طایفه هم تخته قاپو شده و از راه کشاورزی زندگی می کنند. صنایع دستی آنها، گلیم، جاجیم، شال بافی است. جمعیت آنها در سال ۱۳۴۲ خورشیدی ۱۵۰ خانوار بوده است.\*

#### ۶- طایفه کهنه پوش

این طایفه ساکن در شمال مریوان هستند. به کشاورزی و دام داری اشتغال دارند و جمعیت آنها در سال ۱۳۴۲ خورشیدی حدود ۲۰۰ خانوار بوده. صنایع دستی، گلیم و جاجیم و شال بافی می باشند.

#### ۷- طایفه گانی سانی

این طایفه در مریوان ساکن و تخته قاپو شده اند و به کشاورزی اشتغال دارند. صنایع دستی این طایفه، گلیم و جاجیم و شال بافی است و در سال ۱۳۴۲ خورشیدی ۴۰۰ خانوار جمعیت داشته اند.

#### کردان منطقه سنندج

#### ۱- طایفه گماسی

این طایفه در دهستانی به همین نام در مشرق مریوان سکونت دارند و از طریق

---

\*- ایرانشهر، ج ۱، ص ۱۳۲ و افشار سیستانی، همان کتاب، ص ۲۵۱.

کشاورزی امرار معاش می‌نمایند و جمعیت آنها در سال ۱۳۴۲ خورشیدی حدود ۵۰۰ خانوار و در سال ۱۳۵۱ حدود ۲۰۰ خانوار بوده است.

#### ۲- طایفه سادات نقشبندی

مردم این طایفه تخته قاپو شده اند و به کشاورزی اشتغال دارند. جمعیت آنها در سال ۱۳۴۲ خورشیدی ۳۰۰ خانوار بوده است.

#### ۳- طایفه زند

این طایفه تخته قاپو شده اند و به امور کشاورزی اشتغال دارند. مسلمان و پیرو مذهب سنی شافعی هستند.

#### ۴- طایفه کلانترزان

این طایفه تخته قاپو شده اند و بین کرماسی و سنندج سکونت دارند. صنایع دستی آنها، جاجیم و گلیم و شال بافی است.\*

### کردان منطقه کامیاران

#### ۱- طایفه کشکی

این طایفه تخته قاپو شده و از راه زراعت و مختصر گله داری امرار معاش می‌نمایند، قشلاق این طایفه پیرامون کامیاران است. جمعیت این طایفه در سال

---

\*- ایرانشهر، ج ۱، ص ۱۲۸ و چادر نشینان... ص ۲۵۲.

۱۳۴۲ خورشیدی ۲۰۰ خانوار و در سال ۱۳۵۱ حدود ۵۰ خانوار بوده است.

## ۲- طایفه کمانگر

این طایفه در جنوب سندج بسر می‌برند و به کشاورزی و دام‌داری اشتغال دارند. صنایع دستی آنها، قالی، جاجیم و گلیم بافی است. جمعیت آنها در سال ۱۳۴۲ خورشیدی حدود ۵۰۰ خانوار جمعیت بوده است.

## کردان منطقه بانه

### ۱- طایفه شهیدی

این طایفه از طریق کشاورزی امرار معاش می‌نمایند و در سال ۱۳۴۲ خورشیدی حدود ۲۰۰ خانوار بوده اند.

### ۲- طایفه بهرام بیگی

این طایفه نیز اسکان یافته اند و از راه زراعت امرار معاش می‌نمایند. جمعیت آنها در سال ۱۳۴۲، ۲۲۰ خانوار بوده است.

### ۳- طایفه احمدی

طایفه احمدی پیرامون بانه زندگی می‌کنند و از راه زراعت برنج و توتون و مواد جنگلی امرار معاش می‌نمایند جمعیت آنها در سال ۱۳۴۲ خورشیدی، ۷۵۰ خانوار بوده است.

### ۴- لطف الله بیگی

این طایفه تخته قابو شده اند و به امور کشاورزی اشتغال دارند. صنایع دستی

آنها، گلیم و شال و جاجیم بافی است. در سال ۱۳۴۲ دارای ۲۷۰ خانوار جمعیت بوده اند.

## طایفه های کرد منطقه جوانرود

طایفه های کرد منطقه جوانرود بشرح زیر است:

### ۱- طایفه جوانرودی

این طایفه پیرامون منطقه جوانرود سکونت دارند و بیلاق و قشلاق آنها نیز همین حدود است و به کشاورزی و دام داری اشتغال دارند.

### ۲- طایفه عناقی

این طایفه از مختصر زراعت گندم و جو و ذرت و گله داری و امرار معاش می نمایند. پیرو دین اسلام و مذهب سنی شافعی هستند.

### ۳- طایفه امامی

وضع مالی مردم این طایفه از کشاورزی و گله داری تأمین و نسبتاً خوب است. بیلاق آنها شمشیر و قشلاقشان انجیرک است.

### ۴- طایفه رستم بیگی

این طایفه از طریق کشاورزی و گله داری امرار معاش می نمایند. بیلاق ایشان انجیرک و قشلاقشان تای چوری است.

### ۵- طایفه باباجانی

این طایفه به کشاورزی و گله داری اشتغال دارند و در سال ۱۳۴۲ خورشیدی

حدود، ۲۰۱۵ خانوار بوده اند

## طایفه های کرد منطقه سقز

### ۱- طایفه گورک سقز

این طایفه از طرق کشاورزی و دام داری امرار معاش می نمایند. احشام خود را به اطراف بانه می برند. محصول زراعت توتون گورک سقز مرغوب و معروف می باشد. جمعیت آنها در سال ۱۳۴۲ حدود، ۷۵۰ خانوار بوده است.

### ۲- طایفه فیض الله بیگی

این طایفه تخته قاپو شده اند و بیلاق و قشلاق ندارند. این طایفه به امور کشاورزی و گله داری اشتغال دارند، جمعیت آنها در سال ۱۳۴۲ خورشیدی حدود ۲۷۰۰ خانوار و در سال ۱۳۵۱ خورشیدی حدود ۱۵۰۰ خانوار بوده است.

\*

### ۳- طایفه تیله کوهی

این طایفه از طریق کشاورزی امرار معاش می کنند صنایع دستی آنها، موج، گلیم، جاجیم و شال کردی است. مردم این طایفه از سال ۱۳۵۱ حدود - ۷۰۰ خانوار بوده اند.

### ۴- طایفه جاف سقز

این طایفه تخته قاپو شده و به کشاورزی و تولید صنایع دستی اشتغال دارند. جمعیت آنها در سال ۱۳۴۲ خورشیدی حدود ۲۵۰ خانوار بوده است.

---

\* - تاریخ مردوخ، ص ۱۰۱ و چادر نشینان... ج ۱، ص ۲۵۵.

## ۵- طایفه کلالی

این طایفه تخته قاپو شده و از طریق کشاورزی و گله داری امرار معاش می نمایند. صنایع دستی آنها، موج، گلیم، جاجیم و شال کردی است و در سال ۱۳۴۲ خورشیدی حدود ۱۷۵ خانوار بوده اند.

## ۶- طایفه های زیر

- ۱- کلهر - ۱۴۰ خانوار
- ۲- اردلان - ۱۶۵ خانوار
- ۳- و کیلی قباغلو - ۵۹۱ خانوار
- ۴- ده بکری سقز - ۱۳۳۰ خانوار
- ۵- سرشیو سقز - ۷۰۰ خانوار
- ۶- خورخوره - ۳۵۰ خانوار
- ۷- گوره قلعه دیوانی - ۷۰ خانوار\* .

## ایل ها و طایفه های کرد آذربایجان غربی

### ۱- ایل شکاک

این ایل میان ارومیه و سلماس، در غرب دریاچه ارومیه و مرز ایران و ترکیه، در برادوست و صومای زندگی می کنند. مردم ایل شکاک، در گذشته همه چادرنشین و دامدار بودند ولی امروز بیشتر روستانشین و کشاورز هستند. ییلاق آنها - در نواحی کوهستانی مرز ایران و ترکیه و مراتع خالصه ترگوردشت ییل.

قشلاقشان - روستاهای پیرامون سلماس و ارومیه است.

جمعیت ایل شکاک: طبق نوشته ایرانشهر در سال ۱۳۴۲ - ۴۴۰۰ خانوار و

---

\*- ایرانشهر جلد اول ص ۱۲۸ و چادرنشینان... ج ۱، ص ۲۵۶

طبق نوشته هنر و مردم در سال ۱۳۴۵ - ۴۸۵۰ خانوار (۲۵۰۱۲ نفر)\* بوده است.

## ۲- ایل بیگ زاده

ایل بیگ زاده در غرب ارومیه، در مرز ترکیه و عراق زندگی می کنند. جمعیت این ایل در سال ۱۳۴۹ خورشیدی - ۵۰۰ خانوار بوده است.

## طایفه های کرد منطقه ماکو

### ۱- ایل میلان

مردم این ایل در کناره رودخانه ارس ساکن هستند و در تابستان در حوالی سیه چشمه (مرز ترکیه) ییلاق و در زمستان در ساحل رودخانه ارس (مرز شوروی) قشلاق می نمایند.

ایل میلان به دو دسته بزرگ، میلان و خلکانی تقسیم می شود:

۱- میلان، دارای پنج طایفه می باشد که عبارتند از:

ممکان لو، دودکان لو، مندولکان لو، شیخ کان لو، سازمان لو.

۲- خلکانی دارای دو طایفه به نامهای، دلاین و خلکانی است\*

این ایل در سال ۱۳۴۲ خورشیدی دارای ۲۰۳۰ خانوار بوده است.

۳- ایل جلالی (خلیکان لو)

ایل جلالی دارای ده طایفه می باشد که عبارتند از:

خلکیان لو، مصرکان لو، بلخکان لو، جنی کان لو، قندکان لو، ساکان،

---

\*- هنر و مردم شماره ۷ ص ۲۲ و چادر نشینان... ج ۱، ص ۱۵۹.

\*- افشار سیستانی، ایرج همان کتاب ص ۱۴۴.

اطاب لو، قزلباس، حسو خلف، علی محولو\*  
جمعیت ایل جلالی در سال ۱۳۴۱ خورشیدی / ۲۵۰۰۰ نفر بوده  
و سازمان ملی یونسکو در سال ۱۳۴۲ خورشیدی ۱۱۳۵ خانواده تخمین زده  
است  
منطقه تابستانی (بیلاق) این ایل در پیرامون سیه چشمه (مرز ترکیه) و  
قشلاقشان، در کنار رودخانه ارس مرز شوروی می باشد.

### ۳ - ایل حیدران لو

افراد این ایل پیرامون شهرستان ماکو و در مرز ترکیه سکونت دارند بیلاق  
گله داران سیه چشمه و قشلاق آنها چوخور کند می باشد. تعداد آنها در سال  
۱۳۴۲ خورشیدی / ۳۰۰ خانوار بوده است\*  
ایل های منطقه ماکو اگر هم کرد بوده اند امروز ترک زبانند.

### ایل ها و طایفه های کرد منطقه خوی

#### ۱ - ایل کره سنی

این ایل یکی از ایلهای کرد مغرب ایران است و مردم آن در پیرامون خوی  
در مرز ایران و ترکیه زندگی می کنند.  
مردم ایل کره سنی به گله داری و کشاورزی اشتغال دارند و جمعیت آنها  
۴۰۰ خانوار است بیلاق آنها، سمکن، و قشلاقشان قطور است.

#### ۲ - ایل مامش

این ایل تخته قابوشده میان مهاباد و نقده زندگی می کنند و جمعیت آنها در سال ۱۳۱۱

---

\* - همو، همان کتاب ص ۱۴۸ به نقل از ایرانشهر ۱۹۰، ص ۱۱۸.

\* - همو، همان کتاب ص ۱۵۱ به نقل از سرزمینی زردشت ص ۶۳



## ۲ - ایل مکان لو

مردم این ایل هم در مرز ایران و ترکیه پیرامون خوی زندگی می کنند و به پرورش دام اشتغال دارند. ییلاق آنها، الند و قشلاقشان قطور است. این ایل در سال ۱۳۴۲ شمسی دارای ۲۵۰ خانوار جمعیت داشته است.

## ایل ها و طایفه های نقده

### ۱ - ایل زرزا

مردم این ایل در روستاهای پیرامون اشنویه زندگی می کنند و به دام داری و کشاورزی اشتغال دارند. صنایع دستی زنان ایل، عرقچین، جاساعتی، جوراب پشمی و سیاه چادر است.

مردان ایل نیز جاجیم و رمال بوز و شمد می بافند. جمعیت آنها در سال ۱۳۴۲ خورشیدی - ۷۵۰ خانوار بوده است

### ۲ - ایل مامش

مردم این ایل در سرزمین کوهستانی میان مهاباد و نقده زندگی می کنند. ایل مامش از شش طایفه زیر تشکیل شده است:

قادری، ملاسلیمانی، بایزیدی، احمدی، عزیزی، امیرعشایری. به کشاورزی و گله داری اشتغال دارند، ییلاق آنها، دامنه کوه بلاسی سید، بازرین و سام است. و قشلاق بخصوصی ندارند بلکه در مراتع پیرامون روستاهای محل زندگی گوسفندان را می چرانند.

جمعیت آنها در سال ۱۳۴۲ - ۹۵۰ خانوار و، در سال ۱۳۵۱ خورشیدی

۱۵۰۰ خانوار بوده است\*

### ۳- ایل هرکی

این ایل در پیرامون اشنویه و مرز ترکیه و عراق سکونت دارند و قسمتی از افراد این ایل در مناطق موانا، خانقاه، وزگیر و آغ بلاغ تخته قاپو شده اند طایفه های مهم ایل هرکی عبارتند از:

هر کجامدان، هر کی سیدان، هر کی سرهاتی.

مردم این ایل به گله داری اشتغال دارند بیلاق آنها مراتع نواحی توگور و دشت میل و قشلاقشان، مناطق توگور و مرگور و دشت میل .

جمعیت ایل در سال ۱۳۴۱ خورشیدی / ۲۰۰۰۰ نفر و در سال ۱۳۴۲

خورشیدی / ۱۳۵۰ خانوار بوده است\*

### ۴- ایل سادات

مردم این ایل در مرز ترکیه و عراق سکونت دارند و در محل ویزج مرگور تخته قاپو شده اند و از طریق کشاورزی و دام داری امرار معاش می نمایند.

بیلاق آنها - گله داران ایل، دیزج مرگور،

قشلاقشان - دشت بیل، مرگور، اشنویه، گورانه و برادوست می باشد.

### ۵- ایل پیران

این ایل در شهرستان پیران شهر که در گذشته خانه نامیده می شد، زندگی می کنند. افراد این ایل تخته قاپو شده ، در کهنه و لاهیجان ساکن هستند و دارای ۶۵۰ خانوار می باشند و به کشاورزی و دام داری اشتغال دارند، در زمستان اغنام و احشام خود را به حدود کوه سران می برند، صنایع دستی ایشان شال بافی است.

---

\*- همو، همان کتاب ص ۱۸۷ به نقل از ایرانشهر ج ۱ ص ۱۲۲ تاریخ مردوخ ۱۹۰ ص

\*- همو، همان کتاب ص ۱۹۱

## ایل‌ها و طایفه‌های مهاباد

### ۱- ایل گورک

این ایل تخته‌قاپو شده و در جنوب مهاباد، ندر روستای عمق سکونت دارند و به کشاورزی و باغ‌داری اشتغال دارند. صنایع دستی آنها، گلیم و جاجیم بافی است.

جمعیت ایل در سال ۱۳۴۲ خورشیدی - ۳۱۰۰ خانوار بوده است.

### ۲- ایل منگور

مردم این ایل تخته‌قاپو شده و در جنوب مهاباد به سر می‌برند. طایفه‌های ایل منگور عبارتند از: امان، شمع (شام) زرین، خدر و مروت که به کشاورزی و دام‌داری اشتغال دارند.

بیلاق آنها - کده، لسیو، کاکن می‌باشد.

جمعیت ایل در سال ۱۲۷۱ خورشیدی / ۵۰۰۰ خانوار و در سال ۱۳۴۲

خورشیدی / ۱۵۰۰ خانوار بوده است.\*

### ۳- ایل دهبکری

این ایل در مهاباد سکونت دارد و افراد آن به کشاورزی و گله‌داری اشتغال دارند.

طایفه‌های ایل دهبکری عبارتند از

\*- همو، همان کتاب ص ۱۹۲

\*- همو، همان کتاب ص ۱۹۹ به نقل از جغرافیای مفصل ایران، کیهان ج ۲ ص ۱۰۹

ایران‌شهر ۱۹۰ ص ۱۲۳

قهرمانی، عباسی، علیار، ایلخانی زاده  
گله داران ایل احشام خود را به پآیین ساوجبلاغ می برند  
جمعیت ایل در سال ۱۳۱۱ خورشیدی ۳۰۰۰ خانوار  
و در سال ۱۳۴۲ خورشیدی ۴۷۰۰ خانوار ذکر شده است.\*

#### ۴ - ایل عثمان بیگی

این ایل دارای یک طایفه است و تخته قاپو گردیده و به کشاورزی و تولید  
صنایع دستی، موج، شال، گلیم، جاجیم اشتغال دارند و در سال ۱۳۴۲ تعداد ۴۵۰  
خانوار بوده اند.

### ایل ها و طایفه های منطقه سردشت

۱ - ایل باسک کوله، در سردشت ساکنند و به کشاورزی و تولید صنایع  
دستی اشتغال دارند و در سال ۱۳۴۲ خورشیدی ۶۰۰ خانوار بوده اند.

۲ - ایل بریاحی - در سردشت و مرز عراق زندگی می کنند و به کشاورزی  
و گله داری اشتغال دارند جمعیت آنها در سال ۱۳۴۲ خورشیدی ۱۳۵۰ خانوار  
بوده است.

۳ - ایل پشتدوری - این ایل در اطراف مهاباد و سردشت به سر می برند و از  
طریق کشاورزی امرار معاش می نمایند. و در سال ۱۳۴۲ خورشیدی ۵۰۰ خانوار  
بوده اند

۴ - ایل کلاسی - در سردشت و پیرامون آن زندگی می کنند و به  
کشاورزی اشتغال دارند تعداد آنها حدود ۵۰۰ خانوار و بیلاق آنها مراتع

---

\*- همو، همان کتاب ص ۲۰۰

زیرمران است.

۵ - ایل ملک‌کاری - در سردشت در مرز عراق سکونت دارند و از زراعت و صنایع دستی امرار معاش می‌نمایند تعداد آنها /۱۱۰۰ خانوار است.\*

### طایفه‌های کرد در خوزستان

سگوند، دو شعبه است.

۱ - طایفه سگوند رحیم خانی

۲ - طایفه سگوند حاجی خانی

این طایفه از ایل سگوند لرستان است که در ناحیه شوش در کرانه نهر هرموشی که از رودخانه کرخه منشعب می‌شود سکونت دارند، دولت در سال ۱۳۰۸ خورشیدی این طایفه را که رئیس آنها صادق خان یاغی شده بود به این ناحیه کوچانید.

طایفه سگوند رحیم خانی از تیره‌های زیر تشکیل شده:

مختوا، قلی، علی دوست، حاجی مشه، سگوند خرده، خداوردی، محمد،

حاجی کلی، مهدی خانی و شه عینل

و تیره‌های دیگری نیز به آنها ملحق شده اند که از این قرارند.

عین الوند، کولی وند، بو کره مران، مال امیر، چنال، لیوه دلی، کرد،

سیلورزی، ساکی ورشنو، دل

جمعیت آنها در سال ۱۳۶۰ حدود ۱۹۹۹ خانوار شامل ۱۱۹۹۶ نفر برآورد

گردیده اند.

---

\* - همو، همان کتاب ص ۲۰۱ تاریخ آذربایجان ص ۱۹۵

### ۳ - طایفه عمله

مردم این طایفه لر هستند (لران نیز کرد هستند) و سران آنها از لران پشتکو (ایلام) و خانواده والی پشتکوه می باشند که از سال ۱۳۶۳ شمسی به خوزستان کوچ کرده اند و به کشاورزی اشتغال دارند. محل سکونت آنها در اطراف شوش می باشد. جمعیت طایفه عمله در سال ۱۳۶۰ خورشیدی - ۱۲۵۹ خانوار شامل ۷۵۵۵ نفر بوده است.\*

### ۴ - طایفه جانکی (جوانکی)

این طایفه در دامنه غربی ارتفاعات منگشت بین خاک بهمئی، مکوند و جانکی زندگی می کنند این طایفه در سالهای ۵۷۵ و ۶۰۵ هجری قمری به این منطقه کوچ کرده اند. تیره های عمده جانکی عبارتند از: ابوالعباسی، جلالی، زنگنه، کرد، شیرعلی، مبینی.

### ۵ - طایفه لرکی

این طایفه در سرزمین ابوالفارس نزدیکی بهبهان زندگی می کنند تعدادی از لریان در اطراف هفتگل و مسجد سلیمان و شوشتر پراکنده، جمعیت این طایفه در سال ۱۳۲۰ خورشیدی بین ۵۰۰۰ تا ۷۰۰۰ خانوار تخمین زده اند مردم لرکی به ترکی و فارسی صحبت می کنند.

## طایفه های کرد در فارس

### ۱ - ایل بختیاری

این ایل شاخه ای از لران می باشند که در هفت لنگ و چهارلنگ فارس

\*- همو، همان کتاب ص ۴۲۸

زندگی می کنند و از بزرگترین ایل های فارس می باشند لر از نژاد کرد است.  
الف - طایفه هایی که در هفت لنگ بسر می برند عبارتند از:  
زراسوند، دینارانی، بهداروند، احمد خسروی، بابا احمدی، دورکی،  
بابادی، بختیاروند.

ب - طایفه هایی که در چهارلنگ زندگی می کنند از این قرارند:  
محمود صالح، سوگویی، محی وند، کیان ارثی.  
طایفه های بختیاری از طریق کشاورزی و دام داری امرار معاش می نمایند و  
صنایع دستی آنها، گلیم، خورجین، قالیچه بافی است.  
بیلاق آنها، گوهربگ اطراف زاینده رود دامنه زرد کوه قشلاقشان، پیرامون  
اهواز، کارون و شعبیه.

جمعیت این ایل در سال ۱۳۴۲ خورشیدی ۳۶۳۱۸ خانوار و در سال ۱۳۵۶  
۷۶۰۰۰ خانوار، در سال ۱۳۶۳ خورشیدی ۸۹۰۵۴ خانوار.\*

## طایفه های کرد بلوچستان

کردان بلوچستان در سنگان از توابع شهرستان خاش در دامنه جنوبی تفتان و  
بخش زابلی از توابع شهرستان سراوان و عده ای در سیستان زندگی می کنند.

تیره های طایفه کرد بلوچستان عبارتند از:

سهراب زایی، میرابلوچ زایی، مصطفی زایی، گدازایی، شه کرم زایی، الله  
رسان زایی، جمال زایی، کمال خان زایی، علم خان زایی، دُر زاده، غلام رسان  
زایی، شهداد زایی، سید خان زایی، سالارزایی، علی خان زایی، میریحیی زایی،  
ناگزی زایی، مراد زایی، گل محمود زایی، رودباهی، شهراد زایی، گنگدازایی،

---

\*- همو، همان کتاب ص ۴۷۱

بولگاک زایی، متیم زایی، عجب زایی، کرم زایی، نارو زایی.  
جمعیت این طایفه در سال ۱۳۱۱ خورشیدی ۱۰۰ خانوار و در سال ۱۳۴۸  
خورشیدی ۸۰۰۰ نفر و در سال ۱۳۶۱ خورشیدی حدود ۸۰۰ خانوار بوده است.\*  
طایفه‌های، زند و لشاری (لاشاری) از لر است و لر هم در نژاد کرد است.\*

### ایل‌ها و طایفه‌های کرد لرستان

چنان که در این کتاب ذکر شد طایفه‌های الوار هم کرد هستند. مهمترین  
ایل‌های و طایفه‌های لرستان عبارتند از:

۱- ایل حسونند - این ایل در بخش الشتر به سر می‌برند، بیلاق دام‌داران این  
ایل، در اطراف رود کهمان و ژیریان، چیم تکه، و قشلاق این‌ها - تنگه معدوی،  
پیرامون پل دختر، دشت جاید، دامنه شمالی کوه کور و پل زال می‌باشد.  
جمعیت ایل حسونند - ۵۰۰۰ خانوار در سال ۱۳۶۶ تعداد خانوار کوچ‌رو  
۹۲۳ بوده است. طایفه‌های این ایل عبارت است از کاکاوند، خمسه، بسوم یا  
بسظام و دیگر طایفه‌های مستقل لرستان، مه‌مه‌وند، کولیوند، یوسفوند، در منطقه  
دلفان - از راه دام‌داری و کشاورزی امرار معاش می‌نمایند. و نیز  
طایفه‌های - دلدوند، تاج‌وند، مظفروند، باریکوند می‌باشند که در حومه کاکاوند به  
دام‌داری و کشاورزی اشتغال دارند.  
طوایف کرد الوار - در الشتر، بروجرد، چگنی، کلهر و طوایف اکراد  
قبلی - در پشتکوه لرستان زندگی می‌نمایند.

---

\*- همو، همان کتاب ج ۲ ص ۹۱۸

\*- منابع و مآخذ عشایر ایران دبیرخانه شورای عالی عشایر، تهران، ۱۳۶۶ ص به نقل  
از جعفری، علی اکبر، مقاله بلوچ و بلوچی، مجله سخن، دور ۱۴ شماره ۹ و ۱۰



## آمار ایل‌ها و طایفه‌های عشایری کشور

### و توزیع دام در حوزه های عشایری

بر مبنای نتایج سرشماری عشایری در کل کشور، جمعاً (۹۲) ایل و ۴۵۴ طایفه مستقل زندگی می‌کنند. بزرگترین ایل کشور، ایل بختیاری با ۳۴۳۳۳ خانوار و کوچکترین آن، ایل دهبالانی با ۱۵ خانوار است.

۱- براساس یک بررسی انجام شده تعداد دام عشایری کشور در سال ۱۳۰۸ نزدیک به بیست میلیون بوده است.

۲- بر مبنای محاسبات دکتر افشار نادری یکی از اولین محققین عشایری کشور تعداد دام، عشایر کشور در سال ۱۳۵۰ حدود سی و پنج میلیون رأس بوده است.

۳- مطابق بررسی‌های هوشنگ کشاورز، تعداد دام عشایری کرد در سال ۱۳۵۴ کمی بیش از نوزده میلیون رأس بوده است.

۴- کمیته برنامه ریزی عشایری وزارت کشاورزی و عمران روستایی، تعداد کل دام عشایر کوچ رو را بین ده تا چهارده میلیون برآورد می‌کند.

۵- براساس نتایج مرحله اول سرشماری عشایری کشور، تعداد کل دام عشایری کشور، بیش از ۲۴ میلیون رأس در سال ۱۳۶۴ بوده است.\*

۶- براساس آمارگیری انجام شده از خانوارهای متحرک کشور (که عشایر نزدیک به تمامی آنها را تشکیل می‌دهند) در سال ۱۳۵۳ تعداد کل دام خانوارهای متحرک حدود پنجاه و دو میلیون رأس بوده است.

۷- سازمان دام پزشکی کشور تعداد دام عشایر کشور را در سال ۱۳۶۴ حدود سی و چهار میلیون رأس برآورد می‌کند.\*

#### کوچ دامداران

کوچ دامداران کرد و انتقال گله‌های گوسفند از قشلاق به منطقه ییلاق معمولاً اواسط تا اواخر اردیبهشت ماه هر سال آغاز می‌شود. ایلخانی یا رئیس ایل

---

\*- قنبری، علی، فصلنامه عشایر شماره ۵، ۱۳۶۷، مقاله بهره‌وری در نظام دام‌داری و... قسمت دوم ص ۶۷

که به دامداری اشتغال دارند و کوچ نشین هستند موقع حرکت گوسفندان را به وقت تعیین و به صاحبان گله های ایل و طایفه خود اعلام می نماید. گوسفندان دو یا سه رمه دار یک گله را تشکیل می دهد و می بایست قبل از حرکت دادن گوسفندان تمام وسایل ضروری زندگی خانواده و احتیاجات دامی، از قبیل چادر، فرش رختخواب، ظروف، خواربار و وسایل پخت و پز، شیردوشی، ماست بندی، کره گیری، روغن سازی و پنیر بندی و غیره و سوخت روشنائی و داروهای مسکن جهت افراد خانواده تهیه و آماده نماید. وسیله حمل بار و به دامدار اکثراً شتر است و نیز الاغ و اسب و قاطر هم برای سواری دارند. چوپانان در موعد اعلام شده از مسیر و توقفگاههای تعیین شده گله را حرکت می دهند. یک یا دو نفر از دامداران نیز همراه گوسفند است. سرپرست خانواده وسایل زندگی را بار شتران و اسب و قاطر می نمایند و زنان و بچه ها را روی بار سوار می کنند. مردان و جوانان نیز سواره و گاه پیاده در مسیر تعیین شده راه می افتند و در هر توقفگاه یکروز یا کمتر توقف می کنند.

زنهای کرد در اداره کردن امور زندگی خانواده و جمع آوری فرآورده های دامی نقش مؤثر و مهمی دارند و هنگام راه پیمائی و کار بچه های شیرخوار خود را با چادر به پشت خود می بندند و راه می روند و یا کار می کنند.

کوچ نشینان که با فاصله های کمی از هم در حرکتند، به هر توقفگاهی میرسند، مردان باروبنه را از روی شتران پیاده می کنند تا هم خود و هم مالها استراحت کنند و تغذیه نمایند. در آن موقع زیر درختان گلیم یا قالیچه پهن می کنند و بارها را روی هم می گذارند مردان از چوبهای خشک بیابان جمع می کنند. دختران و جوانان سر چشمه و قنات می روند و آب می آورند و زنها به تهیه چائی و غذا می پردازند. در مسافرت بهترین غذای کوچ نشینان نان، دراغ (ماست چکیده خیکی) ماست، دوغ، تخم مرغ آب پز است.

کوچ نشینان در مسیر کوچ و توقفگاهها همه به همدیگر کمک می نمایند. و در هر توقفگاه مردان گوسفندان را در محل نزدیک اقامتگاه جمع می نمایند. و

زنان و دختران با سرعت و مهارت به شیر دوشیدن مشغول می‌شوند. سپس شیر را گرم می‌کنند و ماست می‌بندند و ماستها را با تلم Tolom به هم می‌زنند و دوغ و کره آن را جدا می‌کنند و کره‌ها را آب کرده و توی تین‌های حلبی که قبلاً آماده کرده‌اند می‌ریزند و سر آنرا لعیم می‌نمایند. دوغها را قدری برای مصرف روزنامه به مشکها (خیکها) می‌ریزند یا با ماست مخلوط کرده ماست خیکی تهیه می‌کنند و اضافی را به بیابان می‌ریزند.

قافله کوچ نشینان هر ساعت پنج کیلومتر راه را طی می‌کنند. گوسفندان در مسیر کوچ علف تازه می‌خورند و اگر سال بارانی باشد و صحرا پر علف، چاق می‌شوند و پر شیر که چنین وضعی گوسفنددار را خوشوقت و بداشتن در آمد بیشتر امیدوار می‌نماید.

بالاخره کوچ نشینان به محل بیلاق می‌رسند. محل استقرار هر طایفه در بیلاق از سابق معین است. مردان و زنان در پیاده کردن بار و بته و برپا ساختن چادرها دست به کار می‌شوند و چادرهای هر طایفه را در محل تعیین شده نصب می‌نمایند و مفروش می‌کنند هر چند طایفه در یک بیلاق اقامت دارند.



کوچ دامداران کرد خراسان به بیلاق (عکس از توحدی)

جدول شماره ۴: توزیع دام عشایری در حوزه های مختلف عشایری کشور  
(رأس - درصد)

نام حوزه عشایری	تعداد کل دام	گوسفند و بره و بز و بزغاله شتر و بچه شتر	گاو و گاو میش	سهم دام كوچك از كل دام	سهم دام هر حوزه از كل دام عشایری	متوسط تعداد دام هر خانوار (رأس)
كل کشور	۲۴۱۴۲۵۷۸	۲۳۸۳۰۴۳۱	۳۱۲۱۴۷	۹۸/۷	۱۰۰/۰	۱۲۸
۱- چهارمحال و بختیاری و بخشی از خوزستان و اصفهان	۲۴۶۸۱۲۲	۲۴۲۲۶۲۳	۴۵۴۹۹	۹۸/۲	۹/۹	۷۱
۲- فارس - بوشهر و بخشی از اصفهان و چهارمحال و بختیاری	۷۱۲۷۴۸۸	۷۰۹۱۹۳۷	۳۵۵۵۱	۹۹/۵	۲۸/۵	۲۳۶
۳- کرمان - هرمزگان	۳۱۱۸۲۷۹	۳۰۷۴۹۸۱	۴۳۲۹۸	۹۸/۶	۱۲/۵	۱۲۶
۴- سیستان و بلوچستان و بخشی از خراسان	۱۰۲۲۰۸۷	۱۰۲۱۱۱۸	۱۹۹۶۹	۹۹/۹	۳/۴	۴۹
۵- کهگیلویه و بویراحمد و بخشی از فارس و خوزستان	۱۸۰۳۱۱۲	۱۷۶۲۵۸	۴۰۸۵۴	۹۷/۷	۷/۲	۹۲
۶- لرستان و بخشی از خوزستان و همدان	۲۳۷۶۶۱۱	۲۳۴۱۶۱۰	۳۵۰۰۱	۹۸/۵	۹/۵	۱۳۲
۷- آذربایجان شرقی و گیلان	۱۴۰۸۹۳۰	۱۳۴۶۷۴۹	۴۲۱۸۱	۹۷/۰	۵/۶	۱۵۴
۸- باختران	۶۸۹۴۴۶	۶۸۱۰۸۹	۸۳۵۷	۹۸/۸	۲/۸	۸۳
۹- خراسان و بخشی از مازندران	۸۸۴۷۴۰	۸۷۸۱۸۱	۶۵۵۹	۹۹/۳	۳/۶	۱۳۹
۱۰- ایلام	۷۶۳۳۵۰	۷۵۶۲۳۶	۷۱۱۴	۹۹/۱	۳/۱	۱۳۲
۱۱- آذربایجان غربی	۶۰۳۱۱۵	۵۸۹۲۴۵	۱۳۸۷۰	۹۷/۷	۲/۶	۱۴۲
۱۲- سمنان و بخشی از مازندران، تهران و خراسان	۸۱۷۵۴۹	۸۱۲۸۱۲	۴۷۳۷	۹۹/۴	۳/۳	۲۹۹
۱۳- تهران و بخشی از مازندران، سمنان و زنجان	۲۸۸۱۸۵	۲۸۷۳۰۸	۸۷۷	۹۹/۷	۱/۲	۲۷۲
۱۴- مرکزی و زنجان	۱۹۴۵۶۲	۱۸۷۴۲۲	۷۱۳۹	۹۶/۳	۰/۸	۱۸۵
۱۵- همدان	۳۰۲۵۹۳	۳۰۲۲۶۱	۳۳۲	۹۹/۹	۱/۲	۳۷۴
۱۶- اصفهان و بخشی از چهارمحال و بختیاری و فارس	۲۷۴۴۰۹	۲۷۳۶۰۰	۸۰۹	۹۹/۷	۱/۱	۳۴۵

مأخذ: یافته های مهم سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده ایران (مرحله اول طرح) مرکز

آمار ایران ۱۳۶۵

(از ذخائر انقلاب شماره پنجم)

جدول شماره ۲: توزیع جمعیت عشایری در حوزه های عشایر کشور

نام حوزه عشایری	تعداد ایل*	تعداد طایفه مستقل**	تعداد خانوار	سهم*** جمعیتی
کل کشور	۹۲	۴۵۴	۱۸۸۳۵۴	۱۰۰/۰
چهارمحال و بختیاری و بخشی از خوزستان و اصفهان	۱	۱	۳۴۵۶۶	۱۸/۳۵
فارس بوشهر و بخشی از اصفهان و چهارمحال و بختیاری	۴	۱	۳۰۲۳۵	۱۶/۰۵
کرمان - هرمزگان	۲۸	۳۶	۲۴۸۰۵	۱۳/۱۷
سیستان و بلوچستان و بخشی از خراسان	۰	۲۹۵	۲۰۸۵۶	۱۱/۰۷
کهگیلویه و بویراحمد و بخشی از فارس و خراسان	۸	۰	۱۹۶۲۶	۱۰/۴۲
لرستان و بخشی از خوزستان و همدان	۱۲	۱۲	۱۷۹۵۱	۹/۵۳
آذربایجان شرقی و گیلان	۲	۱۱	۹۱۷۵	۴/۸۷
باختران	۱۱	۱	۸۲۶۸	۴/۳۹
خراسان و بخشی از مازندران	۰	۵۲	۶۳۷۶	۳/۳۹
ایلام	۱۰	۳	۵۷۹۶	۳/۰۸
آذربایجان غربی	۶	۴	۴۲۵۰	۲/۲۶
سمنان و بخشی از مازندران، تهران و خراسان	۱	۱۶	۲۷۳۵	۱/۴۵
تهران و بخشی از مازندران، سمنان و زنجان	۱	۱۶	۱۰۵۹	۰/۵۶
مرکزی و زنجان	۴	۵	۱۰۵۳	۰/۵۶
همدان	۳	۱	۸۰۸	۰/۴۳
اصفهان و بخشی از چهارمحال و بختیاری و فارس	۱	۰	۷۹۵	۰/۴۲

مأخذ: یافته های مهم سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده ایران (مرحله اول طرح) - مرکز

آمار ایران - ۱۳۶۵

(از ذخائر انقلاب شماره پنجم)

بخش ششم

وضع اجتماعی کردها



## بخش ششم

### وضع اجتماعی کردها

الف - زبان: مردم کرد هر منطقه به زبان کردی صحبت می کنند که لهجه های کردی عبارت است از:

۱- کرمانجی ۲- لُری ۳- کلهری ۴- گورانی

که هر یک گونه های مختلفی دارد که در بخش اول این کتاب شرح داده شده است. کردان علاوه بر زبان کردی در اثر معاشرت با سایر مردم به زبان ترکی و فارسی هم آشنایی دارند و صحبت می نمایند.

دین: ایل ها و طایفه های کرد ایران عموماً مسلمان هستند و در بعضی مناطق (از جمله خراسان شیعه دوازده امامی هستند.)

ب - لباس: زنان کرد لباس سنتی زیبایی دارند که هنوز هم کوچ نشینان در صحرا و زیر چادرها آن لباس را در بردارند.

۱- پیراهن کوتاه که دور یقه سگه دوزی و دامن پیراهن که آنرا در خراسان کونیک Kovnak می گویند و دامن آن نوار دوزی است. کردها از رنگ قرمز و



سفید بیشتر خوششان می آید. بهمین لحاظ پیراهن زنان اکثراً از پارچه های گلداز یا ساده قرمز رنگ یا سفید انتخاب می گردد.

۲- کُلَجِه Koulage ( کت ) از پارچه های مخملی یا پشمی و یا نخی دوخته می شود. حاشیه یقه و لبه دامن کلجه نوار و سکه دوزی است. از روی پیراهن می پوشند.

۳- شلوار که آنرا شلیته Shelita و پاچین می گویند. حاشیه دامن شلوار دو تا سه ردیف نوار دوزی است. شلوار بعضی از ایل ها کوتاه تا زیر زانو است و در برخی از ایل ها بلند و تا ساق پا می رسد.

۴- چارقد که آنرا که ون Kayn می گویند، بسر می بندند و یکبال آنرا از روی چانه و دهن به پشت سر می اندازند و بال دیگر را روی شانه چپ یله می دارند.

۵- دستمال ابریشم مشکی یا چهارخانه قرمز روی چارقد به سر می بندند.

۶- پیشانی بند و سربند با پولکهای برنجی یا نقره که روی ابروها و دور گونه های زنان و دختران را زینت می دهند به پیشانی و سر می بندند.

۷- کفش زنان کوچرو و صحرا گرد در خراسان چاروغ است که از چرم یک تخته دوخته میشود و بسیار سبک و مقاوم است و در دیگر مناطق کفش های معمولی محلی است.

۸- چادر - از پارچه چهارخانه آبی یا قرمز نخی که زنان خود می بافند.

لباس مردان در قدیم عبارت بود از:

۱- پیراهن از پارچه های نخی و ابریشمی دست بافته که آنرا آله جه Alage می گفتند به رنگهای قرمز و سفید و سیاه که یقه آن با یک دکمه و از روی شانه بسته میشود.

۲- شلوار قدک کرباسی پاچه گشاد و بندار

۳- چوخا که پارچه آن بوسیله کرد از پارچه سیاه یا قهوه ای بافته می شد و بصورت قبا بود.

۴- پوستین - در زمستان مردان روی دوش می انداختند و کلجه پوستین بدون



زنان کرد در لباس سنتی ایلی خراسان  
(عکس از کلیم الله توحدی)

آستین را زنان به بر می نمودند.

۵- چاروغ - کفش محلی ایل‌ها و طایفه‌های کرد خراسان (کرمانج Kirmang) از چرم یک پارچه که بند آن را به ساق پا می پیچیدند و زن و مرد به پا می کردند هنوز هم کردان کوچرو خراسان از این کفش استفاده می نمایند و در نقاطی دیگر از کفشهای معمولی محل. امروز کردان کوچ نشین و یکجا نشین لباس معمولی، کت و شلوار و پالتو کلاه دارند.

ج - مسکن - در قشلاق اگر در ده یا کلاته سکونت دارند در اطاقهای خشت و گلی زندگی می کنند در غیر آن زیر چادرهای سیاه رنگ بسر می برند.

د - فرش: فرش خانه کردان اکثراً گلیم و نمند و قالیچه بافت زنان خود است.

ه - خوراک: غذای روزانه کرد در قشلاق و بیلاق فرق می کند. غذای زمستانی عبارت است از:

۱- آبگوشت ۲- اشکنه ۳- قومه شوربا (گوشت سرخ کرده و خشک شده) ۴- پلو و قورمه ۵- آش رشته ۶- قوروت آب و غیره.

#### و در بیلاق:

۱- نان و ماست و پنیر و دوغ و کره. ۲- فطیر مسکه «کره را روی نان تابه ای داغ می گذارند و نان را که فطیر می گویند در آب کره خرد می کنند و شکر می پاشند و می خورند». ۳- کله جوش Kaladuc که با ماست و روغن داغ می پزند.

## خصوصیات مردان و زنان کرد

مردان و زنان کرد در اثر صحراگردی و سواری و فعالیت روزمره و پرورش در آب و هوای لطیف دشت و کوهستان عموماً رشید و تنومند و سلحشورند. قدیم حتی زنان نیز به هنگام مقابله با دشمن مسلح می‌شدند و پا به پای مردان در مبارزه شرکت می‌کردند که داستان بعضی از زنان کرد در جنگهای محلی زبانزد خاص و عام است.

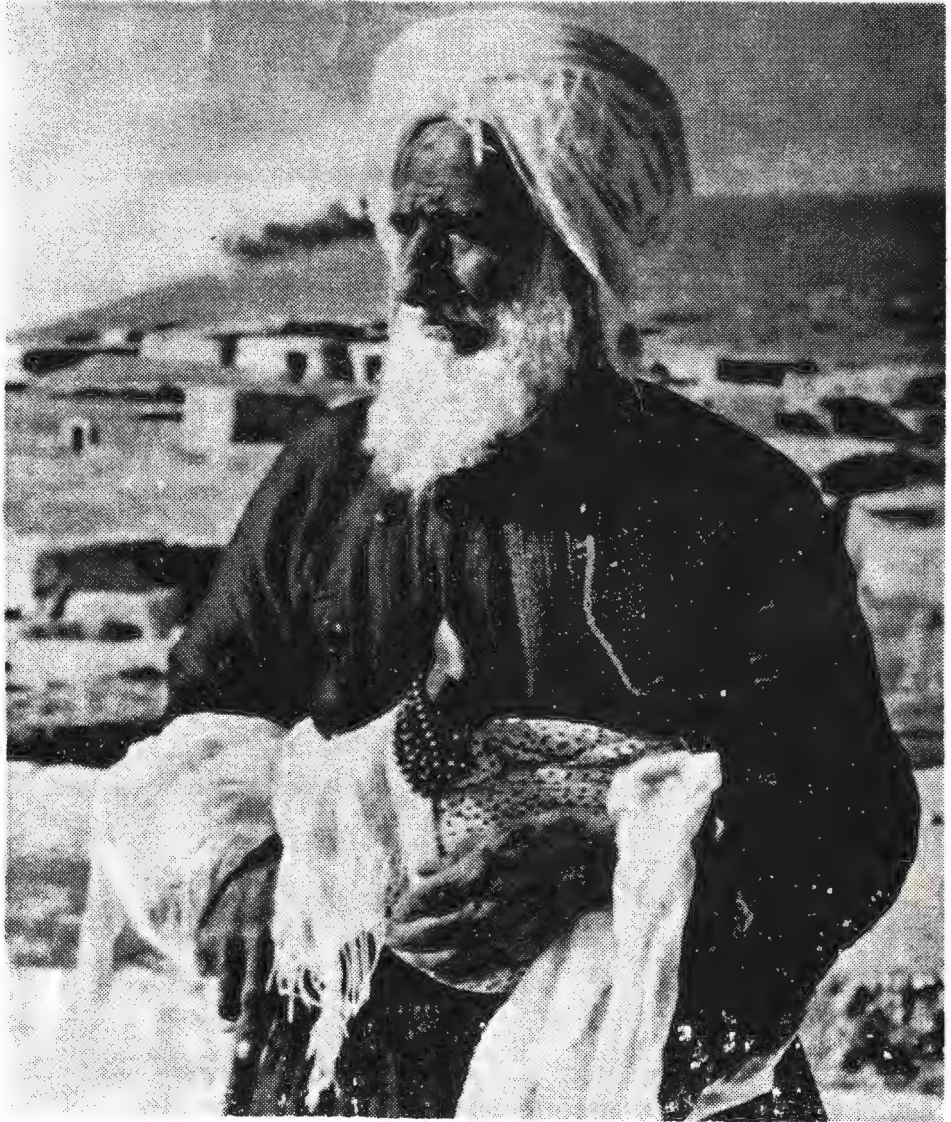
در خانواده کرد کوچرو فرزند پسر سرمایه بزرگی محسوب می‌شود، زیرا در اداره امور گوسفند داری، نگهداری، نگهداری، جمع آوری فرآورده های دامی و فروش آن و نقل و انتقال گله از قشلاق به بیلاق و بالعکس همه و همه احتیاج به مردان و جوانان و همکاری آنها دارد لذا در هر خانواده گله دار فرزند ذکور بیشتر باشد آن خانواده در دامداری موفق و صاحب بهره فراوان است.

## لباس کردان مناطق غربی کشور

لباس سنتی زنان و مردان مناطق غربی کشور با لباس کردان خراسان تفاوت دارد.

### الف - لباس زنان کردان مناطق غربی

- ۱- پیراهن بلند
- ۲- شلوار جافی از پارچه های رنگی و قرمز یا زرد یا سبز بالای شلوار گشاد و پائین آن تنگ است.
- ۳- دستمال سر
- ۴- کلیجه (جلیقه) از مخمل با نوارهای رنگین و قیطان نقش و نگار در دور



مردی از کردان کردستان (عکس از اطلاعات) با لباس سنتی

یقه و دامن.

۵- کفش چرمی پاشنه کوتاه

ب - لباس مردان

۱- نیم تنه یقه بسته کوتاه

۲- شال کمر

۳- شلوار بالا گشاد و پائین تنگ

۴- شال پیچیده به سر

۵- کفش چرمی پاشنه کوتاه

لباس کردن مناطق غربی مانند لباس اصیل ایرانیان دوره ساسانی است که امروز در تن کردن و بلوچان و افغانستان و غیره می بینیم.



بخش هفتم

فرهنگ مردم کُرد





## بخش هفتم

### فرهنگ مردم کرد

#### عقاید و رسوم

مردم ایل‌ها و طایفه‌های کرد خراسان به سادات و مزارات امامزاده‌ها عقیده و احترام خاص دارند و در مشکلات و گرفتاریهای زندگی و بیماریها با نذر و نیاز به سادات و امامزاده‌ها توسل می‌جویند و حتی دختر نذری نیز به سید می‌دهند که خود نگارنده در جریان موارد متعددی بوده‌ام.

#### اعیاد مذهبی

در اعیاد فطر و قربان آداب عید رابا علاقه انجام می‌دهند و در عید قربان شتر و گوسفند با تشریفات قربانی می‌کنند.

#### عزاداری و روزه خوانی

در ایام سوگواری ماه محرم در مراسم عزاداری شرکت می‌کنند و در محل سکونت مجلس روزه خوانی دایر می‌نمایند و شرکت کنندگان را اطعام می‌نمایند.

## اعیاد و جشنهای ملی

جشنهای ملی نوروز، سیزده بدر، سمنوپزان، شب چله، ختنه سوران و عروسی را با شکوه توأم با رقص و شادی برگزار می کنند.

## عقاید و رسوم و جشنهای ملی طایفه های کردستان «جواد شمه کله»

چوار - بمعنی چهار

شمه - بمعنی شب

اکوله - بمعنی کوتاه - بی دنباله

چهارشنبه آخر سال را در کردستان چهارشنبه بی دنباله «جوادشمه کله» می گویند. زیرا در آن سال آخرین چهارشنبه سوری است که چهارشنبه دومی را به دنبال ندارد. در سنندج برخلاف اکثر شهرستانهای ایران در شب چهارشنبه سوری آتش افروزی نمی کنند. آتش افروزی و آتش بازی و از روی آتش پریدن و ترقه در کردن و سایر کارهاییکه در تمام شهرستانها در شب چهارشنبه سوری اجرا می شود در سنندج انجام نمی گیرد. این آیین در سنندج با شکوه بیشتری در شب عید نوروز اجرا می گردد. چهارشنبه سوری چوارشمه کله (سنندج از ظهر سه شنبه تا بعد از ظهر چهارشنبه به این صورت اجرا می شود. از ظهر روز سه شنبه آخر سال جنب و جوشی که مقدمه اجرای مراسم است در میان زنان، دختران، اطفال و گاهی نیز تعداد از مردهای جوان و میانسال بچشم می خورد. شیوه تدارک برای اجرای مراسم آنقدر گویا است که اگر کسی از تقویم روز هم بی اطلاع باشد از قرائن می فهمد که شب چهارشنبه سوری است

ساعت دو تا سه بعد از ظهر از محله های شهر دسته دسته زنان و دختران و بچه ها که همه لباس های تازه و پُر زرق و برق پوشیده و در حد متداول آرایش

کرده اند راهی بان دواخانه «دباغ خانه» می شوند. دباغخانه در پائین شهر و در محلی که یک نهر از آن میگذرد واقع است. هر کدام از زنان و دختران دم بخت یک تخم مرغ و یک شیشه خالی یا ظرف سفالی خالی همراه می برند و در منطقه وسیعی که اطراف آنرا باغات «گریاشان» دربر گرفته و نهر بزرگی از وسط آن می گذرد پراکنده شده و بعد هر کس می سعی دارد خود را به مجرای خروجی فاضل آب دباغخانه برساند که در نتیجه سروصدا و بیابرو و قیل و قال برپا می شود. وقتی این سروصدا و ازدحام با انواع چادرهای گل گلی درمی آمیزد از دور منظره بسیار جالبی را بوجود می آورد.

هر یک از دختران به محض رسیدن به محل مورد نظر و دسترسی به آب خروجی دباغخانه تخم مرغی را که همراه آورده سرشکن می کند و پس از ریختن سفیده و خوردن زرده خام آن با همان پوسته تخم مرغ که در حال بصورت یک فنجان کوچک قابل استفاده است دو سه بار در حالی که زیر لب هر کس به فراخور آمالش نیت می کند از آب مورد نظر برمی دارد و به سرو صورت و موها و لباس هایش می پاشد. پس از آن شیشه خالی را که همراه آورده از همان آب دباغخانه پُر و محل را برای دیگران که قیل و قالشان به هوا بلند است خالی می کنند...

هر کس پس از رسیدن به منزل فوراً آب دباغخانه را که در بطری همراه آورده است در حاشیه اطاقها و کنار فرش و اثاثیه و مخصوصاً پاشنه درها می پاشد و نیت می کند که تمام بلا و یا نحوست اعم از فقر و مرض و پریشانی و بدشانسی از خانه و کاشانه ما دور شود.

### دود کردن اسپند

هنگام غروب آفتاب مقداری اسپند روی آتش می ریزند و ضمن اینکه تمام افراد خانواده خود را روی دود آن می گیرند سعی می کنند دود در تمام اطاقها و گوشه و کنار خانه نفوذ کند. با دود اسپند نیت خود را همانا کور شدن چشم

حسود و کوتاه شدن دست جن و شیاطین از زندگی شان و دور شدن بلا از جسم و جان خود و عزیزان است با صدای بلند ادا می کنند و با خواندن الحمد و قل هو الله در میان دود فوت می کنند. دست و صورت و دامن خود را روی آن می گیرند.

### زاج سوزی

برای رفع اثر چشم زخم یک لکه زاج سفید را در میان آتش می اندازند تا خوب بسوزد بعد زاج که در آتش بعلت تبخیر آب تاول زده و بهرحال شکل بخصوصی بخود گرفته نگاه می کنند. اگر آتش زاج حاصل از سوختن بصورت تقریبی یکی از حیوانات چرنده، خزنده، پرنده در آمده باشد که این یکی فقط در مورد بچه ها بکار می رود. معتقدند که بچه از فلان جانور ترسیده. اگر نتوانستند وجه شبهی در ذهن خود درست کنند مطمئن می شوند که اثر چشم زخم است. زاج سوخته و شکل گرفته را زیر پای فرد مورد نظر له می کنند تا سبب را از بین برده و رفع بلا کنند.

### نان و نمک

به مقداری نان، مقداری نمک طعام ریخته و مجاله کرده و به یکی از بچه ها (دختر یا پسر) یا بزرگسالان می دهند تا نان و نمک را در کنار دیوار کوچه بگذارد و بی اینکه دوباره به آن دست بزند یا روی خود را بطرف آن برگرداند و به خانه برگردد. در اینمورد عقیده دارند که هر گرهی در جریان رزق و روزی آنان باشد، بدینوسیله باز و گشایش در کار و در آمدشان حاصل خواهد شد. اعتقاد با این آداب مخصوص طبقه عوام است.

### جاروسوزی

در هر خانه یکدسته جاروی کار کرده و کهنه را که به زبان محلی «گوزگه کوتره» می گویند، گزک یعنی جارو، کوتره یعنی وارفته، مهیا می کنند و یک

سگه پول در داخل آن می گذارند و آنرا آتش زده از دیوار حیاط به بیرون پرتاب می کنند. سعی بر آنست که جاروی آتش گرفته اولاً به در و بام و خانه همسایه نیفتند و پس از آن انداختن به پشت سر خود نگاه نکنند، چه در آن صورت تمام بلایا روی سر خودشان خالی می شود.

### سفال شکنی

در مورد رسم سفال شکنی (شب چهارشنبه ها) روز چهارشنبه سوری الزاماً باید این نکته را یاد آورد شد که بر اساس یک اعتقاد دیرینه چون بخواهند فردی را در حال رفتن بدرقه کنند و غرض این باشد که دیگر آن شخص برنگردد و او را هیچگاه نبینند بدنبال او یک ظرف کهنه سفالی می شکنند و معتقدند دیگر چهره این آدم را که بعللی از او متنفر شده اند نخواهند دید.

باری بر اساس معتقدات مذکور عصر روز چهارشنبه سوری در هر خانه سفال کهنه ای دم دروازه می شکنند و می گویند «برو چهارشنبه نحس تا دیگر برنگردی، برو تمام نحوستت را با خود ببر»\*

### معتقدات طایفه های کرد انبی - توگور

- ۱- اگر مردی از زیر دوک نخریسی بگذرد از مردی می افتد.
- ۲- اگر مردی اولین گرده نانی که از تنور بیرون آورده می شود بخورد زنش می میرد.
- ۳- اگر کسی بخواهد از زیر دیگ شیری که در حال جوشیدن است گلی آتش بردارد صاحب دیگ بدش می آید و می گوید اگر آتش را ببری برکت از شیرهای گوسفند من خواهد رفت.
- ۴- گوش ماهی و لاک پشت را به بند مشک کره گیری می آویزند تا برکت آن زیادتر شود.

\*- فریقی، احمد، مجله هنر و مردم، شماره ۱۱۹ - ۱۱۸ ص ۱۸۴ و ۱۸۵.

۵- قاپک پای آهو را به نخ می کنند و به گردن گوسفند می آویزند تا بهنگام حمله گرگ بتواند مانند آهو بگریزد.\*

### جشن آب نو - کردان ترگوری

مردم کرد انبی از توابع دهستان ترگور - ارومیه، جشنی دارند بنام جشن «آب نو» که جشنی است سرشار از نشاط و کار و پاکیزگی. فردای شب یلدا نزدیک ظهر خانواده هایی که حیاط و حوض و آب انبار دارند، کوچک و بزرگ از کنار حوض یا آب انبار و تا در خانه در یک رده می ایستند. سرپرست خانه سطلی بدست می گیرد و آنرا از آب یکساله مانده حوض یا آب انبار پر می کند و به دست کنار دستی خود می دهد و او نیز به دست یکی دیگر و آخرین نفر آب را بیرون می ریزد. بهمین ترتیب آب کهنه را بیرون می ریزند و حوض آب انبار را از آب تازه و پاکیزه پر می کنند به ناهار می نشینند. نزدیکی های عصر که کوه ستاره ای لوندبر انبی سایه می کشد همه اهالی چه آنها که حوض و آب انبار دارند و چه آنهائیکه ندارند به صدای ساز و دهل نوازندگان محلی از خانه ها بیرون می ریزند و در میدانگاهی جلوی خانه سرپرست طایفه به گرد هم می آیند و تا پاسی از شب گذشته شادمانه می رقصند.\*

### رقصهای کردی

رقصهای کردی از پرجنب و جوش ترین رقصها است و لبریز از غرور و نشاط است که زن و مرد کرد در هم آمیخته و به اجرای آن می پردازند. رقصهای کردی در خراسان چند نوع است:

\*- کلاتری، منوچهر، مجله هنر و مردم، مقاله تحقیقات اداره فرهنگ عامه، ص ۴۱.

\*- همو، همان کتاب، ص ۴۱.

۱- رقص یک قرصه (ضربه) دو نفری

۲- رقص دو قرصه دستجمعی

۳- رقص سه قرصه چوبی دو نفری

۴- رقص چهار قرصه دایره ای زنان

رقص دایره ای زنان که دستجمعی انجام می شود بسیار جالب و تماشائی است این رقص به این ترتیب است که جمعی از زنان و دختران با لباسهای رنگارنگ زیبا در جشن نوروز یا عروسی در یک صف دایره ای شکل به آهنگ ساز و دهل به رقص می پردازند. در این رقص هر دو نفر روبروی هم و پشت به یکدیگر قرار می گیرند و ضمن رقص بدون آنکه از صف خارج شوند و یا نظم دایره را بهم بزنند به دور خود و همچنین در و دیوار می چرخند. (مانند فریره در دور سینی) و هر بیننده را به مهارت خود در حرکات دستها و پاها که بسیار ظریف و سریع انجام می شود به تحسین وامی دارند.

رقص چوبی مردان هم که یک نوع مبارزه است دیدنی است. هر دو نفر با هم می رقصند و هر یک دو چوب کوتاه بدست دارند و به آهنگ ساز و دهل دوبار چوبها را در دست خود بهم می زنند. سپس سریعاً چرخیده و یکبار هم هر دو چوب را به دو چوب حریف مقابل می زنند. در به هم زدن چوبها و چرخیدن دور خود آنچنان سریع حرکت می کنند که تماشاگران را از چالاکی و مهارت خود دچار حیرت می سازند این رقص از دشوارترین رقصهای کردی است.

### رقصهای کردی ترگور و غرب ایران

میان کردهای انبی ترگور، پنج جور رقص رواج دارد که در همه سرزمین کردنشین غرب ایران نیز با اختلافهای ناچیزی معمول است. مردان و زنان یا مردان تنها هنگام رقصیدن بشکل دایره یی بریده می ایستند.





دسته نوازندگان بومی کرد قوجانی و تماشاچیان درروز جشن ورقص



گروهی از زنان کرد قوجانی دررقص دسته جمعی

- ۱- رقص شیخانی Ceyxani شیخانی آهنگی تند و رزمی دارد و با آن تنها مردان می رقصند.
- ۲- رقص سه پایی Sepai رقصندگان زن و مرد سه پا پیش می آیند و سه پا به پس برمی دارند.
- ۳- رقص چراورو Ceravro زن و مرد به فرمان ضرب یک پا و با صدا به زمین می کوبند و سپس زانوی خود را کمی خم می کنند و با یکصدا و یک آهنگ می خوانند «چراورو، چراورو»
- ۴- رقص ممیان Mamyanc زن و مرد انگشتان کوچک دستهایشان را بهم می اندازند و دوبار دستها را تا نزدیک سینه بالا می آورند و بعد پنجه دست راست را به شانه چپ و پنجه دست چپ را به شانه راست می زنند و با هر حرکتی یکصدا می خوانند «ممیان گرگرممیان». بعد از آنکه چند بار دستها را به سینه آوردند و به پائین بردند یکباره همگی پای راست را بزمین می کوبند و می خوانند «گرگرممیان هرممیان».
- ۵- رقص زراویک Zaravige - زراویک رقصی است شورانگیز و تغزلی. زن و مرد «لوندیها» را از میچ می گشایند و همراه با آهنگ زرنا و دهل پاها و دستها را بالا می برند و پایین می آورند. لوندیهای سفید در فضا نقشهایی درهم و شوق انگیز ترسیم می کنند و هنگامیکه پایکوبی و دست افشانی به اوج خود می رسد و آهنگ هنگامه ای برپا می سازد، رقصندگان می خوانند: «هاژر اویک وای وای» یعنی: چه نازک و ظریفی تو وای وای «چماچمال ل؟» چرا، چرا اینطور شدی «دبلا و یید وای وای» بگذار جوری بشود، وای وای «دست مژی، پا خلا تویدی وای وای» که دست من روی سینه تو باشد.\*

---

\*- ص ۴۰، هنر و مردم - از تحقیقات فرهنگ عامه - منوچهر کلاتری.

## آیین خواستگاری و عروسی در کردستان

شیرین ترین و زیباترین مراسم کردان، مراسم عروسی است. عده ای از ریش سفیدان محل به منزل پدر دختر که باید خواستگار شود می فرستند و چنانچه با درخواست آنان موافقت شد، بلافاصله کار را انجام شده می دانند و روز عقد را تعیین و طبق مقررات مذهبی مراسم عقد انجام می گیرد. عده ای از معتمدین در روز عقد به خانه عروس می روند، عروس را سوار بر اسب کرده و به خانه داماد حرکت می دهند و چنانچه در مقابل دختری، دختری دادند در یک روز معین این دو عروس را طوری حرکت می دهند که در وسط راه بتوانند تحویل و مبادله نمایند. به دنبال عروسان یک نفر مرد و یک نفر زن از خانواده و بستگان عروس حق دارند به منزل داماد بروند و مرسوم است که کلیه بستگان داماد برای داماد و خویشاوندان عروس، برای عروس، هدایایی مثلاً پول، طلا یا پارچه های گران قیمت می آورند. پس از نزدیک شدن عروس به خانه داماد، باتیراندازی، سواری، رقص و پایکوبی از عروس استقبال می کنند. به مدت سه الی هفت روز ضیافت در منزل داماد ادامه دارد که به محض ورود عروس پایان می پذیرد، از طرف مدعوین مبالغی به آوازخوان و کسانی که دهل و سرنا می نوازند به عنوان شادباش داده می شود. در قدیم یکی از مراسم عروسی، آزمایش نیروی بدنی داماد بود، نزدیکان عروس و داماد همگی بر اسب نشسته و در میدان خارج از روستا یا سیاه چادر، گرد یکدیگر حرکت می کردند و کم کم به داماد نزدیک می شدند. داماد بایستی

با تهوّر و زبردستی خود را از میان سواران خارج نموده و به عروس که روی اسب نشسته نزدیک شود و او را از روی زین اسب ربوده، بر ترک خود به نشاند و فرار کند. اگر کسان عروس در موقع تعقیب، داماد را به دست می آوردند، عدم لیاقت و کفایت داماد در فنون پهلوانی ثابت می شد و عروس از ازدواج با او امتناع می کرد. سابقاً معمول بوده است که هنگام ورود بستگان عروس به خانه داماد ظرفهای بزرگ که از سرکه و شیر مخلوط کرده و به تعداد نزدیکان عروس قاشق چوبی حاضر می نمودند، کساین عروس پس از نوشیدن سرکه شیر، قاشق را با خود به خانه عروس می بردند، اخیراً این رسم منسوخ شده ولی کسان عروس از خانه داماد قاشق می گیرند.

### مراسم رقص عمومی

مراسم ریگر، افروختن آتش و رقص عمومی بود. زنان و مردان خصوصاً دختران و پسران دور آتش دست به دست یکدیگر داده با آهنگ ساز و دهل می رقصیدند.

گاهی یک زن و یک مرد به ترتیب دایره وار می ایستادند و این رقص را چوبی و رشبلیک (رشبلیک تعبیری از تقارن جو و گندم است) و گاهی نیز فقط مردان جوان از روی آتش جست و خیز می کردند و آن را «چوبی هل پرکه» می گفتند.

### مراسم نوزاد اول و نام گذاری

هنگام وضع حمل، بیشتر زنان همسایه و روستا جمع شده در صورتی که

وضع حمل به تأخیر بیفتد، نزدیک در اتاق یک نفر رو به قبله ایستاده و هفت مرتبه اذان می گوید و یا در لنگه کفش یکی از مقدسین آب ریخته به خورد زن می دهند. تا شب هفتم از نوزاد و نgebانی می نمایند که به اصطلاح خودشان از شَرِّ جَن و غول محفوظ بماند و در شب هفتم با مجلس سرور و شادمانی نام گذاری می کنند.\*

### بازی های کودکان کردستان

بازی خرمایله یا خواستگاری از شرف نسا خرمایله به معنی موخرمایی و سرخ و سفید و در این جا کنایه از عروس می باشد.

ابتدا دو دختر که از طرف خانواده داماد به دنبال عروس آمده اند، دست به گردن یکدیگر انداخته و با دست دیگر به سینه خود می کوبند و با قیافه خندان آمیخته به اشتیاق و التماس، در حال آمدن به طرف دختر کوچکی که در میان جمعی از کودکان بر روی زمین مؤدب و سر به پایین نشسته است در (همان عروسی است که شرف نسا نام دارد) با آهنگ مخصوصی چنین می خوانند:

خرم و خرم و خرمایله xorm - o - xorm - o - xormayla

برگردان فارسی: خرما، خرما، خرمایی

تتکه، ملم، بریایه

tat - ka - yamel - embrvava

برگردان فارسی: گردن بند گردنم بریده شده است.

سرمهٔ چوم سریایه

برگردان فارسی: سرمه چشم سر خورده است.

سلام، سلام، شازاده

\*- افشار سیستانی، ایرج، چادر نشینان و طایفه های عشایری ایران، ج ۱، ص ۲۳۱.

دختران کوچک دیگر که در نزدیک شرف نسا نشسته و چنین می نمایند که  
از خانواده عروس می باشند در پاسخ می گویند:

علیک سلام بیگزاده

دو دختر خواستگار گویند:

طشت طلاها آوردیم، شرف نسا بویم

یعنی، طشت طلا آوردیم شرف نسا را ببریم.

آن گاه چشمان شرف نسا را با دستمال می بندند و در حالی که بر زمین  
نشسته و انگشتان بزرگ پا را در مشت گرفته است زیر بازوانش را می گیرند و او  
را از زمین بلند می کنند و به وی می گویند:

بن شوال دالکت نوری

یعنی بند شلوار مادرت را نبری

مقصود این است که انگشتان پا را راها نکنی.

سپس او را به جایی که قبلاً با سنگریزه یا تر کردن، نشانه کرده و یکی را  
بهشت و دومی را دوزخ و سومی را برزخ نام نهاده اند می برند و از وی می پرسند،  
کدام یک از این علامت ها را می خواهی، اگر عروس که چشمانش با دستمالی  
محکم بسته شده است. انگشت خود را بر روی علامتی که قبلاً دوزخ نام نهاده شده  
است نهاد، با دو دست بر سر و صورت او پنجه زده و می گویند:

اوم به سرت دوزخی

ام به سرت دوزخی

و اگر انگشت خود را بر روی علامتی که قبلاً برزخ نام نهاده شده است

گذاشت، بر سر و صورت او پنجه زده و می گویند:

خرگه سرت برزخی

خرگه سرت برزخی

یعنی گل به سرت برزخی

و اگر انگشت خود را بر روی علامتی که قبلاً بهشت نام گذاری شده است

نهاد، با خنده و شادمانی گویند:

گل به سرت بهشتی، گل به سرت بهشتی.

در حقیقت این عمل کنایه از (سفید بخت) یا (سیاه بخت) شدن عروس در خانه شوهر و بستن چشم عروس و او را کور کورانه به جای دیگری بردن، اشاره به این است که عروس در خانه شوهر باید کاملاً فرمان بردار باشد و او امر خویشان داماد را کور کورانه اطاعت کند.\*

### پوشاک کردان غرب کشور

الف - کلاه، کلاو Kelav کلو kolu بیشتر زنان موهای سر خود را می‌بافند و کلاه مخملی تر کردار tarakdare بی لبه به سر می‌گذارند و برخی از زنان گیسوان بافته خود را روی این کلاه مخملی گره می‌زنند و عده ای نیز پس از شانه زدن، آنها را در دو سوی چهره آزاد و رها می‌کنند.

۲- سر بند، سرون sarvan - سرووین sarv - vain: دستمالی است ابریشمی و چهار گوش مشکی و آن را پیش از بستن به سر به شکل لچک درمی‌آورند، آن گاه میانش را روی پیشانی می‌گذارند و دو سرش را به پشت سر می‌برند و چپ و راست می‌کنند و باز برمی‌گردانند و بر روی پیشانی گره می‌زنند، گاهی نیز بانوان بویژه دختران و نوعروسان به جای سر بند، از کلاهک یا عرقچین منجوق دوزی شده ای استفاده می‌کنند که وسیله دلخواهی برای انباشتن زر و زیور و یا

---

\*- همو، همان کتاب، ص ۲۴۳.

سگه ارایی بر آن است.\*

۳- روسری، گل و نی golvani - دستمال رنگین و ریشه دار بزرگی است که روی سرون به دور سر از راست به چپ پیچیده می شود، ریشه های آن پس از بسته شدن به دور سر می افتد.

۴ - دستمال سر، مشکی Boyam Meski: در برخی از روستاها زنان این دستمال را به جای روسری به دور سر می بندند.

۵ - زیر پیراهن، ژرکراس Zerkeras ژیرشوی Zirsuy: زیر پوش بیشتر از چلوار دوخته می شود، دوخت آن ساده و دامنش بلند است به طوری که لبه پائین آن به روی پآ مالیده می شود، آستینهای آن از سر شانه تا زیر آرنج، گشاده و ساده و از زیر مچ تا مچ، تنگ و پر چین است و مچش با تکمه بسته می شود.

۶ - پیراهن، شو ser، کرواس Korvas: بیشتر از پارچه های زمینه گلی، گل بوته دار درشت دوخته می شود. بالاتنه آن ساده است و چاکلی در پیش سینه دارد که از زیر گلو تا زیر پستان باز و با سه تکمه بسته می شود، آستینهای آن بلند و مچ دار است و با تکمه به هم می آید.

۷ - شلوار، شوال جافی Saval Jafi معمولاً از پارچه های رنگین بوته درشت دوخته می شود و لیفه ای موج دار است و به جای بند، کش می کشند و به سر مچ و پایش تکمه می دوزند

۸ - نیم شلوار، یا تنکه، تنک Toneka، ژرشوال، شوال کل Savalkol: برخی از زنان در زیر شلوار خود، شلوار لیفه ای کوتاهی می پوشند که از پارچه های ساده دوخته می شود.

۹ - جلیقه، سخم Soxma، جلیقه را از مخمل ساده به رنگهای گوناگون می دوزند و بر روی پیراهن می پوشند، دهنه جیب و لبه های چاک جلو و پایین جلیقه یراق دوزی است،

۱۰ - نیم تنه، سلت Sata، بعضی از زنان در زمستان روی پیراهن یا جلیقه نیم

\*- همو، همان کتاب، ص ۲۷۹.





زن کرد ، در حال رسیدن پشم

از افشار سیستانی

(۱۶۶)

تنه آستین داری می پوشند، این نیم تنه از مخمل سیاه یا صورتی رنگ است. جلوی نیم تنه مانند جلیقه باز و سر آستین و دهنه جیب و لبه های چاک جلو و پایین آن یراق دوزی است.

۱۱ - قبا، کتیر Koter، قوا qeva روی جلیقه قبای تمام آستر بلندی می پوشند که رویه آن از مخمل یا فاستونی، و آسترش از چیت ساده یا گلداز است. دوخت آن مانند قبای مردانه می باشد و معمولاً به دور یقه اش یراق یا سکه قدیمی می دوزند.

۱۲ - پالتو، زبون Zebun، کوا Kava: برخی از زنان در زمستان روی قبا و در تابستان روی پیراهن پالتوئی از مخمل سیاه می پوشند که دوختن آن مانند قبای مردانه است.

۱۳ - روپوش، ماشت Masta روپوش، پارچه سیاه ابریشمی یک تکه ای است به درازای دو متر و پنهای یک متر و نیم، این پارچه را زنان هنگام بیرون رفتن از خانه بردوش می اندازند و دو سر آن را در زیر گلو گره می زنند.

۱۴ - جوراب و کفش مانند شهری ها است

### ب - پوشاک مردان

۱ - عرقچین - مردان، عرقچین ساده یا رنگینی به سر می گذارند که از دست بافتهای زنان خودشان است.

۲ - سربند، سرون Sarvan: دستمال ابریشمی ریشه داری است به رنگهای سیاه و سفید که در تهران آن را کلاغی می نامند.

۳ - زیر پیراهن، زیر پیراهن مردان مانند عرق گیر شهری است که از بازار خریداری می گردد.

۴ - پیراهن، پیراهن مردانه رازز متقال یا چلوار ساده و بلند و آستین دار و بی یقه می دوزند و دو پهلوی پایین آن را چاک می دهند، یقه و چاک پیش سینه پیراهن معمولاً با سه تکه بسته می شود.

۵ - جلیقه، از پارچه ساده و ضخیم دوخته می‌شود، تقریباً مانند جلیقه‌های مردانه شهری است.

۶ - قبا، مردان روی پیراهن با جلیقه قبایی از پارچه‌های ضخیم و تیره رنگ می‌پوشند.

۷ - نیم تنه، زبون Zebun؛ نیم تنه مردانه از پارچه‌های ستبر تیره رنگ و ساده بی یقه و بی تکمه دوخته می‌شود.

۸ - شال کمر، شال پشت Salpest: مردان به کمر خود روی قبا، شال ابریشمی رنگین گل و بوته دار می‌بندند که در ازای آن به چهار تا پنج متر می‌رسد، این شال طوری بسته می‌شود که از بستن آن بر روی شکم چند گل یا نیم گره پیدا می‌شود.

۹ - مچ پیچ، فقیان Fagiana پارچه‌ای است از کتان یا ابریشم سفید که آن را به شکل یک کیف می‌دوزند به طوری که یک دهانه اش تنگ و به اندازه مچ دست و دهانه دیگرش گشاد و گوشه دار و آویزان باشد، مچ پیچ را از روی قبا یا نیم تنه یا جلیقه در دست می‌کنند و گوشه دهانه گشاد آن را که دراز و آویزان است از زیر آرنج تا نزدیک مچ به دور دست می‌پیچند.

۱۰ - شلوار، از دیت یا پارچه ابریشمی مشگی و سفید می‌باشد، دوخت آن ساده است و لی لیفه دار و از کمر گاه تا مچ پا گشاد و فراخ و مچ پای آن تنگ و چسبان است.\*

### مراسم عروسی در طایفه‌های لر

در جشن عروسی (لران) ساز و دهل و آهنگهای محلی نواخته می‌شود.

۱ - رقص، مردان و زنان به رقص چوبی می‌پردازند و دستمالهای الوان

---

\*- همو، همان کتاب ص ۲۸۱ - ۲۸۲

می افشانند، در بین طایفه های حوزه شهرستان الیگودرز ضمن رقص دسته جمعی بازی معروف چوب بازی را شروع می کنند و مثل عشق شمشیر بازی با حمله و دفاع طرف را شکست می دهند.

۲ - عروس کشان، در موقع ورود عروس، کسان عروس سعی می نمایند کلاه داماد را از سرش بردارند و سواران همراه داماد هم دفاع می کنند و اغلب بین آنان منجر به نزاع می شود. در هنگام ورود عروس، داماد عروس را در آغوش گرفته به منزل می برد، و در ورود عروس به منزل، خویشاوندان داماد از بالای سر عروس شربنی و نقل و قند پرتاب می کنند و مدعوین آنها را جمع آوری می نمایند.

گاهی اوقات داماد با چوبی که در دست دارد به سر عروس می زند که اغلب موجب شکستن سر عروس می شود.

ازدواج در بین لُران به صورت درون گروهی است و با زن شوهر مرده یا مطلقه ازدواج خارج از گروهی ممنوع است و انجام آن سبب جنگ و خون ریزی بین طایفه ها می شود.\*

### مراسم تدفین بین طایفه های لر

هنگامی که سرپرست یا بزرگ طایفه ای می میرد ... زنان و مردان در خانه متوفی گرد می آیند و مردان خَر Xarra (گل gel) به کلاه و شانه های خود می مالند، در این هنگام اسب سواری مرده را که پوشاک و افزارهای جنگی و شکاری او را بر آن نهاده اند می آورند، روی پوشاک و افزارها، پارچه های الوان و روسری های زنانه انداخته و کلاه متوفی را بالای همه آنها گذاشته و همچنین گیسوان بریده زنان را (زنان نزدیکان مرده دسته ای از گیسوان بافته خود

\*- همو، همان کتاب ص ۳۷۴

را می برند و بر روی جسد می اندازند ( با نخ‌ی به گردن اسب آویخته اند، اسب را در این هنگام کتل Kotal می نامند .

همراه کتل، نوازندگان با سرنا و دهل به راه می افتند و آهنگ غم انگیزی به نام چمر Camar که ویژه سوگواری است می نوازند. پس از آن مرده را به شیوه معمول شسته و غسل می دهند و در تابوت می گذارند و مردان تابوت را بردوش می گیرند و کتل را پیشاپیش آن به راه می اندازند و به گورستان می برند و دفن می کنند، میان حاضران حلوا پخش می نمایند، عزاداری سه روز طول می کشد، زنان در نوحه و زاری مجلس عزاداری متوفی این اشعار را می خوانند:

پلنگ پوس نبان زین تلاو

ستیرت مار دم ز میرت نماو

برگردان فارسی

پوست پلنگ بالای زین طلایت است

تفنگ سه تیرت مار هدن و زمرد نشان است\*

### مراسم خواستگاری

قدیم میان ایل‌ها و طایفه‌های کرد رسم بود که دختران هر طایفه را به پسران همان طایفه به شوهر بدهند و در رعایت و انجام این رسم حمیت و تعصب داشتند. گزینش همسر برای پسر بین کردان کوچ نشین اغلب در ییلاق که طایفه‌ها چادرهای خود را در کنار یا نزدیک به هم برپا می ساختند و در اطراف هم کار و زندگی می کردند صورت می گرفت. به این ترتیب که پسران و دختران به هنگام کار مشترک و آوردن آب از چشمه یا قنات همدیگر را می دیدند و به هم دل می بستند و همسر دلخواه خود را انتخاب می کردند. پسر پس از دل بستن به

---

\*- همان کتاب ص

دختر دلخواه خود موضوع را به مادر و خواهر خود ابراز می‌کرد. امروز بین طایفه‌های کرد یکجانشین یا در میان کوچ‌نشینان وضع تغییر کرده و تعصب قدیم را ندارند دختر به پسر غیر طایفه خود می‌دهند.

### خواستگاری «خازمنی»

مادر پسر به بهانه‌ای به چادر یا خانه خانواده دختر می‌رود و دختر را می‌بیند بی آنکه سخنی گوید به محل اقامت خود برمی‌گردد و از خوبی و زیبایی دختر برای شوهرش تعریف می‌کند. شوهرش تصمیم می‌گیرد آن دختر را برای پسرش خواستگاری که آن را Kazmni می‌گویند و در یکروز خوش (ساعت سعد) پدر به اتفاق چند نفر ریش سفید و بزرگ طایفه به خانه پدر دختر می‌روند و از دختر دلخواه پسرش خواستگاری می‌کنند. اگر پدر دختر با این پیوند موافق نباشد به خواستگاران روی خوش نشان نمی‌دهد و به بهانه‌ای مانند دخترم هنوز کوچک است یا قبلاً به پسر فلان فامیل نامزد کرده ایم به خواستگاران جواب رد می‌دهد. چنانچه با این ازدواج موافق باشد در همان مجلس در مورد شیربها، مهریه که عبارت است از مبلغی پول\* و چند راس گوسفند و غیره با نوع و مقدار جهیزیه که رخت و رختخواب و فرش و ظروف و احتیاجات ضروری زندگی است به گفتگو می‌پردازند. پس از توافق در پیرامون روز نامزدی و عروسی صحبت می‌کنند و موعد انجام هر یک را تعیین می‌نمایند.

---

\*- در یک قرن قبل مهریه دختر در یک طایفه سرشناس کرد چنین بود: مس یکدست به قیمت بیست تومان، فرش یکدست به قیمت بیست تومان، ملک حصه زوج از دایر و بایر و نقد ده تومان که بر ذمه زوج باقیمانده - ص ۱۰۵ حرکت تاریخی کرد خراسان - کلیم الله توحیدی ۱۳۵۹

## نامزدی «دزورانی»

قبل از روز انجام مراسم نامزدی نخست از خانه داماد مقداری برنج و روغن و آرد یا نان و گوسفند یا بز و قند و چائی و شیرینی به خانه دختر می فرستند تا برای آنروز ناهار تدارک ببینند، سپس پدر و مادر و برادر و خواهر داماد همراه چند نفر از بستگان خود و ریش سفیدان طایفه، برای شیرینی خوردن و انجام مراسم به خانه پدر داماد می روند. مادر داماد یک انگشتر طلا و مقداری شیرینی همراه خود می برد و پس از خوردن ناهار مادر پسر انگشتری نامزدی را به انگشت عروس رد می کند. انگشتری نامزدی را به کردی کلوانک دزورانی Kelvaneke Dazuiani می گویند. در این موقع زنان هلله و شادی می نمایند و نقل بر سر عروس می پاشند. سپس پدر و مادر داماد روز خرید رخت عروسی و روز انجام عقد را تعیین می کنند و برمی گردند.

چند روز پس از نامزدی داماد برای دیدن نامزد خود به خانه دختر می رود. دختر که قبلاً تعلیم یافته لیوان شربتی نزد داماد می آورد و داماد هم هدیه ای مناسب از قبیل انگشتر طلا یا دستبند طلا به نامزد خود تقدیم می کند و مدتی نزد هم می مانند و برای خرید و زندگی آتیه صحبت می کنند با خوشحالی از هم جدا می شوند. سپس پدر و مادر داماد و دختر برای خرید مذاکره می نمایند و صورتی از احتیاجات تهیه می کنند. رخت عروس را بر اساس سنت ایلی از پارچه های رنگارنگ انتخاب می نمایند و می خرند و لباس داماد را هم خانواده دختر در همان روز تهیه می کنند و پس از انجام مراسم عقد ازدواج طرفین قرار روز عروسی را که اکثراً در پائیز و فراغت از کار در خانه مسکونی برگزار می شود می گذرانند.

### مراسم عروسی

روز پیش از مراسم حنابندان در خانه دختر انجام می شود و رخت و جهیزیه

عروس به خانه دختر فرستاده می‌شود. روز عروسی در خانه داماد فعالیت چشم گیر و جنب و جوش جالب آغاز می‌شود. یکجا بز و گوسفند سر بریده و مشغول پوست کندن و قطعه کردن گوشت هستند. جایی آشپز و دستیارانش برنج خیس کرده و دیگها را برای پختن پلو و خورش آماده می‌کنند، زنان اطاقها را فرش و تمیز کرده و آماده پذیرائی مدعوین می‌نمایند. چند زن مشغول پختن نان هستند، دسته‌ساز و دهلی از صبح آنروز مشغول نواختن آهنگهای شادی بخش است. زنان و دختران با لباسهای رنگانگ زیبا، سفید، سرخ، زرد و آویختن زینت و آلات به سرو گردن جلوه خاص به محیط جشن عروسی می‌دهند و دستجمعی دور هم حلقه زده به رقص و پایکوبی مشغولند.

عروس را به حمام می‌برند و لباس نو برش می‌کنند و بخانه می‌آورند و آرایش می‌دهند و نقاب سرخ رنگی که غالباً روسری نازک گلدار است برویش می‌اندازند، داماد را هم حمام می‌برند و رخت دامادی را برش می‌کنند. عروس را پس از صرف ناهار می‌آورند.

در گذشته میان ایل‌ها رسم بود که قبل از انجام عروسی بر اساس سنت سرپرست خانواده داماد هدایائی از قبیل قالیچه، گوسفند، روغن به ایلخانی (رئیس ایل) پیش کش می‌کرد و اجازه برگزاری جشن عروسی را می‌گرفت.

موقع آوردن عروس به خانه داماد عده‌ای از نزدیکان داماد به خانه عروس می‌روند و او را همراهی می‌نمایند. عروس را با ساز و دهل و هلهله و شادی به خانه داماد می‌آورند. هنگامیکه عروس به چند قدمی خانه داماد می‌رسد داماد هم با همراهان خود از عروس استقبال می‌کند. پس از رسیدن عروس به جلو خانه داماد، تعدادی سگه ریز و نقل روی سر عروس می‌پاشند. عروس را به خانه و حجله وارد می‌کنند. عروس در حجله نمی‌نشیند، پدر و مادر داماد هدایائی از قبیل گاو و گوسفند، زمین و غیره به عروس خود پیش کش می‌کنند آنگاه عروس



می نشیند. همراه عروس زنی از خانواده داماد است که او را پاخسو می گویند. او پس از کامیابی داماد از عروس که از حجله بیرون می آید وارد اطاق می شود و پآرچه سفیدی را که نشانه دوشیزگی عروس روی آن افتاده از روی تشک برمی دارد و به مهمانان زن نشان می دهد، سپس آن را نزد مادر عروس می برد و به او می دهد و تبریک می گوید که دخترت پاک بود.

سه روز پس از عروسی، پدر عروس گوسفند و برنج و آرد و روغن و چائی به خانه داماد می فرستد و جشنی در خانه داماد برپا می شود. آن روز در خانه داماد ناهار تدارک می بینند و مردان و زنان و عروس در آن جشن شرکت می کنند و باخود هدایائی از قبیل قالیچه، گوسفند، روغن و غیره برای داماد و عروس می آورند. زنان و دختران با لباس رنگارنگ و زیبا با رقص و پایکوبی رونقی به مجلس جشن می دهند و هلله و شادی می کنند و پس از صرف ناهار و آرزوی خوشبختی برای داماد و عروس می کنند و متفرق می شوند.

تفاوت مراسم امروز در ازدواج با گذشته در تحقیقات اداره فرهنگ عامه مندرج در هنر و مردم راجع به ازدواج امروز در میان طایفه های کرد انبی، ترگور و یادر غرب کشور آمده:

«عروسی ها پس از درو برپا می شود. بیگ زادگان با طایفه خود و گاهی هم با مالرداری از طایفه دیگر زناشوئی می کنند. روستائیان که طایفه معلومی ندارند از هر کسی که باشد دختر می گیرند و به هر کسی که پیش آید دختر می دهند. پسرهای دهکده که این روزها تا حدی از بند سنتهای دیرین رسته اند اگر به دختری دل بسپارند ابائی ندارند که قصه عشق خود را به پدر و مادر بگویند، ولی هنوز کم نیستند پدرانی که به خواست پسر توجهی ندارند و تصور می کنند که شایسته ترین دختر را تنها آنها می توانند برای پسر خود برگزینند.

گاهی پسری و دختر دل داده ای که مخالفت خانواده ایشان مانع ازدواج آنهاست، دست یکدیگر را می گیرند و به دهکده ای دیگر می گریزند، ولی بعد به میانگیری ریش سفیدان و سرپرست طایفه دوباره برمی گردند و به هر ترتیب

هست سرانجام می گیرند. بیشتر پدرها، دختر فراریشان را از ارث و دید و بازدید خانواده گمی محروم می کنند. دختر پس از چند روزی که به خانه شوهر رفت شریک واقعی زندگی مرد می شود. سرو کارش دیگر با تنور است و جمع آوری سوخت، بچه داری، پخت و پز، آب آوردن از چشمه، شستشو و کارهای دیگر. شیربها از یک تا چهار هزار تومان است.

«بوک» Buk یعنی عروس

«نخت» Naxt پولی که خانواده دختر به جای مهر می گیرند تا برای او

جهیزیه بخرند.

«سرسپی» Sarsepi گیس سفیدی که بدنبال عروس به خانه شوهر می رود و

پس از شب زفاف به خانه پدر دختر باز می گردد.

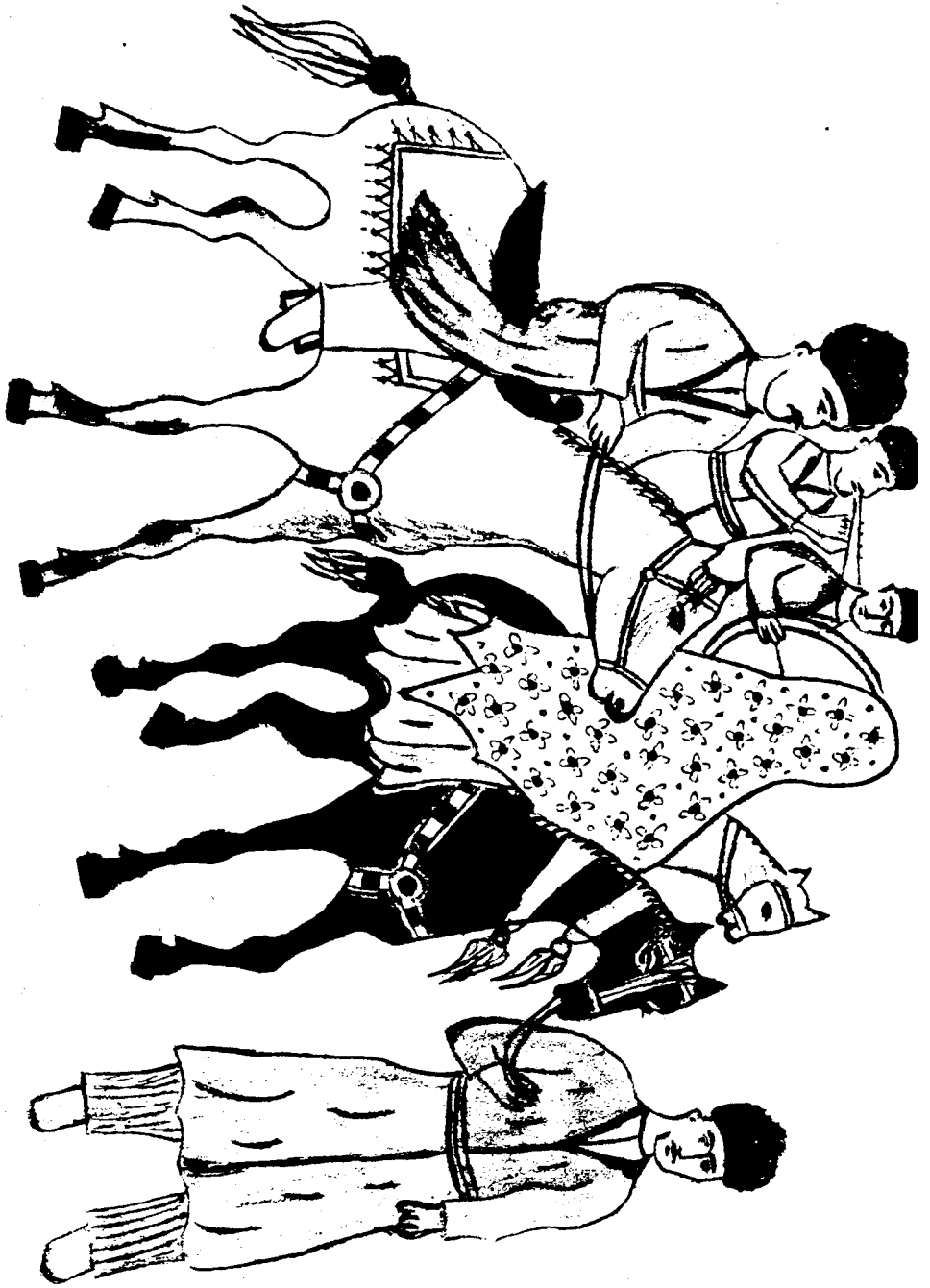
«زاوا» Zava داماد

«برازوا» Berazava ساقدوش داماد

«نزت» Nazi شیربها\*

---

\*- همو، همان کتاب، ص ۴۲



عروس را در قدیم با این هیئت بخانه داماد میبردند

## مراسم عروسی در ایل کلهر

در سرزمین کلهر یا باوندپور، در استان باختران (کرمانشاهان) سن عروس برای دختران از ده تا بیست و برای پسران از پانزده تا بیست و پنج سالگی می باشد. در این ایل رسم است که دختران هر طایفه را برای پسران همان طایفه برمی گزینند.

شیوه خواستگاری (خازمنی) چنین است:

پسر دختر دلخواه خود را هنگام آب آوردن از چشمه یا کار در مزرعه می بیند و به او دل می بندد آنگاه مادر خود را برای دیدن دختر می فرستد و اگر پسندید پدر با چند ریش سفید به خانه پدر دختر می رود و دختر را برای پسر خود خواستگاری می نماید و پس از حصول موافقت روز نامزدی را معلوم می کنند.

### نامزدی (دزورانی)

بامداد روز نامزدی در سومار، تنها پنجشنبه ها، و در دهکده کمره سفلی روزهای یکشنبه یا پنجشنبه است، نخست پدر پسر برنج، روغن، نان، گوسفند و غیره بخانه دختر می فرستد تا در آنجا نهار یا شام بپزند.

آنروز انگشتر نامزدی بوسیله مادر پسر به انگشت دختر در می شود. بعد از خرید جامه عروس و عقد کتان مراسم عروسی را مانند سایر طوایف کرد برگزار می کنند.

چند روز پیش از عروسی در خانه عروس نوعی نان شیرینی بنام بژی beji از آرد و روغن و شکر می پزند و در کیسه ای می ریزند و روز عروسی همراه عروس بوسیله پاخسو به خانه داماد می فرستند. در همان کیسه کشمش و نخودچی هم پیش (بژی) می ریزند و این سه خوراکی را رویم «ناوییکانه» می گویند.

کلهری ها ضرب المثلی دارند که می گویند: «عروس هر وخت ورسی بونا و پلکانه توایید» یعنی عروس هر وقت گرسنه می شود ناپلکانه می خواهد.

پژۍ را پاخسو عروس پس از کامیابی داماد از عروس برای شگون و گفتن شادباش به خانواده داماد می برد و میان اعضای خانواده داماد پخش می کند .  
بامداد روز عروسی مهمانان مرد داماد سوار بر اسبهای خود می شوند و بخانه عروس می روند . تعداد سوارکاران به چهل پنجاه نفر می رسد . در میان راه سوارکاران تیراندازی و اسب دوانی می کنند . پس از رسیدن به دهکده عروس و نوشیدن چای و صرف شیرینی آماده آوردن عروس می شوند .  
اسبی که عروس را سوار می کنند روی زین و برگش را با پارچه ای رنگارنگ می پوشانند . همراه عروس و در دو سوی دو زن سوار دیگر هست که پاخسوهایند یک پاخسو از سوی داماد آمده و دیگری پاخسو است که عروس همراه خود می برد .

هنگام آوردن عروس همه اهالی ده زن و مرد برای دیدن عروس در کوچه ها ، پشت بامها و بر سر راه می ایستند . گلاب ، کشمش و نقل بر سر عروس می پاشند و عروس را با ساز و دهل و هلهله و شادی به خانه داماد می برند .

### پا گشایی یا « پای وا کیم »

سه چهار روز پس از عروسی ، پدر عروس گوسفند ، روغن ، برنج ، نان ، قند و چایی و غیره به خانه داماد می فرستد و در خانه داماد به خرج پدر عروس جشن بزرگی برپا می کنند . ناهار یا شام آماده می شود و همه بستگان ( فقط زنان ) عروس و داماد را به جشن فرا می خوانند . زنان با خواندن آواز کردی و ترانه ای محلی می رقصند و پا می کوبند و برای عروس و داماد خوشبختی آرزو می کنند . هنگام رفتن مادر عروس و زنانی که همراهش آمده اند برای پا گشودن عروس را نیز همراهشان می برند . عروس چند روزی در خانه پدرش می ماند ، سپس داماد به

خانه پدر زنش می رود و عروس را به خانه خود می آورد.\*

## ترانه های کردی

در بیان ترانه های کردی مانند ترانه ای ترکی و ترکمنی احساسات عشقی و عرفانی و فروتنی ها و غمها و شکایتها و تمناها خودنمایی می کنند. زیرا گویندگان و خوانندگان آنها مردمان ساده ای بوده اند که فکر طبیعی خود را درباره احساسات و واقعیات و حوادث و خواسته ها و آرزوها بکار برده اند. لهجه گویش طوایف کردان هر منطقه با منطقه دیگر تفاوتی دارد که در اینجا نمونه هایی از ترانه های هر منطقه را می آوریم:

### ترانه کردی کرمانجی خراسانی

سَر زلفان قاچی مَگه	لاو که خَلِکِه عشقی مَگه
عشقی دَکی بی دل مکه	هالیلانه لایلانه وا مقامه دُرنه جانه

\*\*\*\*\*

سیر روی تَه دِگرم	زار و ضَرور دَ فیکرم
ووی دردا از دِمِرم	هالیلانه لیلانه وا مقامه دُرنه جانه

\*\*\*\*\*

شیلوار خَه چینه یِدِه	و گلاوه بیینه یِدِه
شَو جاره شونه بده	هالیلانه لیلانه وامقامه در جانه

\*\*\*\*\*

تو دستی خَه حمایل گه	لَه گردنی من ساییل گه
آزی گایم من جایل گه	هالیلانه لیلانه وا مقامه دُرنه جانه

\*\*\*\*\*

\*- همو، مجله هنر و مردم شماره ۱۵۹ - ۱۶۰، ص ۵۸ - ۵۹.

باز گو به نثر (ترجمه)

سر زلفان خود را قیچی مکن، پسر مردم را عشقی مکن، اگر عشقی می کنی  
بیدل مکن در نه جان به این مقام می خواند، ها لیلانه لیلانه.

سر راه تو را می گیرم، زاری کنان در اندیشه ام، با این درد من می میرم،  
در نه جان...

شلوار خودت را چین بده، با گلاب آنرابو بده، شبی یکبار مرا در کنار  
خود جا بده، در نه جان...

هر دو دستت را حمایت کن، در گردن من از روی محبت، من پیر شده ام  
جوانم کن، در نه جان...\*

### شعری از جعفر قلی کرد زنگلانلوئی

جعفر قلی زنگلی معروف به بیچاره از طایفه کرد کیوانلو اهل روستای  
زنگلانلوی در گز است این طایفه در زمان قاجاریه از رادکان (مشهد) به در گز  
انتقال یافته اند و چون به گردن شتران خود زنگهای بسیار می آویختند مشهور به  
کردان زنگلانلو شده اند جعفر قلی چوپان و صحرا گرد بوده و به دختری به نام  
مروارید دل بسته و اشعاری عامیانه در وصف یار خود بیان داشته که بین طوایف  
کرد شهرت یافته و در جشنهای نوررزی و عروسی بخشی ها با تار و قوشمه  
می خوانند یک نمونه آن چنین است:

جعفر قلی بیچاره ده خوینی ناتنی لبلان

عرق له روی ملواری ناتنی شبنم گلان

خداوندا حاصل کی مدای وان هر دودلان

\*\*\*\*\*

---

\*- شکورزاده، ابراهیم، عقاید و رسوم مردم خراسان، سروش ۱۳۶۳، تهران، ض ۴۷۷

خداوندا مبینی مشگل کاره کار دل  
چَل قَه طرنیرو مه یا نانا گشین باری دل

چَل دریا مرکب وی نانویسی آری دل

\*\*\*\*\*

چَل دریا و دریا چه خافی ناکِن ناری دل  
باری دل دانه چیان قبول نکریاری دل

خداوند عطا که و خداوا دردی دل

\*\*\*\*\*

تَه رازونه هر دَو چاف ده شه فِتن میناچری  
له اورویه کمانه ناتی غنچه گلی

ژَه ویداتی رووی خاده گری وه چادری

\*\*\*\*\*

جعفر قلی بیچاره ده خونین شعر دلجوور  
له سه ری من بووتوفان ئیران مایه مثل تور

به روی ژَه روویان هلین قدم له ره ژوور

\*\*\*\*\*

ترجمه

جعفر قلی بیچاره مانند بلبلان نغمه سرداده می خواند، عرق مانند شبنم گلها  
روی صورت مروارید نشسته است. خدایا آرزوی قلبی هر دوی ما بر آور.

خدایا می بینی چقدر مشگل و سنگین است بار دل که چهل قطار شتر نرماده  
نمی توانند بار سنگین دل را حمل کنند. چهل دریا مرکب بشوند نمی تواند غم دل  
را بنویسند.

چهل دریا و دریاچه روی آتش دل ریخته شود برای خاموش ساختن آن  
کافی نخواهد بود بار دل را (ازازل) به کوهها دادند قبول نکرد و دل می داند چرا  
کوهها این بار خرد کننده را نپذیرفتند.



هر دو چشمان او ترازو و میزان هستند که چون چراغ می درخشند و ابروهایش چون کمان و لبهایش مانند غنچه گل است و از آن سو که می آید روی می پوشاند، جعفرقلی بیچاره می خواند شعر دلجور، در سرم طوفانی شده، ایران و مثل توران، مروارید پرده از رخسار بردار، قدم بگذار بالاتر.\*

### ترانه کردی توگوری

در میان طایفه های کرد انبی و همه دهکده های زیستگاه کرد غرب ایران زرنا (سرنا) و دهل سازهای معمولی و شادی آفرین است. زرنا ترانه ها را با نوائی هجا پاسخ می دهد، ترانه های عشقی را تنها می خوانند و ترانه های رزمی را که بیشتر به همراه پایکوبی رقصندگان مردو زن خوانده می شود گاهی تنها گاهی جمعی می خوانند و زمانی هم یکنفر به صدای رسا می خواند و گروه دیگر رقصندگان پاسخش را می دهند.

ترانه

سر مرا خالق بن مدا گلی کی کور بهر ایلک

خدا خرابک نری ن قایک از هسپکی خال خالی سی یار

بو ما

با هاناماتواب خال و خط گرد ناین قرک

هرکس درد دلا دیدی براتو گازن ولومان

من تک.

ترجمه

در بالای سرما خدای بزرگ و یگانه است و در پائین دره ای ژرف و دریائی

---

\*- میرنیا، سید علی، ایل ها و طوایف درگز، ج ۲، ص ۲۱۶

دورنگ.

خدا خراب کند، نه راهی پیدا است و نه قایقی. کاش به اسب خالداری  
می‌نشستم و می‌آمدم به زیارت خال و خط گردن یار که زیر چانه اوست.  
هر کس که در دلها را دیده است از من گلابه ای نداشته باشد.

ترانه برای رقص

«آی گذر و یا سورم»

«جمایلا دور مهرم»

خاستیالاوک پسپورم

آواز زانا پرهشین

گچک زندن اشین

اوزا زانا دوگانین

یک ت ال یک شیرین

از گچگاه یا جد گم

دور کانیا گل چینن

لالائی کردی

لالئی لای رلی دی

بخوت نای بابت چو آتفنگت بیکری

چرا خوابت نمی‌آید، پدرت رفته که برایت تفنگ بخرد.

دایک خت اسیب بی زین دک

مادرت اسبش را زین می‌کند.

لالئی لای رلی دی

لالئی لای بچه من \*

\*- کلاتتری، منوچهر، همان مجله، ص ۴۰

‡- ص ۲۸ همان مأخذ

## مثالهای کردی (خراسان)

- ۱ - بدون شلوار در خواب پکذرع کرباس می بیند.
- ۲ - به اندازه لحاف پا را دراز کن
- ۳ - برای بچه ای که گریه نکند شیر نیست.
- ۴ - داخلم خودم را می سوزاند بیرونم دیگران را.
- ۵ - می شنود ولی به روی خود نمی آورد.
- ۶ - چاه کن ته چاهه.
- ۷ - پول جنه و ما بسم الله.

## ضرب المثل‌های طایفه‌های کرد غرب کشور

- ۸ - وقتی بخانه گرگ رفتی سگ خود را همراه ببر.
- ۹ - اگر گرگ پوستش را هم عوض کند فکرش عوض نمی شود.
- ۱۰ - مرد بمیرد نامش می ماند، گاو بمیرد پوستش.
- ۱۱ - این میدان این شیطان
- ۱۲ - میهمان یک روزه به اندازه جاسوس یک ساله می داند

بخش هشتم

وضع اقتصادی



## بخش هشتم

### وضع اقتصادی

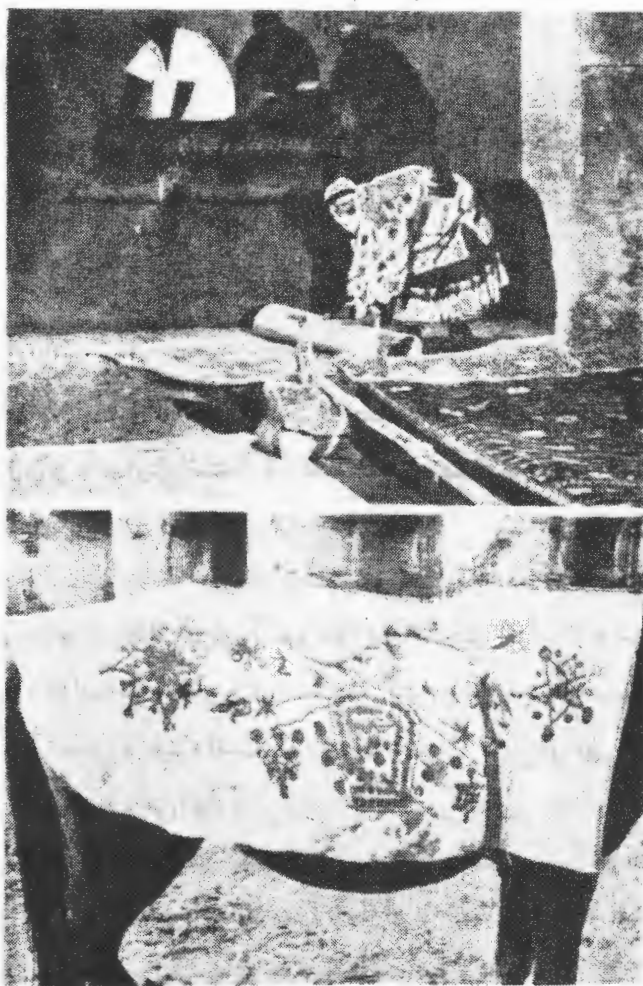
اکثر ایل‌ها و طایفه‌های کرد چنانکه ذکر شد یکجا نشین‌اند و به کار کشاورزی و باغداری اشتغال دارند. مناطق مهم کشاورزی کرد نشین خراسان عبارتست از:

رادکان، قوچان، شیران، بجنورد، اسفراین، درگز، کلات و غیره است. و این شهرستانها از نقاط خوش آب و هوا و حاصلخیز خراسان به شمار می‌آیند. عمده تولیدات کشاورزی آنجاها، گندم و جو، پنبه، سیب زمینی، دانه‌های روغنی، کشمش و غیره است که همه ساله مقدار قابل توجهی از این تولیدات به خارج کشور صادر می‌شود.

تولیدات دامداران نیز پشم، پوست، روغن، پنیر، کشک و غیره است که پس از تأمین احتیاجات خود مقداری را به بازار عرضه می‌دارند و به فروش می‌رسانند و از بهای آن سایر نیازمندیهای خود را تأمین می‌کنند.

## صنایع دستی

مهمترین تولیدات صنایع دستی کردان، گلیم، قالیچه، قالی، جاجیم برک، نمد، و غیره است که زنان و دختران کرد در کنار دامداری کشاورزی به تهیه آنها می پردازند و به بازار می فرستند و به فروش می رسانند.



کردهای قوچان گذشته از بافندگی درنمد مالی دقت و سلقه دارند و در روی نمدها اغلب نقشهای خوش آیندی طرح ریزی می کند.

عکس از فرهنگ عامه خراسان

بخش نهم

آموزش و پرورش





## بخش نهم

### آموزش و پرورش

در مناطق یکجانشین کرد بقدر کافی دبستان و دبیرستان پسران و دختران موجود است که فرزندان آنها در کنار سایر دانش آموزان به تحصیل اشتغال دارند و اکثراً نیز به دانشگاه‌های ایران و یا کشورهای خارج راه می‌یابند و با مدارج عالی مهندس، پزشک و غیره فارغ التحصیل می‌شوند و در داخل و خارج به خدمت مشغول می‌شوند.

فرزندان کوچ نشینان نیز از مدارس موقت (فصلی) محل بیلاق یا روستاهای همجوار استفاده می‌کنند و بعد با رفتن به مراکز شهرستانها به تحصیل ادامه می‌دهند.



بخش دهم

ورزش‌های سنتی

Handwritten text, possibly a signature or name, located in the center of the page.

Handwritten text, possibly a signature or name, located below the first block.

## بخش دهم

### ورزشهای سنتی

یکی از ورزشهای باستانی و سنتی ایل‌ها و طایفه‌های کرد کشتی‌گیری است و کشتی چوخوا معروفترین کشتی طوایف کرمانج خراسان است. در خراسان قهرمانان کشتی باستانی با آزاد یا فرنگی کشور از طوایف کرد بوده‌اند. مانند:

۱ - صفربهلوان، از طایفه‌های کرد زعفرانلو قلعه مینا در گز

۲ - رمضان پهلوان، از طایفه‌های کرد زعفرانلو روستای داغدار در گز

۳ - علی محمد پهلوان از کردان روستای حق ویردی در گز

۴ - عیسی خان پهلوان از کردان لاین کلات

۵ - احمد وفادار از کردان چگنی نوخندان در گز و جز اینها

۶ - نیاز پهلوان از طایفه‌های کرد قوچان

۷ - قاسم یزدان آبادی از کردان قوچان

۸ - قربان محمد بهادری از طایفه بهادری قوچان

۹ - حاج بابا پهلوان از روستای برج قوچان

۱۰ - محمد علی صحرائی از کردان قوچان

۱۱ - مسلم اسکندر فیلابی از کردان قوچان

- ۱۲ - علی اصغر خدمتگزار از کردان قوچان  
 ۱۳ - علی محمد کاظمی از روستای اترآباد قوچان  
 ۱۴ - کربلائی ابراهیم مایوانی - از طوایف توپکانلوروستای مایوان

### کشتی چوخوا

کشتی گیری علاوه بر مسابقات در ایام عید نوروز و جشنهای عروسی هم انجام می شود کشتی گیران جبه ای از برک سیاه که به آن «چوخوا» می گویند به تن می کنند و آستین ها را تا آرنج بالا می زنند و کمر بند پارچه ای به دور کمر می بندند و دامنه های چوخوا را برای آنکه دست و پا را نگیرد به پشت برمی گردانند و زیر کمر بند محکم می کنند. و شلوار را نیز تا زانو بالا می زنند و با پاهای برهنه زیر نظر خبرگان کشتی می گیرند. کشتی گیران فقط می توانند در کشتی از دستها و پاهای خود و از فنون مربوط به این کشتی استفاده کنند و زور آزمائی نمایند. در کشتی چوخوا کسی پیروز است که پشت طرف را به خاک برساند، در این مراسم ساز و دهل نیز می نوازند و تماشاگران کشتی گیران را تشویق می کنند و به برنده یک رأس گاو یا یک رأس گوسفند جایزه می دهند.

### سوار کاری و اسب دوانی

بین طایفه های یکجانشین کرد نگهداری و پرورش اسب معمول است و در بیشتر خانواده یک یا دو رأس بنام بدو نگهداری می شود.  
 بهترین و ورزیده ترین سوار کاران خراسان در گذشته از مردان و جوانان طایفه های کرد بودند سوار کاران کرد در ایام نوروز و جشنهای عروسی، کنار



صحنه‌ای از کشتی جوخا  
در شهرستانهای : درگز، قوچان، شیروان، اسفراین و بجنورد معمول است



روستا میان صحرا به اسب دوانی می پردازند و در مسابقات رسمی اسب دوانی نیز شرکت می نمایند و از جوایز آن بهره مند می شوند.

## کتاب نامه

- ۱- افشار (سیستانی) ایرج، ایل‌ها چادر نشینان و... مؤلف، تهران، ۱۳۶۶
- ۲- افشار (سیستانی)، ایرج، نگاهی به ایلام، نشر هنر، تهران - ۱۳۶۶
- ۳- آمار ایران، مرکز آمار، تهران - ۱۳۵۹
- ۴- بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، زوآر، تهران - ۱۳۶۲
- ۵- بدلیسی، شرف‌نامه، نشر علمی، تهران - ۱۳۴۳
- ۶- پاپلی یزدی، محمدحسین، مقاله کوچ‌نشینان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مشهد - ۱۳۶۳
- ۷- توحدی، کلیم‌الله، حرکت تاریخی کرد خراسان، مؤلف، مشهد - ۱۳۵۹
- ۸- توحدی، کلیم‌الله، مقاله دگرگونی مراتع عشایر کرد خراسان، مجله ذخایر انقلاب شماره ۶ تهران ۱۳۶۸
- ۹- جعفری، علی‌اکبر، مقاله بلوچ و بلوچی، مجله هنر و مردم شماره ۷ - تهران
- ۱۰- رایینو، گیلان، ترجمه جعفر خماقی‌زاده، تهران - ۱۳۵۷
- ۱۱- رایینو، مازندران و استرآباد، ترجمه وحید مازندرانی، نشر علمی و فرهنگی، تهران - ۱۳۵۲
- ۱۲- ستوده، منوچهر، از آستارا تا استرآباد، انجمن آثار ملی ایران، ج ۱، تهران ۱۳۵۲
- ۱۳- سعیدی، محمدعلی، تاریخ رامیان و فندرسک، مؤلف، تهران - ۱۳۶۴
- ۱۴- شکورزاده، ابراهیم، عقاید و رسوم مردم خراسان، سروش، تهران - ۱۳۶۳
- ۱۵- صفی‌زاده، صدیق، فرهنگ ماد کردی بفارسی، نشر عطایی، تهران - ۱۳۶۱
- ۱۶- صفی‌نژاد، جواد، مقاله اقتصاد کشاورزی، مجله ذخایر انقلاب شماره ۲ سال ۱۳۶۷
- ۱۷- عسگری، علی‌بابا، بهشهر، تهران - ۱۳۵۰
- ۱۸- فرهنگ عامه، فرهنگ خراسان - مشهد، ۱۳۴۱
- ۱۹- فریقی، احمد، عقاید و رسوم کردستان، مجله هنر و مردم شماره ۱۱۸-۱۱۹ تهران
- ۲۰- قنبری یاعلی، مقاله بهره‌وری در نظام دام‌داری، مجله ذخایر انقلاب شماره ۵- تهران ۱۳۶۶
- ۲۱- کلاتری، منوچهر، تحقیقات فرهنگ عامه، مجله هنر و مردم، تهران
- ۲۲- کیهان، مسعود، جغرافیای مفصل ایران، تهران
- ۲۳- ملکونف، سفرنامه، تصحیح مسعود گلزاری، نشر دادجو، تهران ۱۳۴۴

- ۲۴- مجتهدزاده، پرویز، شهرستان نور، تهران- ۱۳۵۱
- ۲۵- مردوخ، تاریخ کردستان، تهران- ۱۳۵۱
- ۲۶- معینی، اسدالله، گرگان رشت، تهران- ۱۳۴۴
- ۲۷- میرنیا، سیدعلی، ایلات و طوایف درگز، مشهد، مؤلف - ۱۳۶۱
- ۲۸- ورجاوند، پرویز، سرزمین و مردم قزوین، تهران - ۱۳۴۹
- ۲۹- یاسمی، رشید، کرد، نشر امیرکبیر، تهران - ۱۳۶۳

## تالیفات دیگر نگارنده

- ۱- سرزمین و مردم شهرستان اسفرايين - چاپ اول - مشهد، ۱۳۴۵
- ۲- سرزمین و مردم شهرستان کاشمر، چاپ اول، مشهد، ۱۳۴۶
- ۳- سردارانی از ایلات و طوایف درگز، چاپ اول، مشهد، مؤلف، ۱۳۶۱
- ۴- نغمه میر، مجموعه اشعار نگارنده، چاپ اول، مشهد، ۱۳۶۱
- ۵- ایلات و طوایف درگز، چاپ اول، مشهد، مؤلف، ۱۳۶۲
- ۶- خواستگاری نادرشاه از امپراتریس روسیه، مشهد، نشر اطلس، چاپ ۱۳۶۴
- ۷- رقابت دو ابرقدرت در خاورایران، مشهد، نشر اطلس، چاپ ۱۳۶۷
- ۸- طوایف ترکمان در ایران، شوروی، (افغانستان)، مشهد، نشر اطلس، چاپ ۱۳۶۷
- ۹- وقایع خاور ایران (تاریخ خراسان) دوره قاجار، تهران، نشر پارس، چاپ ۱۳۶۷
- ۱۰- ایل ها و طایفه های کرد ایران (کتاب حاضر) نسل دانش، تهران - ۱۳۶۹
- ۱۱- ایل ها و طایفه های عشایری خراسان، نسل دانش، تهران - ۱۳۶۹
- ۱۲- از چوپانی تا سلطانی (زندگی نادرشاه) نسل دانش، تهران - زیر چاپ
- ۱۳- سرزمین و مردم داراگرد (درگز، ایبورد، نسا) نسل دانش - زیر چاپ
- ۱۴- فرهنگ مردم ایران (فولکور)، تهران، نشر پارسا، ۱۳۶۹
- ۱۵- وقایع خاور ایران (دوره پهلوی) نشر پارسا، تهران، زیر چاپ
- ۱۶- سرزمین و مردم شهرستان قاینات، آماده چاپ
- ۱۷- داستان های حیرت انگیز و وقایع عبرت آمیز، نشر پارسا، تهران، زیر چاپ
- ۱۸- دختر صحرا، یا گلنار و مهنار، نشر پارسا، تهران، زیر چاپ
- ۱۹- زادخان عیار، شاهکارهای عیاری (تاریخ) آماده چاپ
- ۲۰- چه شد، چنین شد، (انقلاب مردم) آماده چاپ
- ۲۱- خاطرات گونه گونه، وقایع دوران زندگی نگارنده، آماده چاپ





سید علی میرنیا (متخلص بمسید)

شود طی " مسید " این عمر گرانقدر  
خوشاماند ز کس نام و نشانی  
انرا ز خدمتی در نشر دانش  
بماتد جاودان باعز و شانی



# فہرست احکام

۱۔ نام کسان

۲۔ نام جاہا

۳۔ نام اہل جاہ و طاقتہا





• نام کسان

الف

اباذر، غفاری ۸۰

ابراهیم خان افشار ۶۳

احمدخان، اردلان ۱۴

احمدشاه درآنی ۶۸

اسکندر خان دوانلو ۵۱

اسکندر منشی ۷۵

شاه اسماعیل صفوی ۴۹/۱۵

افشار سیستانی، ایرج ۱۶۲/۱۲۴/۱۱۷/۱۱۴/۱۱۱/۱۰۸/۱۰۷

الله یار خان درگری ۸۰/۷۸

امام قلی سیاه منصور ۱۴

امیر تیمور گورکانی ۱۰۹

امیر شرف خان بدلیسی ۱۵

ب

بامداد، مهدی ۸۶/۵۴/۳۸

بدلیسی ۴۹

بهادری، تاج محمدخان ۵۷

بیرام بیک قرامانی ۶۵/۴۹

بیرام علی سلطان صوفی ۱۴

پ

پاپلی یزدی، محمدحسین ۸۹

ت

تحفه گل (زن) ۶۶

شیخ تاج الدین زاہد گیلانی ۲۴

توحیدی، کلیم اللہ ۷۴/۵۳/۵۱/۴۴/۲۸/۲۶

ج

جعفر خان، عبدالملکی ۳۷

جعفر قلی بیچارہ ۱۸۱

جعفر قلی خان سهام الدولہ ۷۱

جعفری، علی اکبر ۱۳۳

ح

حبیب اللہ خان ناصر لشکر ۷۰

حسن خان مرڈ گانلو ۶۸

حسین خان ۴۲

حسین قلی، مافی (نظام السلطنہ) ۲۸

شاہ سلطان حسین صفوی ۵۰

حمد اللہ مستوفی ۱۴/۱۳

حیدریگ جعفری ۸۰

حیدر قلی خان سهام الدولہ ۷۱

خ

خمامی زادہ، جعفر ۲۳

ر

راینو ۴۰/۳۶/۳۱/۲۳

رشید یاسمی ۴۹/۱۴

رضا قلی سیاہ منصور ۱۴

س

ستوده، منوچهر ۴۳/۳۹/۲۴

سلطان سنجر ۱۳

سلمان خان دنبلی ۱۴

سلیمان بیک شیخوانلو ۶۳

سلیمان خان درگزی ۷۸

سعادت قلی خان پیچرانلو ۵۷

سعیدی، محمدعلی ۴۳

سیف‌الله خان ایرانلو ۵۴

ش

شاه وردی بیک صوفیانلو ۸۴

شاه وردی خان شیخوانلو ۵۱

شاه قلی سلطان چمش‌گزک ۷۵

شجاع‌الدین سورله ۱۴

شجاع‌الدوله زعفرانلو ۵۴

شکرخان ۴۲

شکورزاده، ابراهیم ۱۸۰

ص

صفرعلی خان قراچورلو ۷۲

شیخ صفی‌الدین اردبیلی ۲۴

صفی‌زاده، صدیق ۱۷

صفی‌نژاد، جواد ۱۱۴

ط

شاه طهماسب صفوی ۴۹

ع

عاشورخان چگنی ۱۴

شاه عباس صفوی ۷۶/۶۲/۴۳ / ۴۲/۲۸/۲۳

عسگری، علی بابا ۳۸

علی مرادخان زیگ ۱۴

سردار عوض ۶۶

ف

فتح علی شاه قاجار ۵۰/۴۲

فریقی، احمد ۱۵۵

ق

قلندرسلطان کله گیر ۱۴

قنبری، علی ۱۳۴

ک

کریم خان زند ۳۹

کلاتری، منوچهر ۱۸۳/۱۵۹/۱۵۶

کیهان، مسعود ۱۰۸/۵۴/۴۳

گ

گدا سلطان کولایی ۱۴

گلزاری، مسعود ۲۲

م

مجتهدزاده، پرویز ۳۷

محمد تقی چگنی ۴۳

محمدحسن خان ممدالملک ۲۸

محمدخان عمرانلو ۲۵

آقا محمدخان قاجار ۴۱/۳۶

محمدشاه قاجار ۳۵

مداح، محمد کاظم ۴۲

مردوخ ۱۲۳/۴۹/۱۳

مصطفی سلطان جستانی ۱۴

معینی، اسدالله ۴۳

مقصود سلطان دنبلی ۱۴

ملگونف ۳۵/۳۱/۲۵/۲۲/۲۱

میرنیا، سیدعلی، ۱۸۲/۸۳/۷۵

ن

نادرشاه، افشار ۸۱/۶۳/۲۹

ناصرالدین شاه قاجار ۷۲/۶۷/۳۷

نجف قلی سلطان قراچورلو ۷۷

نفس سلطان گروسی ۱۴

و

وحید مازندرانی ۳۶

ورجاوند ۲۷

وفادار، احمد ۸۴

ولی خان بهادری ۵۷

ولی خان قراملو ۶۵

## نام جاها

الف

ایورد ۷۵/۶۳/۴۴

اترک ۶۴

آخال ۴۴

آخلومد ۱۰۰

آذربایجان ۲۵/۱۴/۱۳

ارتیان ۸۱

ارس (رودخانه) ۱۲۴

ارمنستان ۱۳

ارموتلی ۱۰۰

ارومیه ۱۲۳/۱۶/۱۴

استارا ۳۹/۲۴

استرآباد ۳۹/۳۶

اسفرايين ۶۹/۵۴/۱۶

اسلام آباد ۱۰۸

اسماعیل آباد ۳۲

اشنویه ۱۲۷/۱۲۶

اصفهان ۵۷

افغانستان ۶۸

اقبال ۴۰

آلانی ۱۳

البرز ۴۰

الشر ۴۱/۱۴/۱۳

الموت ۳۱/۲۷

الن قبه ۳۲

الله اكبر (كوه) ۸۷

اليگودرز ۱۷

اورامانات ۱۱۷

اوغاز ۶۱

اميرآباد ۳۱

اندرود ۳۶

ايلام ۱۱۳/۱۰۵

ب

بابامنصور ۲۹

باجگيران ۶۱

باجوانلو ۸۱/۷۹

باختران ۱۰۵

بانه ۱۶

بجنورد ۵۹/۵۸/۱۶

۷۴/۷۳/۶۷/۶۰

برج قلمه ۸۶/۷۷

بشاريات ۲۸

بصره ۶۳

بغداد ۱۴

بلوچستان ۱۳۲

بورزلانلو ۵۹



بوشهر ۱۳۷

بوکان ۱۶

بهبهان ۱۳۱

بهرام آباد ۲۳

بیجانلو ۲۲

بینالود (کوه) ۱۰۰

پ

پسا کوه ۸۳

پنبه چوله ۳۶

پیر کوه ۲۹

پیشکوه ۱۴

ت

تاکستان ۲۸

تحت جلگه ۵۲

توزانلو ۷۷

ج

جوان رود ۱۲۱/۱۶

جویار ۳۶

جیرستان ۶۹/۶۲/۵۸

ح

حسن آباد ۸۶/۲۳

حضرت سلطان (روستا) ۸۶

حق وردی (روستا) ۸۶

حمزه کانلو (روستا) ۷۳

حمید آباد ۳۳

خ

خاخیان ۸۶

خادمانلو ۸۰

خاکستر ۸۵

خراسان ۸۵/۴۷/۱۵

خرگام ۲۹/۲۱

خرم آباد ۱۶

خشت کلات ۸۵

خلاتلو ۸۷/۷۷

خوار ۴۴

خواف ۱۵

خوی ۱۲۶/۱۲۵/۱۶

د

دامغان ۴۲

دربند ۸۵/۸۰/۱۳

درگز ۸۱/۷۸/۷۴/۶۳/۶۱/۳۶/۱۶

درون ۷۵/۴۴

درونگر ۸۷/۷۸

دزفول ۱۷

دشت کوران ۶۰

دماوند ۴۴

دوتانلو ۸۳

دوربادام ۶۱

دوغایی ۷۰

دولت‌خانه ۶۳

دوله شانلو ۸۲

دهنه شور ۶۹

دهشت ۸۰

دیاربکر ۱۳

دیارجان ۲۹

دیلمان ۲۴/۲۱/۱۴

دینور ۱۳

ر

رادکان ۶۸/۶۷/۶۶/۶۳

رحمان‌قلی (روستا) ۸۷

رحمت‌آباد ۲۹

رودبار ۴۰/۲۹/۲۷

رودهن ۴۴

ری ۲۸

ز

زاوه ۱۵

زییل ۱۳

زرتانلو (روستا) ۸۰

زرند ۳۱

زرین‌کوه ۷۵

زنجان ۲۸

زنگی ۱۳

زور (شهر) ۱۴

س

ساری ۴۲/۳۳

ساوجبلاغ ۷۷

سیان ۵۳

سرخس ۸۳/۶۵/۵۹

سردشت ۱۲۹/۱۶

سرولایت ۵۲/۱۵

سقز ۱۲۲/۱۶

سلماس ۱۲۳/۱۶

سلیمانیه ۲۲

سمنان ۱۳۷

سملقان ۷۳/۷۲

سنندج ۱۲۰/۱۱۸

سوسنگرد ۱۷

سیاهکل ۲۳

سیرجان ۴۵

ش

شاه جهان (کوه) ۶۹/۶۰

شام دشت ۳۱

شاندرمن ۲۴/۲۳

شوی (روستا) ۸۷

شیخوانلو (روستا) ۸۷/۷۵

شیرخواست ۳۶

شیروان ۹۰/۷۴/۶۶/۶۲/۶۰/۵۸/۵۴/۵۳/۵۱/۲۳/۱۴

ط

طارم ۳۱/۲۷

ع

عراق ۱۳

عمارت (روستا) ۶۵

ف

فاراب ۲۹

فارس ۵۷/۱۷

فاروج ۵۹

فرح آباد ۴۲

ق

قافزان ۴۰/۳۲/۲۷

قرا باغ ۲۵

قزوین ۲۸/۲۷/۲۲/۲۱

قوچان ۹۰/۷۴/۷۰/۶۷/۶۶/۶۲/۶۰/۵۹/۵۸/۵۴/۵۳/۵۱/۲۳/۱۶

ک

کامیاران ۱۱۹

کیکان ۸۰

کردستان ۱۰۵/۱۵

کرد کوی ۴۲/۴۱

کرمانشاه ۱۰۶/۱۶/۱۳

کلات ۸۵/۸۴/۸۳/۱۶

کلاردشت ۳۸

کلارستاق ۳۸/۳۵

کلج طارم ۳۲

کلیدر ۵۳

کهگیلویه ۱۳۷

کیگور ۱۳

گی

گرگان ۱۷

گرمسار ۴۴

گل خندان ۸۳

گلوگاه ۲۵

گلمکان ۸۶/۷۴

گورانه ۱۲۷

گیلان ۵۰/۴۰/۲۱/۱۹/۱۶

ل

لاهیجان ۱۲۷

لاین ۸۵

لرستان ۱۴

لطف آباد ۷۹

م

ماروسک ۸۱/۶۸/۵۳/۵۲

مازندران ۴۰/۳۳

ماسوله ۲۴

ماکو ۱۲۴/۱۶

مالی آباد ۳۲

مانه ۷۳

ماهیدشت ۱۳

محمد آباد ۵۳

محمد تقی بیگ (روستا) ۸۴

مراوه تپه ۱۰۱/۷۳

مرگور ۱۲۷

مرو ۱۵

مزرع ۵۱

مسجد سلیمان ۱۳۱

مشک آباد ۳۶

ملایر ۲۸

منجیل ۲۹/۲۲

مهاباد ۱۲۹/۱۲۸/۱۲۶/۴۴/۲۸/۱۶

میاب ۸۰

ن

نادر آباد ۳۲

نسا ۷۵/۴۴

نقده ۱۲۶

نوخندان ۸۷/۸۶/۷۸

نور ۳۶

نیشابور ۸۳/۸۱/۷۰/۶۸/۵۲/۱۶/۱۵

ی

ینگجه کلات ۸۵

نام ایل‌ها و طایفه‌ها

الف

اتابکی ۱۴

احمدی ۱۲۰

ارامانلو ۵۰/۲۸

ارتکانلو ۸۱/۵۲

اردلان ۱۲۳/۸۵/۱۴

استاجلو ۲۹/۲۲

اسفندیارلو ۲۶

اشکارگر ۳۷

اصانلو ۵۴/۴۱

آلانلو ۷۲

آمارلو ۷۱

امیرخانلو ۲۶

ایزانلو ۷۲/۵۴/۴۴

ایلیگی ۱۱۳/۲۴

ب

بابان ۱۴

باباجانی ۱۲۱

باباخانی ۱۱۰

باجلان ۳۲/۲۷

باجوانلو ۹۶/۸۷/۷۷/۶۴

باجیانلو ۹۸/۹۲/۹۱/۷۳



بادلانو ۵۹/۵۷  
بادلو ۹۲/۹۱/۸۶/۷۴  
بازگانلو ۲۸  
باسک کوله ۱۲۹  
بالوند ۱۹۲  
بامری ۴۵  
بچاوند ۵۰  
بختیاری ۱۷  
بدرانلو ۷۳  
برزانلو ۷۳  
برزیکانی ۱۴  
بروانلو ۹۱/۸۸  
بریمانلو ۹۱  
بریوانلو ۸۸/۸۴/۸۳  
بغانلو ۷۱  
بگان ۶۶  
بگی آرلو ۵۲  
بلخ کانلو ۱۲۴  
بوانلو ۹۵/۸۷/۶۲  
بورانلو ۸۵  
بوربور ۴۴  
بهادرلو ۲۲  
بهاریوند ۲۷  
بهرام بیگی ۱۲۰/۱۱۷

بھتوی ۳۲/۲۷

بی چانلو ۲۹

بی شانلو ۲۹/۲۲

بیچرانلو ۹۴/۹۰/۸۶/۷۰/۶۷/۶۱/۵۶

بیگ زاده ۱۲۴

پ

پاپلی ۲۷

پاچناری ۲۷

پازوکی ۴۴

پاوه نور ۵۰/۲۸

پالکانلو ۷۹/۷۵/۵۸

پایی ۵۲

پشتدری ۱۲۹

پهلوانلو ۵۸

پیران ۱۲۷

پیراحمدوند ۱۱۲

پیراصلو ۳۱

پیرقلی وند ۲۷

پیرانلو ۶۱

پیرکانلو ۶۴

ت

تاتکانلو ۷۱

تالشی ۳۱

تاوانلو ۹۸

ترانلو ۹۸

ترسانلو ۸۵

ترکاشوند ۱۱۲

توپکانلو ۹۶/۹۲/۹۱/۸۶/۵۹/۵۸/۵۶/۵۳

تورانلو ۷۷

توزانلو ۸۶/۸۱

تیتکانلو ۵۹/۲۲

تيله كوهي ۱۲۲

ج

جابان ۴۴

جاف ۱۲۲/۱۱۶

جانكي ۱۳۱

جلالان ۶۶

جلیلوئند ۲۷

جم كانلو ۳۱

جمال زایی ۱۳۲

جمالان لو ۶۴

جوان رودی ۱۲۱/۱۰۶

جهان بیگلو ۴۲/۳۶/۳۵

جیرستانی ۹۳

جیلان ۹۰

چ

چاپانلو ۷۲

چاخملو ۲۲

صوفیانلو ۱۰۰/۸۴/۷۰

صیدانلو ۲۶

ع

عالیوند ۲۴

عبدالملکی ۳۷/۳۶

عثمان بیگی ۱۲۹

علی اللهی ۳۸/۲۴

علم خان زایی ۱۳۲

عمارلو ۹۹/۶۸/۵۱/۵۰/۲۸/۲۲/۲۱

عمرانلو ۱۳۱/۸۸/۴۲/۳۵/۲۶/۲۵

عمله ۱۳۱

عناقوی ۱۲۱

غ

غم پیرانلو ۷۳

غیاثوند ۴۰/۲۹/۲۷

غیاثی ۴۰

ف

فتح علی بیگی ۱۱۸

ق

قاجار ۸۳/۲۳

قاچکانلو ۷۳/۶۴

قبادی ۱۰۹/۱۰۶

قبه گرانلو ۲۹/۲۲

قرچانلو ۸۷

قراچورلو ۸۰/۷۹/۷۷/۷۲/۷۱/۵۰/۴۴/۲۸

قرامانلو ۹۷/۷۰

قرخ کانلو ۳۱

قزلباش ۱۲۵

قلخانی ۱۱۱/۱۰۶

قلیچانلو ۱۱۱/۱۰۶

قلیچی ۳۶

قوبرانلو ۷۲

قهرمانلو ۹۱/۵۳

ک

کاد کانلو ۹۰

کاکلونند ۱۳۳

کاکاونند ۳۲/۲۷

کالتمانلو ۵۸

کام کانلو ۹۰

کانی سانی ۱۱۸

کاوانلو ۹۱/۶۴/۵۱/۲۸

کاویانلو ۹۷

کیکانلو ۸۷

کردیچه ۴۴

کردزیدی ۴۳

کرکانلو ۸۹

کرمانی ۳۲

کرنند ۱۱۱/۱۰۶

کروسی ۱۶

کره سنی ۱۲۵

کلاترزان ۱۱۹

کلاسی ۱۲۹

کلالی ۱۲۳

کلبادی ۳۸/۳۷

کلماسی ۴۰

کلیایی ۱۶

کماسی ۱۱۸

کمانگر ۱۲۰

کوران ۷۳

کوه دشتی ۱۶

کوم کیلاتلو ۸۷/۸۵/۶۲

کیکانلو ۷۸/۷۳/۶۷/۵۶

کیوانلو ۷۸/۷۰/۶۷/۶۴/۵۳/۵۰/۲۸

کهنه پوش ۱۱۸

گی

گریوانلو ۷۲

گلبادی ۲۵

گلباغی ۱۱۶

گودانلو ۷۲

گوران ۱۰۸/۱۰۶/۶۵

گورک ۱۲۸

گوگانلو ۹۹

گو گچی ۲۵

گولوانلو ۸۹

گولیانلو ۱۰۰

گوه شانلو ۷۸/۸۵

ل

لاشاری ۱۳۳

لُر ۴۵

لرکی ۱۳

لطف الله بیگی ۱۲۰

لک ۴۵/۴۰/۳۹/۲۹

م

مادانلو ۷۸

مافی ۲۸/۲۷

ماماسانی ۱۰۱

مامش ۱۲۶

مایانلو ۸۷

مایوانلو ۹۷

محمود جانلو ۲۶

محمودلو ۲۲

مدانلو ۳۶/۳۳

مژد گانلو ۶۸

مسیح خانی ۳۲

مصر کانلو ۱۲۴

مصطفی سلطانی ۱۱۷

د

درویشوند ۴۰

دلفان ۳۲

دوانلو ۷۳/۵۱/۴۲

دوتانلو ۹۸/۹۶

دود کانلو ۱۲۴

دوگانلو ۳۱

دوله شانلو ۸۱

دهبکری ۱۲۸

دیرقانلو ۷۲

دیناروند ۱۴

ذ

ذوله ۱۱۲

ر

رحیم خانی ۱۳

رستم بیگی ۱۲۱

رشوند ۴۳/۴۰/۳۱/۲۷/۲۳/۲۲

رشوانلو ۸۸/۷۳/۷۱/۶۰

رود کانلو ۷۳/۶۱/۶۰

ز

زرد کانلو ۹۱

زرزا ۱۲۶

زعفرانلو ۸۳/۷۳/۷۱/۷۰/۵۸/۵۰/۴۹/۴۲/۲۸

زورتانلو ۶۲



زبد ۱۱۹/۲۹  
زنگنه ۸۰/۱۵  
زیدانلو ۷۸/۷۳/۷۱/۶۱  
زیدری ۹۳  
زیلان ۶۹  
س  
سالارزایی ۱۳۲  
سالان قوچ ۶۱  
سپانلو ۴۲  
سعدانلو ۵۰  
سقمان ۴۹  
سگوند ۱۳۰  
سلحوزی ۴۰  
سلیمان خاتی ۱۱۴  
سمکانلو ۸۹  
سنجایی ۱۰۷/۱۰۶  
سوران ۱۴  
سویدانلو ۵۶  
سهراب زایی ۱۳۲  
سیا سیا ۱۰۷  
سیر کانلو ۷۰  
سیل سپرانلو ۶۲  
سیاه منصور ۱۵/۱۴  
سیفکانلو ۶۷/۶۲/۶۱/۶۰/۵۶

سیو کائلو ۹۴

ش

شادلو ۸۵/۸۰/۷۱/۷۰/۵۰/۴۴/۲۸

شاد کائلو ۹۷

شاطرانلو ۱۰۱

شاملو ۵۷

شاه قلاتلو ۲۲

شبانکاره ۱۴۵

شرانلو ۹۱/۸۸/۷۳/۶۳

شر کائلو ۶۲

شکاک ۱۲۳

شکرانلو ۶۲

شکریگی ۱۱۳

شمخانلو ۲۹

شمسکائلو ۲۲

شهدادزایی ۱۳۲

شهیدی ۱۲۰

شیبانی ۱۰۷

شیخکائلو ۱۲۴/۹۹/۶۳

شیخوانلو ۷۵/۶۳/۵۱

ص

صمکائلو ۶۲

صفوی ۲۴

صندوقلو ۹۰

چخلاتلو ۲۲

چخمانلو ۷۱

چمش گزگ ۸۴/۷۸/۷۵/۷۲/۷۱/۵۰/۴۹/۳۱/۲۸/۱۴

چگنی ۸۳/۴۳/۴۰/۲۹/۲۷/۱۵

چوپان کاره (شبانکاره) ۱۱۰

ح

حاج خانی ۱۳۰

حسنانلو ۶۴

حسنوند ۱۳۳/۴۱

حسنویه ۱۴

حسین لو ۴۲

حمزه کاتلو ۸۷/۷۳/۷۱/۶۰/۵۹

حیدرانلو ۱۲۵/۱۰۱

خ

خاخیانلو ۸۶

خادملو ۲۶

خالدی ۱۰۷

خر کاتلو ۷۴

خلاتلو ۸۷/۷۷

خلکانلو ۷۸

خلیکانلو ۱۲۴

خواجه وند ۴۵/۳۹/۳۸/۳۷/۳۶/۳۵

خورخور ۱۲۳